سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

خلیفه که ناقص است برای ادّعاء
انکه مشبه به که وجه خلیفه است
زائد است در وجه شبه که سفلی
باشد وجه سیم انکه هر قدر شخص
نسبة ببزرگی بیشتر خفض جناح
نماید ان بزرگ مرحمت والتفاتش
درباره او بیشتر خواهد شد
بلکه در بعضی اوقات اورا ترجیح
برخود میدهد بجهة اظهار شان
او هم چنان که حضرت رسول صلی الله
علیه واله امیر مؤمنان را در وقت
شکستن بتان بردوش مبارک
خود سرافراز نمود بلکه گاه می شد که
دست اورا می بوسید هم چنان
که در نور العیون فرموده واین

مسعود گوید که روزی دیدم که نبی صلی الله
علیه واله دست علی را در دست
خود گرفته می بوسید پس پرسیدم
یا رسول الله صلی الله علیه واله مرتبه
علی در پیش تو چه قدر است فرمود
که هر مرتبه که مرا در نزد خدا هست
وبدست مبارک خود عرق از جبین
علی پاک میکرد و همان دست عرق
آلود را بر روی نیکوی خود می ما
لید پس بنا بر این چه ضرر دارد که
حضرت رسول صلی الله علیه واله
صلوات بر خود را تشبیه نماید بصلوات
بر ابراهیم ع بلکه او را در وقت صلوات
فرستادن بر خود مقدم بدارد نظر
بخفض جناحی که آنحضرت نسبة

بامیر المؤ

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

یا امیر المؤمنین ع که در حقیقة نفس نفیس پیغمبر
صلی الله علیه و آله است نموده است هم
چنانکه در باب بیست و ششم جواهر
الاخبار فرموده و در مجمع در باب شیعه
روایت شده است که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله شبی در مسجد نشسته
از برای اصحاب حدیث می فرمودند پس
فرمود ای مردم هرگاه ذکر نمودید پیغمبران
پیش از مرا پس اوّل صلوات بر من و
بعد بر انها بفرستید و هرگاه ابراهیم ع
را ذکر نمائید اوّل صلوات بر او و بعد
صلوات بر من بفرستید اصحاب
عرض کردند یا رسول الله صلی الله
علیه و آله بچه جهة ابراهیم باین
مرتبه رسیده است حضرت فرمود

بدانید شب معراج مرا باسمان بردند و
همین که رسیدم باسمان پنجم منبری از نور
برای من نصب نمودند پس بر سر منبر نشستم
و ابراهیم در زیر دست من یک درجه
پایین تر از من نشست و همه پیغمبران
دیگر در دور منبر نشستند پس ناگاه
علی ابن ابیطالب ع روبما آمد در حالتیکه
سوار بر شتری از نور بود و روی او مانند
ماه درخشان بود و اصحاب او در اطرا
فش مانند ستارگان بودند پس حضرت
ابراهیم ع گفت این کدام پیغمبر معظم و کدام
ملک مقربیست من گفت نه پیغمبر معظم
و نه ملک مقربیست بلکه این برادر من
و پسر عم من و داماد من و وارث علم
من علی ابن ابی طالب ع است حضرت
ابراه

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

ابراهیمؑ گفت اینها کیانند در دور او
ومانند ستارگان پس حضرت رسول
صلی الله علیه واله فرمود شیعیان
او است پس حضرت ابراهیمؑ عرض
کرد پروردگارا مرا قرار بده از شیعه
علیؑ پس جبرئیلؑ این ایه را اورد وان
من شیعته لابراهیم وشیعه بمعنی
اتباع واعوان وانصار است انتهی
مؤلف گوید واز حدیث دیگر معلوم
می شود که باعث بر تمنی نمودن حضرت
ابراهیمؑ شیعه بودن چیز دیگر بوده
است همچنانچه در کتاب مصابیح
القلوب فرموده ودر حدیث امده که حق
تعالی ملکوت اسمان با ابراهیمؑ فهارا
نمود ابراهیمؑ بجوانب عرش نظر کرد

نوري ديد عظيم گفت خداوندا اين
نور چيست گفت اين صورت برگزيده
من محمد صلي الله عليه و آله است
گفت در پهلوي او نور ديگر مي بينم
گفت نور پسر عم او علي ابن ابيطالب
است گفت بنزديك او نور ديگر مي
بينم گفت آن نور فاطمه است دختر
محمد صلي الله عليه و آله که بنزديك
پدر و شوهر است دوستان خود را
از آتش دوزخ دور کند چنانکه مادر
فرزند را از شير دور کند و از براي
اينست که او را فاطمه نام نهاده اند
گفت خداوندا دو نور ديگر مي
بينم نزديك ايشان گفت دو فرزندان
ايشان حسن و حسين است گفت

پادشاهانه نورهاي ديكر مي بينم از كرد ايشان
درامده كفت ان نور امام است از فرزن
دان حسين كه حجتان منند در زمين
كفت نورهاي بسيار ديكر مي بينم
از زمين وبسيار كرد ايشان در امده
كفت ان محبتان وشيعيان علي اند وشيعه
ومحبان فرزندان اويند كفت پادشاها
ايشان بچه چيز شناسند كفت نماز در
شبانه روزي كردن وانكشتري در
دست راست كردن وبسم الله الرحمن الرحيم
در نماز بلند كفتن وپيش از ركوع قنوت
خواندن وسجده شكر كفتن ابراهيم
كفت خدايا مرا از شيعه علي وفرزندان
او كردان انتهي ومي توان جمع بين
الحمد شين نمود بانيكه حضرت ابراهيم

دوم مرتبه تمنی نمودن است شیعه بودن
امیرمومنان از اینکه مرتبه در زمین قبل
از خلقت پیغمبر اخر الزمان صلی الله علیه
واله ویکمرتبه در اسمان بعد از خلقت
انسان انس وجان وحکمت در تمنی
نمودن حضرت ابراهیم ع در مرتبه ثانیه
شاید که تجدید عهد بوده باشد وسر ا
ینکه حضرت ابراهیم ع این همه سعی
واهتمام داشت در تمنی شیعه
بودن شاید این باشد که انحضرت
مقام ومرتبه شیعه را بهتر میدانست
چه احادیث واخبار در مدح وفضل
شیعیان حیدر کرار زیاده از حد
شماره است وحقیر بجهة احراز
ثواب وتزیین کتاب وتبشیر
شیعیان

شیعیان بوتراب علیه صلوات الله
الملک الوهاب الی یوم الحساب اشاره
می نمایم به بشارتی که از کتاب بشارت
المصطفی در بعضی از کتب معتبره نقل
شده که روزی داخل شد رسول خدا
صلی الله علیه وآله بر امیر مؤمنان ع
در حالتی که اثر بشارت وسرور از بشره
وجهه پرنورش در ظهور بود پس
انسراج منیر سلام کرد بر آن امیر کبیر پس
اندر رد سلام بر آن سید انام عرض
کردند دیده ام وارد بر من بشوی مثل
امروز پس آنحضرت صلی الله علیه
وآله فرمود آمده ام که تورا بشارت
دهم بدان بتحقیق که در این ساعت
جبرئیل ع نازل شد بر من وگفت

حق تعالی تورا سلام میرساند ومی
فرماید که بشارت بده علی را که
شیعه او مطیع وگناهکارش از اهل
بهشت است پس همین که امیر ع سخن
پیغمبر صلی الله علیه وآله را شنید بسجده
امادر وسر مبارک را بسوی اسمان بلند کرد
پس عرض کرد که شاهد میگیرم خدا را
برخودم که بخشیدم بشیعه خود نصف
حسنات خودم را پس حضرت فاطمه ع
عرض بشیعه علی ع نصف حسنات خودم
را پس حضرت امام حسن ع گفت مثل
انچه صدیقه طاهره گفت وحضرت امام
حسین ع گفت مثل گفته او پس پیغمبر
صلی الله علیه وآله فرمود شما کریم
تر از من نیستید شاهد میگیرم خدا
را بر

را بر خودم که بخشیدم لشیعه علی ع نصف
حسنات خودم را پس خداوند عز
وجل فرمود شما ها اگر چه ترا از من
بمنا شید بتحقیق که امرزیدم از برای
شیعه علی ع و دوستان او جمیع گناهان
انها را مولف گوید و اگر کسی بخواهد قدری
بیشتر مقام و مرتبه شیعه را بداند پس
قدری تامل نماید در این روایت که از
حضرت ع روایت شده است که بیرون
رفت حضرت ابراهیم از خانه اش و
حال انکه از شب هفت ساعت گذشته
بود پس همین که رسید بصحرا توجه
نمود بسوی پروردگار خود و عرض
کرد ای پروردگار من بناء کردم خانه
تو کعبه را پس خداوند عالم جواب

فرمود که اجر تو در نزد من است پس دو
مرتبه عرض کرد که خانه تو را ساختم پس
جواب شنید آنچه را که اول شنیده بود
پس دفعه سیم عرض کرد که آیا زیاده می
نمیدهی از آن اجری که برای من مقرر
فرموده پس خداوند عالم ندا فرمود ابراهیم
را که آیا سیر کرده شکم یکی از شیعه علی ع
را یا پوشانیده عورت یکی از آنها را پس
طلب زیادی از من مینمائی ابراهیم ع
عرض کرد پروردگارا این علی موجود است
یا بعد از این موجود میشود پس حق تعالی
فرمود او وصی محمد ص و آل است و خلیفه
اوست و او حبیب من است پس حضرت
ابراهیم عرض کرد پروردگارا مرا بگردان
از شیعه علی ع چه از این روایت شریفه

چند

چند مطلب معلوم میشود اول قدر
و مرتبه شیعه دوم ثواب اعانت
و احسان بشیعه سیم سبب تمنی
نمودن حضرت ابراهیم شیعه
بودن را وجه دوم وجهی است که
در حدیقه الشیعه از بعضی از سلاطین نقل
نموده که روزی آن سلطان فاضل در مجلس
وعظ نشسته بود که واعظ در فضیلت صلوات
سخن می گفت پرسید که چرا در صلوات
انبیاء ذکر آل مذکور نشده و در صلوات
پیغمبر ما امر باقتران آل شده واعظ در بحر تفکر
غوطه خورده در جواب سلطان متأمل بود
که سلطان گفت مراد این مسئله دو
فکته بخواطر میرسد که بر علما عرض نمایم
اگر پسند افتد انصاف بدهند و الا اغراض

بعکس هم یکی آنکه چون دین و ملت پیغمبران سابق
در معرض تبدیل و تغییر و منسوخ شدن بود
مقتضای آن لازم نبود الا دین محمد مصطفی
صلی الله علیه و آله چون تغییر و تبدیل
در آن راه ندارد تا امن قیامت بر یک
قرار است و هر که تابع این دین است بر او لازم
است که احکام از آل و اولاد او صلوات
الله علیهم اخذ کند باید در صلوات
ذکر او پیوسته بذکر آل و باشد تا امت
و متابعان معلوم شود که ایشان حافظ
دین و ملتند و حرمت و عزت ایشان را
واجب و لازم دانند و از جمله فرایض
شناسند وجه دوم آنکه دشمنان آن
حضرت را ابتر خواندند حق تعالی ابتریت
را بر دشمنان آن حضرت انداخت

که کس

که کس ایشان را نام نبرد و ذکر نکنند و نسلشان
منقطع کردد و نام او را با نام آل مقرون
ساخت و هیچ کس پیغمبر را بی ایشان ذکر
نکند و نسل او روز بروز زیاد شوند
و نام او باشد که اتصال بال یافته و با آن
مقرون باشد و چون سلطان از
تقریر فارغ شد فضلای مجلس زبان
بتحسین و آفرین کشودند وجه سیم
وجهیست که آکه جد علامه او جدی
مرحوم اقا محمد مهدی عامله الله بلطفه
الابدی از علامه حلی قدس الله نفسه
وطهر رمسه نقل فرموده اند که علامه
علیه الرحمه با بعضی از سادات علماء
عامه مناظره فرمودند و لیس ار الزام
خصم نظر بقاعده متداوله آن زمان

خطبه مشتمل بر حمد و ثنای الهی و صلوات
بر حضرت رسالت پناهی و آل امجاد آن
شافع یوم معاد انشاء فرموده‌اند پس
الخصم الزام شده فرصت غنیمت دا
نسته بر علامه علیه الرحمه اعتراض
نموده که صلوات بر رسول صلی الله
علیه و آله نظر بآیه ان الله و ملائکته
یصلون الخ قبول و اما صلوات
بر آل نظر بعدم ورود بر شرع محل
منع است علامه علیه الرحمه بدون
آنکه خطبه را قطع کند ناصبی این
آیه را تلاوت فرمود و بشر الصابرین
الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا
انا لله و انا الیه راجعون اولئک علیهم
صلوات من ربهم و رحمة و اولئک هم

المهتدون

المهتدون پس آن ناصبی زبان باعتراض
نیز گشوده و گفت چه مصیبتی بآل
پیغمبر صلوات الله علیه و آله
رسیده که مستوجب فرماید در جواب
فرمودند من اعظم المصائب ان
حصل من ذراریهم مثلک الذی
مرجح الفسقة الفجرة علی ابائه الطاهرین
یعنی از بزرگترین مصیبتهای انها
انست که از نسل انها مثل تو بهم
رسید که هر فاسق و فاجر برا ترجیح
میدهد بر پدران پاک و پاکیزه
خود پس آن ناصبی روسیاه بمضمون
ولن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین
سبیلا زبان ایراد و اعتراضش کوتاه
گردید و قطع دابر القوم الذین ظلموا

والحمد لله رب العالمين وجه چهارم
وجهی است که بنظر مؤلف رسیده
وآن وجه مأخوذ است از آیه شریفه
قل لا اسئلکم علیه اجراً الا المودة
فی القربی ووجه دلالت جمهٔ بر النست
که صلوات بر آل که ذی القربی
هستند ودر حقیقه دعای در
حق انها است نوعی از مودة است
با انها وهم مودتی بنسبة با انها
مطلوب ومسئول رسول صلی الله
علیه وآله است وهر چه مطلوب
ومسئول آنحضرت است نظر
بآیه وما ینطق عن الهوی ان هو
الا وحی یوحی از جانب پروردگار
بمضمون ما اتیکم الرسول فخذوه

امتثال

امتثال واتيان بان لازم است
پس ثابت شد ازاين مقدمات لزوم
صلوات بر آل سيد كائنات صلوات
الله عليهم ما دامت الارض والسموات
تزيين فيه بتبين بدانكه مراد از آل
پيغمبر صلى الله عليه وآله در نزد
شيعه عترت معصومين الشرور است
همچنانكه در مبحث تشهد از جامع
المقاصد فرموده فائده آل محمد
صلى الله عليه وآله علي وفاطمه
وحسن وحسين عليهم السلام
است بجهة نقل ثابتي كه در اين
باب از طريق ما وطريق مخالفين وارد
شده است واطلاق مي شود آل بر
باقي ائمه اثنا عشر تغليبا وشهيد ثاني

قدس سره بیز در دیباچه روضه همین
مضمون را فرموده وفاضل تونی در حاشیه
تهذیب المنطق فرموده و آل النبي صلی الله
علیه واله عترته المعصومون وسید
جزایری نور الله مرقده در انوار فرموده
واما آل پیغمبر صلی الله علیه واله پس
اختلاف کرده اند مسلمون در مراد
بانها وانچه اجماع شیعه بران منعقد
شده بسبب نقل مستفیض از معصومین
انست که مراد از آل معصومین صلوات
الله وسلامه علیهم است لا غیر ومنافات
ندارد با انچه ذکر شد حدیثی که در
کشف الغطاء از حضرت صادق ع نقل
نموده که انسر در فرمودند بمردی که
گفت اللهم صل علی محمد واهل بیت
محمد ای

محمّدی

بر این وجه فرموده باینکه کاف برای تشبیه
است وآن صفة مصدر محذوفی است
یعنی صلواتی که مماثل باشد با صلوات
بر ابراهیم ع وظاهر اینست که این اقتضاء
مماثله نماید زیرا که مثلاً ان مساوی‌اند
در جمیع وجوه ممکنه مدفوعست باین
که اگرچه ظاهر اینست ولکن چون
متعذر است تاویل باید نمود مانند تا
ویلی که در آیه سوم است وجه دوم
آنکه قوة در تشبیه در این جا راجع
است بظهور و وضوح زیرا که صلوات
بر ابراهیم ع بجهة اجابت دعای او در
وقتی که عرض کرد واجعل لی لسان
صدق فی الآخرین یعنی ذکر جمیل
و از این جهة پیغمبران خود را النسبة

ظاهر و مشتهر است نزد ارباب ملل و ادیان ع

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

باو و دین او میداد ند پس این تشبیه
از قبیل قول حق تعالی مثل نوره
کمشکوة فیها مصباح خواهد بود
بجهة اینکه نور مشکوة محسوس
و مشاهد هر کس میباشد وجه سیم
انکه کاف از برای تعلیل است مثل
قول حق تعالی و اذکر الله کما
هدیکم ای لما هدیکم مؤلف گوید
و این وجه خالی از نظر و تامل
نیست زیرا که دلالت دارد بر
علت بودن صلوات بر ابراهیم
از برای صلوات بر پیغمبر اخر الزمان
صلی الله علیه و اله و پر معلوم است
که علة اشرف از معلول است پس
باین وجه رفع اشکال مذکور را نمی
نماید

نماید بلکه مؤید آنست و مؤلف را در
اوّل آنکه کاف بمعنی علی باشد بنا بر آنچه
صاحب مغنی گفته که معنی سیم کاف
استعلاء است ذکر نموده این معنی را
اخفش و کوفیّون الخ و در اینصورت
معنی صلوات مذکوره چنین خواهد
بود که صلوات بفرست بر محمّد صلّی الله
علیه و آله و آل و صلواتی که تفوق
و استعلاء داشته باشد بر صلوات
ابراهیم وجه دوّم آنکه بعد از ثبوت
افضلیت پیغمبر صلّی الله علیه و آله
و آل طاهرانش و بر از جمیع پیغمبران
دیگر چه ضرر دارد که آن شفیع یوم
محشر بجهة هضم نفس و خفض جناح
که نظر بآیه و اخفض جناحك لمن

۲ در رفع اشکال تشبیه به وجه وجیه بنظر می‌رسد

سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران

انّ تعل من المؤمنين و آيه قل انّما انا البشر
مثلکم محبوب پروردکار است امثال این
عبارات در مقام خطاب یا ربّ الارباب
عرض نماید و امثال خود را بهمین قسم
صلوات فرستادن که ممدوح و مستحسن
است امر فرماید تا آنکه متادب بآداب
حسنه و متخلق باخلاق مستحسنه
شده طریقه خطاب یا ربّ الارباب
را فرا کیرند و علما بیان این قسم از تشبیه را
که تشبیه کامل است بناقص برای ادعاء
آنکه ناقص زائد است در وجه شبه
تشبیه مقلوب نامند مثل قول شاعر
وبدا الصّباح کانّ غرّته وجه الخلیفة
حین یمتدح که در این شعر تشبیه نموده
سفیدی صبح را که کامل است بوجه
خلیفه

محمد ای فلان تنک کرفتی بر ما آیا نداستنه
که اهل بیت پنج نفر اصحاب کسا هستند
بکو اللهم صل علی محمد وآل محمد تا اینکه
وما شیعیان مادر آن داخل باشیم
للفرق الواضح بین المرادیه المفاده
من کلمات الاصحاب والدخول المد
لول علیه با الحدیث المنقول فان
خصم زید المؤمن مثلا داخل فی عموم
دعائه للمؤمنین غیر مراد وعلی فرض
تسلیم المنافات فالجمع بحمل کلمات
القوم علی المرادیه الاستقلالیه
والحدیث علی المرادیه التبعیه ممکن
مضافا الی ان عمومها فی کشف
الغطاء با الاحادیث الحاصره للال
فی الاربعه المتناسبه من اهل العبا

مخصوص بود در نزد عامه خویشان مومنین
النبی و راست از بنی هاشم و مطلب هم
چنان که ملا جلال الدین سیوطی
در اول بهجه المرضیه تصریح بان نموده
و فاضل دمامینی در حاشیه مغنی
فرموده و آل النبی علیه الصلوة
والسلام بر هر کاران از مومنین
است پس کل صحابه داخل و خویشان
نزدیک او است پس بعضی از صحابه
داخل در آل است نه همه انتهی مؤلف
گوید محتمل که تردید دمامینی ناظر
باختلاف مذاهب باشد زیرا که
مستفاد از کلام لغویین شق اول
از تردید است قال فی القاموس
والآل ما اشرف عن البعیر التراب

الآل

الی ان قال واهل الرّجل واتباعه
واولیائه وقال فیه ایضا وال الله
ورسوله اولیائه واصله اهل وقال
فی المصباح والآل اهل الشّخص
وهم ذووقرابته وقد اطلق علی اهل
بیته وعلی الاتباع وقال فی مجمع البحرین
اهل الرّجل آله وهم اشیاعه واتباعه
ثمّ کثر استعمال الاهل والال حتّی
سمی بهما اهل بیت الرجل لانّهم
اکثر من یتبعه وشق ثانی مذهب
بعضی از عامّه است وشق ثالث
مذهب خاصّه است وعلی کلّ من
المذاهب صدیقه کبری وائمّه
اطائب علیهم الصّلوة والسلام الذّائب
بلااشکال داخل در ال هستند وﺩ.

خول سایر صحابه واقارب کما هو مختار
والنواصب محل اشکال است وعموم
الال المستفاد من اللغة بالاحادیث
الخاصة لما هو فی الاصول منصوص
مخصوص تنبیه فیه توجیه الرکسی
بگوید چرا در صلوات میگویند
اللهم صل علی محمد وال محمد ومضاف
الیه ال را اسم ظاهر میاورند که
خلاف مقتضی ظاهر است در ضمیر که
مقتضای ظاهر است جواب انکه
اسم ظاهر را در بعضی از اوقات
در موضع ضمیر میاورند بملاحظه
نکته زیاده تمکین در ذهن سامع
مثل وبالحق انزلناه وبالحق نزل
وتقویه داعی مامور مثل فاذا
عزمت

فاذا عزمت فتوكل على الله الى غير
ذلك من النكات المذكوره
في علم البيان ودر صلوات
محتمل است كه وضع ظاهر در
موضع مضمر بجهة زياده تمكين
باشد ومحتمل است كه بجهة تقويه
داعي مامور باشد باب سيم در
بيان تعيين مرجع فائده صلوتست
بدانكه اعتقاد مشهور علماء انست
كه فائده صلوات مشتركست ما بين انسر
ور وصلوات فرستنده وكويا نظر
ايشان باين است كه صلوات نوعي از
دعا است وثمره دعا كما هو الظاهر
مشترك ما بين داعي ومدعو له است
واعتقاد شهيد ثاني قدس سره

آنست که فائده صلوات عاید بمصلی
است هم چنانکه در دیباچه شرح
لمعه فرموده وفائده السئول بها عائده
الی المصلی لان الله تعالی قد اعطی
نبیه صلی الله علیه واله من المنزله
والزلفی لدیه ما لا یوثر فیه صلوات
مصل کما نطقت به الاخبار وصرح
به العلماء الاخیار انتهی ودر انوار
از همین بزرگوار نقل نموده که عود
فائده صلوات به بنده مذهب جماعتی
از متکلمین اصحابست وصلوات
را از قبیل دعاء بما هو واقع پندا
شته که خواه مکلف دعا گوید
نماید وخواه ننماید آن امر محقق
وواقع است مثل اهدنا الصراط
المستقیم

انتهی موافق تحریر دانشمند هو
وافق النسخه

المستقيم ومثل ربّنا لاتؤاخذنا ان
نسينا او اخطانا الخ ومثل ومن شرّ
النفّاثات فى العقد الى غير ذلك
وكيف كان قول ثاني مردود است
بانچه محقّق خونساري در حاشيه
روضه فرموده كه مراتب قرب بسوي
خدا غير متناهي است پس جايز است
كه هر صلواتي موجب ترقي السرور
صلّى الله عليه واله بشود از مرتبه
بمرتبه بالاتر از ان مرتبه سابقه
وصاحب انوار بعد از نقل دليل
شهيد ثاني بچند وجه او را رد نموده
اوّل انكه درجات عطاي خدا
وند نهاية ندارد وهر درجه بالاتر
از ان درجه ديكر هست وپيغمبر

ما صلّی اللّه علیه و آله ممتاز از سایر
پیغمبرانست بزیاده قابلیّت مر فیوض
ربّانیّه را و پیوسته اثر و ر صلّی اللّه
علیه و آله می فرمودند بدرستی که
پروردگار من بمن وعده فرموده در
جه را که آن درجه بمن نمیرسد
مگر بدعاء امّة من و هم چنین پیوسته
طلب دعا می نمود از صلحاء مؤمنین
و اکابر متّقین وجه دوّم در حدیث
قدسی وارد است و از جمله چیزهائی
که حق تعالی وحی نمود بموسی ع این
بود که ای موسی ع بخوان مرا بز
بانی که معصیت مرا نکرده باشی
بان زبان عرض کرد الهی چگونه
می شود و حال آنکه من بزبان خود
تورا

تورا معصیت نموده ام خطاب رسید
که ای موسی طلب دعا نما از برادران
دینی خود زیرا که مرا بزبان هیچیک
از انها معصیت ننموده وجه اینکه دویم
انکه اگر دعای بی فائده می بود هر اینه
حقتعالی موسی را که از جمله اولو العزم پیغمبر است
و درجه اش نسبه بدعاء امتش مثل
درجه پیغمبر ما صلی الله علیه و
اله نسبت بدعای ما بوده باشد دعا از
ملتش امر نمی نمود وجه سیم انکه فائده
صلوات اعالی جنان وجلوس با حور
وغلمان نیست زیرا که انها لذات
بدن هستند ومطمح نظران بزر
گوران طلب لذة معنویه بوده است هم
چنان که امیر مومنان و سید موحدان

عرض میکرد الهی ما عبدتك خوفا
من نارك ولا طمعا فی جنتك ولکن
وجدتك اهلا للعبادة فعبدتك
ودر قران بعد از ذکر لذات حسیه
انا شجار وانهار وحور وغلمان
فرموده ورضون من الله اکبر بلکه
فائده صلوات قبول شفاعت ان بزر
کوارانست وپر واضح است که فائده
قبول شفاعتهم عاید بانها وهم عاید
بمصلی است اما بانها بواسطه اظهار
رفعت شفاعت وحصول ملتمس
انها علی رؤس الاشهاد در حضور
ملائکه مقربین وانبیاء مرسلین
وعباد صالحین وشك نیست
در اینکه قبول التماس ارافع در
خاتمه

جا است هم چنانکه ~~اینکه~~ هو رتّان
از اعظم نکبا تست واما عود فایده
صلوات بما ها بواسطه قبول شفاعت
انها است در حق ما ها برای
خلاصی از عذاب و حاصل
کلام آنکه این دعای خاص یعنی
صلوات از قبیل انچنان چیزیست
که در ادعیه نماز وارد شده
وتقبّل شفاعته فی امته وارفع
درجته براکه رفع درجه اگرچه
اعم از قبول شفاعت است الّا
اینکه در این مقام بمنزله عطف
تفسیری قبول شفاعت است
مؤلّف گوید در رد قول ثانی
چند وجه دیگر بنظر میرسد

وجه اوّل عباریست که در قنوت
مخصوص نماز عید فطر و اضحی
می فرماید اسئلك بحق هذا
الیوم الذی جعلته للمسلمین
عیدا ولمحمّد صلّی الله علیه وآله
ذخرا وشرفا وکرامة ومزیدا
وجه دوّم عباریست که در ا
خر توقیع رفیع که بخط مبارك
حضرت صاحب الامر روحی فداه
در جواب اسحق ابن یعقوب
بیرون آمد وآن عبارت این
است وبخوانید حق تعالی
را البتّه در تعجیل فرج پس بدر
ستی که فرج شما در آن است
وسؤال کنید خدای تعالی
را

را حضور ضایره محلهای استجابت
دعاها و عقب نمازها فرج آل محمد
صلی الله علیه و آله را وجه اشد لال
آنکه اگر دعای دانی برای عالی بی
فائده می بود حضرت حجة صلوات
الله و سلامه علیه امر بدعا نمی
فرمود زیرا که حال ماها النسبة
بالسرور صلی الله علیه و آله مثل
حال ماها است لنسبة بحضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله وجه سیم
آنکه بنا بر قول شهید قدس سره
لازم می آید که صلوات فرستادن
خدا بر آنحضرت بی فائده باشد
زیرا که عود فائده صلوات بسوی
خداوند عالم باطل است لانه غنی

عن العالمين ولبسوي پيغمبر هم نيز
باطل لانه المفروض في كلامه وجه
چهارم آنكه اگر فائده صلوات مختص
بمصلي باشد لازم مي آيد كه تارك
صلوات ظالم در حق خود بتنهائي
باشد وحال آنكه انس و رصلي الله
عليه وآله در خبري كه در باب
اوّل ذكر شد فرموده هر كس كه
من در نزد او ذكر شوم واو بر من
صلوات نفرستد پس بتحقيق كه او بر من
ظلم كرده ودر حديثي كه در باب دوّم
ذكر شد حضرت صادق ع بمرخودي فرمودند
كه گفت اللهم صل علي محمد اي مرد يناله
صلوات را قطع مكن ودر حق ما
ظلم منما ووجه استدلال ظاهر است

وجه

وجه پنجم آنكه بنا بر قول ثاني لازم مي
آيد كه اگر آنسرور صلى الله عليه
واله زياده بر عمر مقرر زنده مي بود
طاعاتش بي فايده وثواب باشد در
حق خودش ووجه استدلال آنكه
دعاي ما براي آنسرور صلى الله
عليه واله از جمل اعمال خود ا
فضلست زيرا كه بواسطه هدايت
وارشاد آنسرور صلى الله عليه
واله از ورطه هلاك نجات يافته
وقبل از بعثت آنحضرت همه مردم
در بوادي ضلالت بودند وبعد
از بعثت آنحضرت دست آنها گرفته
وباقصى درجات مقربين رسانيد
وهمچنين اولاد امجاد آنحضرت

نیز این کار را کردند و باین واسطه
مستحق شدند که صلوات بر انها
بفرستیم و طلب رحمت از خدا برای
انها بنمائیم پس دعای ما برای
انها از جمله اعمال خود انها است
و شک نیست در اینکه اعمال انها
موجب مزید ثواب انها هست بلا
خلاف منا باب چهارم در بیان
مواضعی است که استحباب صلوات
در انها اکد از مواضع دیگر است
و ان مواضع بنابر انچه بعضی از مؤلفین
جمع نموده اند بیست موضع است تا
اول در هر جائی اسم مبارک آن سرور
صلی الله علیه و اله ذکر شود خواه
خودش مذکور نماید و خواه از
دیگری

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

دیگری بشنود دوم در ابتدای هر
کلامی که آن را قدری و مرتبه باشد
و علما خطبه را که مشتمل بر حمد و ثنای
الهی باشد و صلوات بر رسول
صلی الله علیه و آله در آن نباشد
ابتر یعنی مقطوع از خیر و
فائده میدانند سیم در ابتدای
وضو چهارم عامه از رسول خدا
صلی الله علیه و آله روایت نموده
اند که چون از وضو فارغ شوید بگوئید
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله
و بعد از آن صلوات بفرستید و
چون چنین کنید گشاده می شود
بر شما درهای رحمت پنجم در وقت

مرور مسبحل ششیم در عقب همه نما
زها عموماً ودر عقب نماز مغرب
وصبح خصوصاً هفتم بپیش از شروع
در دعا نمودن هشتم بعد از فراغ
از دعا ودر انوار فرموده وهرکس
حاجتي داشته باشد ومیخواهد که
براورده شود عمل بیاورد انچه
را که حضرت صادق ع فرموده
واین است که صلوات بفرستد
بر محمد وال محمد صلی الله علیه
واله در اول واخر حاجت و
حود را در وسط ذکر نماید بدرستي
که خداوند عالم کریم توانا است
که طرفین را قبول نماید ووسط
رد نماید واین از قبیل بیع صفقه
است که

است که باید یا همه قبول شود و
یا همه رد شود و در صورتی که در
طرف دعا قبول شد لا محاله و
سط هم قبول می شود نیم در خطبه
عیدین و جمعه و استسقا دهم
در هر روز یازدهم و هر شب
جمعه چهاردهم عصر روز پنجشنبه
سیزدهم شب جمعه چهاردهم
روز جمعه پانزدهم در ماه مبارک
رجب خصوصا در روز مبعث
شانزدهم در ماه مبارک شعبان
هفدهم در ماه مبارک رمضان
هیجدهم در وقت بوسیدن کلها
وریاحین مؤلف گوید در خلاصة
الاخبار از الاخبار از رسول مختار

صلی الله علیه واله روایت نموده است
که الرسول صلی الله علیه واله
فرمودند که هر کس گل سرخ را ببوید
و بر من صلوات نفرستد پس بدرستی
که بر من جفا کرده است و محکی
از کتاب روضة الواعظین و مکارم
الاخلاق از مالك جهنی روایت
کرده است که من چیزی از ریاحین
بحضرت امام جعفر صادق
دادم وانحضرت گرفت و بوئید
و بر چشمهای خود مالید و گفت
اللهم صل علی محمد وال محمد
پس فرمود که هر کس چنین
کند که من کردم گناهان او امرزیده
می شود پیش از آنکه انرا بر زمین
بگذارد

بگذرا ببین حال فیروزین مقال
اگر کس بگوید که چرا در پشت گل سرخ
پنج برگ هست که دو برگ و نصف
ان شبیه بماهی و دو برگ و نصف
دیگر شبیه بد عموص است جواب
انکه از جمله علامه اوحدی مرحوم
اقا محمد مهدی طاب ثراه شنیدم
که فرموده از رسول خدا صلی الله
علیه و اله روایت شد است
که فرمودند در شبی که مرا باسمان
بردند قطره از عرق من بزمین
چکید پس گل از او روئید پس
ان گل بدریا افتاد پس ماهی رفت
که ان گل را بگیرد و عموص هم
رفت که ان گل را بگیرد پس ماهی

کفت این کل از ان منست پس
دعموص هم کفت این کل از ان منست
پس خداوند عالم ملکی را فرستاد
که حکم نماید ما بین انها پس ان
ملک ان کل را دو نصف نمود
نصفی را بماهی داد و نصف دیکر
را بدعموص داد پس از این جهة
است که دو برک از برکهائی که در
پشت کل شرح است شبیه است
بماهی یعنی هر دو طرف ان دو برک
برکهای ریزه دارد و شبیه بپرهای
طرفین ماهی و دو برک دیکر از برکه
او طرفین انها بی برکه و صاف است
مانند دعموص و یک برک دیکر از انها
نصف ان بی برک است مانند دعموص

و نصف

ونصف دیگرش بابرك است محمد
النبی واله وسلم مانند ماهی قاهر
گوید مضمون همین روایترا
لعربی در حاشیه کتاب کشکول
دیده ام ردنوردهم بعد از عطسه
زدن خود یا دیگری مؤلف گوید
در کتاب صلواة مدارك حدیثی مناسب
این مقام بنظر رسیده که معنیش
بفارسی این است روایت نموده
کلینی رضی الله عنه از حسن ابن
راشد از ابی عبد الله ع که آنحضرت
فرمود کسی که عطسه نماید وبعد
زان دست را باستخوان دماغ
بکذارد وبکوید الحمد لله رب العالمین
کثیرا کما هو اهله وصلی الله علی محمد

مؤلّف گوید وعلاوه بر این بیست موضع
در سه موضع دیگر نیز تأکّد استحباب دارد
اوّل در وقت دخول در مسجد دوّم
در وقت خروج از آن چنانکه در کتاب کشف
اللثام فرموده وفی حسن بن سنان اذا دخلت
المسجد فصلّ علی النّبی ص ع بیرون میاید از سوراخ
النّبی و آله وسلّم بیرون میاید از سوراخ چپ
دماغ او پرنده از ملخ کوچکتر و از پشه بزرگتر
و پرواز مینماید تا زیر عرش و پیوسته تا روز قیامت
برای این شخص طلب مغفرت مینماید سیّم در
وقت ذکر نمودن پروردگار چنانچه در کافی از عبد الله دهقان
روایت نموده که بخدمت حضرت امام رضا ع رفتم
ان سرور از من پرسید که مراد ازین آیه چیست
که وذکر اسم ربّه فصلّی من عرض کردم هرگاه یاد
مینماید اسم پروردگار خود را میخیزد نماز

مینماید

می نماید فرمود این تکلیفی خواهد بود لیکن با
مشکل عرض کردم فدایت شوم پس مراد چیست
انسرور فرمودند مراد این است که چون اسم
پیغمبر کان یاد می نماید بر محمد و آل محمد صلوات
میفرستد مؤلف گوید علاوه بر این بیست موضع
در سه موضع دیگر نیز تاکد استحباب دارد اول
در وقت دخول در مسجد دویم در وقت خروج
ازان هم چنانکه در کتاب کشف الغمه فرموده
و فی حسن ابن سنان اذا دخلت المسجد فصل علی
النبی صلی الله علیه و آله و اذا خرجت فافعل ذلک یعنی
در حدیث حسن بن سنان وارد شده که هرگاه
داخل در مسجد بشوی صلوات بفرست
بر پیغمبر و هرگاه بیرون رفتی از مسجد
پس صلوات بفرست بر انسرور سیم
در پایین دو رکعت نماز نافله صبح همچنانکه

شهید اول قدس سره در کتاب ذکری
فرموده و یستحب ان یصلی علی النبی و آله
مائة مرة بین رکعتی الفجر و فریضتها یبقی
الله وجهه من النار رواه الصدوق
یعنی مستحب است که صلوات بفرستد
نمازگذار صد مرتبه ما بین دو رکعت
نماز نافله صبح برای اینکه خداوند
عالم محافظت فرماید روی او را از
آتش روایت نموده است این مطلب را
شیخ صدوق علیه الرحمه ختام
به اهتمام بدانکه آنچه از برای
تارک صلوات در وقت ذکر نام الشریف
سرور عالمیان صلی الله علیه و آله
مقرر است یازده چیز است اول آنکه
خدا و پیغمبر و ملائکه از او بیزار می
شوند

شوند هم چنانکه در انوار فرموده از
جمله احادیثی که دلالت بر فضیلت
صلوات دارد حدیثی است که ابو
بصیر از حضرت صادق ع روایت نموده
که آنحضرت فرمودند هرگاه ذکر شود
پیغمبر صلی الله علیه و آله پس بسیار
صلوات بر او بفرستید بدرستی که هر کس
یک مرتبه صلوات بر او بفرستد خدا
وند عالم با هزار صف از ملائکه صلوات
بر آن بنده می فرستند و هیچ خلوتی
باقی نمی ماند مگر آنکه صلوات بر آن
بنده می فرستند بواسطه صلوات
فرستادن خدا و ملائکه بر او و کسی
که رغبت در این ثواب نکند جاهل
و مغرور است و خدا و پیغمبر صلی الله علیه

واله و ملائکه از او بیزارند دوم اینکه
داغ شقاوت و بدبختی بر جبین و بر صفحه
حالش می کشند چنانچه شیخ احمد ابن
فهد حلی قدس سره در عدة الداعی
از رسول خدا صلی الله علیه واله روایت
نموده که شقی ترین مردم کسی است که
من در نزد او ذکر شوم و او بر من صلوات
نفرستد سیم اینکه خار و بی اعتبار
و نگونسار گردد چنانچه موسی ابن
اسماعیل از موسی ابن جعفر ع روایت
نموده که رسول خدا صلی الله علیه
واله فرمودند که بر خاک مالیده باد بینی
کسی که من در نزد او ذکر شوم و او بر
من صلوات نفرستد چهارم انکه
علامت ظهور بخل کامل است چنانچه
رسول

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند
بخیل کامل کسیست که من در نزد او
ذکر شوم و او بر من صلوات نفرستد
پنجم آنکه اسم جفاکاری بر او وارد است
چنانچه از رسول خدا صلی الله علیه
و آله مرویست که هر کس من در نزد ا
و مذکور شوم و او بر من صلوات
نفرستد بدرستی که او بر من جفا
کرده و در عدة الداعی از رسول خدا
صلی الله علیه و آله مرویست که
باصحاب فرمودند آیا خبر بدهم شما را
به بخیل ترین مردم و کسل ترین
مردم و عاجز ترین مردم عرض کردند
بلی یا رسول الله صلی الله علیه
و آله فرمودند اما بخیل ترین مردم

۲ و دزد ترین مردم و جفاکار ترین

کسي است که بکند در بمسلماني و بر او
سلام نکند و امّا کسل ترین مردم پس
بنده صحیح فارغیست که خدا را بلب
و زبان خود ذکر نکند و امّا دزدترین
مردم مردیست که از نماز خود بدزد
د دلیس پیچیده می شود نماز او هم
چنانکه پیچیده می شود جامه کهنه
پس زده می شود بان صورت ان
و امّا جفاکارترین مردم دلیست
که من در نزد او ذکر شوم و او بر من
صلوات لفرستد و امّا عاجزترین
مردم مردیست که عاجز باشد
از دعا کردن ششم انکه مجلس
ایشان بر ایشان حسرت و وبال
خواهد بود هفتم انکه در بهشت
راک

را الم کند هشتم انکه موجب دخوال
بود در روی اتش است نهم انکه موجب
حسرت خواهد بود در روز قیامت
چنانچه از ابوسعید خدری
منقول است که رسول خدا صلی ا
لله علیه واله فرمودند که اهل مجلس
که بر من صلوات نفرستند در قیامت
از برای ایشان حسرت خواهد
بود اگرچه داخل بهشت شوند
دهم ان که موجب دوری از خدا ست
ودر بسیاری از کتب مذکور است
که روزی پیغمبر صلی الله علیه واله
پای مبارك بر پایه اول منبر گذا
شت فرمودند امین پس بپایه
دیگر منبر رفتند فرمودند امین

پس بپایه سیم منبر رفتند فرمودند
آمین پس صحابه از سبب آمین
بیدعا و بیدعا کننده سؤال نمودند
آنسرور صلی الله علیه وآله فرمودند
دعا کننده جبرئیل بود چون بر پایه
اوّل منبر رفتم دعا کرد که هر کس
پدر و مادر یا یکی از ایشان را در
یابد و آمرزیده نشود یعنی با
ایشان نیکوئی ننماید که سبب
آمرزش او شود خداوند عالم
او را از رحمت خود دور نماید
گفت که بگو آمین من گفتم آمین
وچون بپایه دوّم منبر بالا رفتم
جبرئیل دعا کرد و گفت که هر کس
تو در نزد او مذکور شوی و او

بر تو صل

بر تو صلوات فرستند بمیرد و بدو
دوزخ درآید و حق تعالی او را از
رحمت خود دور نماید و مرا گفت
بگو آمین من گفتم آمین و چون
بپایه سیم منبر بالا رفتم گفت
که هر کس شب قدر و ماه رمضان
را دریابد و آمرزیده نشود از
رحمت خدا دور باد گفت بگو آمین
من گفتم آمین یازدهم محرومی از دیدار
جمال رحیم المتعال از مقربان ذوا
لجلال است چنانچه در مصابیح
القلوب فرموده خدیجه کبری
گفت شبی رسول خدا صلی الله
علیه و آله سر در کنار من نهاده
بود و در خواب شده و من در

در روي وي نگاه ميكردم مرا ان ديار ر
وي مباركش از ماه شب چهارده خوشتر
بود با خود گفتم الويل لمن لا يريك يوم
القيمة واي بر ان كسي كه نه
بيند تو را روز قيامت وگريه بر من
غلبه كرد قطره بر چهره مباركش افتاد
چشم باز كرد و مرا گريان ديد فرمود
ما يبكيك چه چيز تو را مي گرياند
حال و قصه با وي بگفتم گفت داني
فداي قيامت كه مرا نخواهد ديد
گفتم خدا و رسول دانا ترند گفت
هر باخواره كه بي توبه بميرد و هر كه
نام من بشنود و بر من صلوات
نفرستد و كسي كه پدر و مادر را
نجانيده باشد و در ايشان عاق شده
با

باشد وبدان که بعضی از علما گفته
اند که چنانچه ترک صلوات در حین
گفتن یا شنیدن نام نامی النسرور
موجب عقوبت است همچنین ترک
کتابت صلوات بعد از کتابت اسم النسر
ور صلی الله علیه واله نیز موجب
عقوبت است نقل نموده اند مردی
در بصره کتابت حدیث می نمود وچون
باسم مبارک النسرور صلی الله علیه
واله میرسید از روی عمد ترک نوشتن
صلوات می نمود در اندک زمانی
آکله در انگشتانش افتاد وبکلی
دستش جدا شد ونیز نقل نموده
اند که مردی دیگری بود بسیار زاهد
ومتورع وقائم اللیل وصائم الدهر

کتابت حدیث می نمود و خود می گفت
چون بنوشتن اسم آنسرور صلی الله
علیه و آله می رسیدم صلوات نمی
نوشتم شبی آنسرور را صلی الله علیه
و آله در خواب دیدم از روی غضب
بمن فرمود که چرا در وقت نوشتن
اسم من ترک صلوات می نمایی من
ترسیدم و در دل خود گذرانیدم
که هرگز دیگر این بی ادبی ننمایم
و چون بیدار شدم دیگر ترک
نوشتن صلوات بعد از اسم مبارک
آنسرور صلی الله علیه و آله ننمود
م بار دیگر آنحضرت را در خواب دیدم
که بنظر لطف و رحمت بر من نگریست
و فرمود که صلوات تو را بمن رسانیدند
و هر کا

وهرگاه مرا یاد نمائی یاد رتر دتو میکو
شو میا نام مرا کتابت نمائی بگو صلی الله
علیه واله وسلم مؤلف گوید سزاوار
انست که صلوات بر انحضرت را بلفظ
رمز ننویسند هم چنان که سید جزایری
علیه الرحمه در انوار فرموده وسزاوار
نست که صلوات نوشته شود نه
بلفظ رمز که در این عصرها متعارف
است شیخ ما شهید ثانی قدس الله
روحه فرموده اول کسی که صلعم
نوشت دست او از بدن جدا شد و اثر
چیزی که در اخلال بنوشتن
صلوات است لفوت ثواب عظیمی
است که در نوشتن صلوات می
باشد زیرا که در خبر وارد شده

است از حضرت پیغمبر صلی الله علیه
وآله که هر کس صلوات بر من بنویسد
در وقت کتابت اسم من ملائکه پیوسته
طلب آمرزش از برای او می نمایند ما
دام که اسم من در آن کتابت هست
باب پنجم در ذکر فواید و فضایل صلوات
است بدانکه بعضی از مؤلفین برای
صلوات چهل و نه فائده نقل نموده
ولکن آنچه بر مؤلف قاصر از تتبع کتب
ظاهر شده است آنست که فوائد
صلوات زیاده بر اینها است و چون
غرض از تالیف عموم انتفاع است
لهذا اولاً تمام آن فوائد و ثانیا فوائد
دیگر را که بنظر رسیده در این رساله
ذکر می نمائیم فائده اولی از فوائد تخلق
باخلاق

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

باخلاق الهی است یعنی چون حضرت
حق سبحانه و تعالی در آیه صلوات
خبر داده که خود صلوات بر آن حضرت
می فرستد پس صلوات بر آنحضرت
تخلق باشد باخلاق الهی و مشتمل
است بر امتثال امر تخلقوا باخلاق
الله و این موجب حصول قرب ربانی
و وصول بمنازل جاودانیست فائده
ثانیه امتثال امریست که در آیه
یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و
سلموا تسلیما وارد شده و معلوم است
که امتثال امر خدا و رسول صلی الله
علیه و آله موجب فیروز و رستگاریست
کما قال عز من قائل و من یطع الله
و رسوله فقد فاز فوزا عظیما

فائده ثالثه مشرف شدن بصلوات
وسلام الهي است چنانچه در جامع
الاخبار روایت کرده است که رسول
خدا صلی الله علیه وآله فرمود که
جبرئیل مرا ملاقات نمود وبشارت
داد مرا بانکه حق تعالی میفرماید
که هر کس بر تو صلوات بفرستد
من بر او صلوات می فرستم وهر
کس بر تو سلام کند من بر او سلام
کنم ومن برای این بشارت سجده
شکر بجا آوردم کلینی بسند معتبر
از حضرت امام جعفر صادق ع روایت
کرده است که رسول خدا صلی الله
علیه وآله فرمود که هر کس بر من
صلوات بفرستد حق تعالی
وملائکه

وملائکه براو صلوات بفرستند
حق تعالی می فرستند پس هرکس
خواهد بر من کم صلوات بفرستد
وهرکه خواهد بسیار صلوات
بفرستد وایضاً ازانجناب روایت
کرده که چون اسم پیغمبر صلی الله
علیه واله مذکور می شود بسیار
صلوات بفرستید برانحضرت
زیراکه هرکس برانحضرت یك
صلوات بفرستد حق تعالی
براو هزار صلوات بفرستد
باهزار صف از ملائکه وچیزی
باقی نمی ماند از مخلوقات مگر
انکه برآن بنده صلوات می
فرستند برای انکه خداوند

بر او صلوات می فرستاده لیس هر
کس رغبت درا و ننماید جاهل
و مغرور است و خدا و رسول
صلی الله علیه و اله و اهل بیت
از او بیزارند و ایضا کلینی ره
روایت کرده است که جناب امام
همام سیدنا جعفر ابن محمد روحی
فداهما و صلوات الله علیهما
باسحق ابن فروخ فرمودند که هر
کس ده صلوات بر محمد و ال محمد
صلی الله علیه و اله بفرستد خدا
و ملائکه صد صلوات بر او می
فرستند و هر که صد مرتبه
صلوات بر او بفرستد خدا و ملا
ئکه هزار مرتبه بر او صلوات می
فرستند

فرستند آنرا بنشنید قول حق
تعالی را می فرماید هو الذی
یصلی علیکم وملئکته لیخرجکم
من الظلمات الی النور وکان
بالمؤمنین رحیما ودر کتاب
جامع الاخبار از رسول مختار
صلی الله علیه وآله روایت
کرده است که هر کس بر من
یک مرتبه صلوات بفرستد
حق تعالی ده مرتبه بر او صلوات
می فرستد وهر کس ده مرتبه
بر من صلوات بفرستد خدا صد
مرتبه بر او صلوات می فرستد
وهر کس صد مرتبه بر من صلوات
بفرستد حق تعالی هزار مرتبه

بر او صلوات می فرستد و هر کس
خدا هزار مرتبه بر او صلوات
بفرستد هرگز او را نخواهد باتش
عذاب کرد و در کتاب ارشاد القلوب
از حضرت امام موسی کاظم ع روایت
کرده است که امیر المومنین ع فرمود
که هر کس یکبار بر رسول خدا صلی الله
علیه و آله صلوات بفرستد حق تعالی
صد مرتبه بر او صلوات می فرستد و ده
حسنه باو عطا فرماید در کتب عامه مذکو
بر انحضرت می فرستد و انچه در کتب عامه
مذکور است یکی انکه احمد حنبل در مسند
خود از عبد الله ابن عوف روایت
کرده است که روزی جناب ختمی ماب
صلی الله علیه و اله از مسجد بیرون

[illegible] هر صلوات [illegible]

رفت

رفت و نجلستانی در آمد و بسجده درافتاد
و انقدر طول کشید که من ترسیدم مبادا
انحضرت را وفات رسیده باشد امدم
و در آن نگریستم سر مبارک از سجده
برداشت و فرمود که ترا چه می
شود من صورت حال را بعرض انسرور
صلی الله علیه و آله رسانیدم فرمود
که جبرئیل بر من نازل شد و گفت می
خواهی ترا بشارت دهم بدرستی
که حق تعالی فرمود که هر کس بر تو
صلوات بفرستد من بر او صلوات
می فرستم و هر کس بر تو سلام کند
من بر او سلام کنم و در صحیح مسلم
مذکور است که رسول خدا صلی الله
علیه و آله فرمود که هر کس یک مرتبه

صلوات بر من بفرستد حق تعالی ده

مرتبه صلوات می فرستد وده گناه

اورا می امرزد وده درجه از برای

او در بهشت بلند می کند ودر کتاب

جواهر الاحادیث که از کتب عامه

است ومؤلف او محمد ابن احمد اقلید

فارسی است مذکور است که ابو طلحه

انصاری گفت روزی حضرت رسول

خدا صلی الله علیه واله را دیدم که

اثار فرح از جبین مبارک نورانی او

ظاهر بود عرض کردم یا رسول الله

صلی الله علیه واله امروز اثری از بشارت

در بشره مبارک شما می بینم که هرگز ند

یده ام سبب ان ان چیست فرمود

ملکی بنزد من امد وگفت یا محمد صلی

الله

الله علیه واله پروردکار تو می فرماید
که ایا راضی هستی باینکه هرکس بر تو
یك صلوات بفرستد من براو ده صلوات
بفرستم و هرکس بر تو یك سلام کند من
براو ده سلام کنم و در کتاب اسباب
المغفرة که آن نیز از کتب عامه است
و مؤلف او محمد ابن منصور فقیه
است از انس ابن مالك روایت کرده است
که رسول خدا صلی الله علیه واله فرمود
که هر مرد مسلم و زن مسلمه که ده بار
بر من صلوات بفرستد حق تعالی برا
و صد بار صلوات بفرستد و خداوند
عالم فرمود که هرکس یك مرتبه
بر تو صلوات بفرستد من براو ده
صلوات می فرستم و هرکس بر تو

یکسلام کند من بر او ده سلام کنم و در
کتاب اظهار الاحادیث که از کتب عامه است در آخر این حدیث
مذکور است که هر کس حق تعالی
صد بار بر او صلوات بفرستد آتش
دوزخ باو نمی رسد فائده چهارم موافقه
است با ملئکه کرام زیرا که ملئکه بحکم
یصلون که در آیه شریفه صلوات
واقع است پیوسته بصلوات فرستادن
بر آنحضرت مشغول اند و چون صلوات
فرستنده صلوات فرستد بایشان شبیه
میشود و شاید بحکم من تشبه بقوم فهو منهم
رحمتی که ملائکه فرو میریزند مصلی را نیز
فرو گیرد فائده پنجم آنست که ملائکه
بر او صلوات میفرستند و برایش استغفار
کنند

کنند و اخبار داله بر آن در ضمن اخبار
فائده سیم نکوشد و در جامع الاخبار ا
ز عبد الله ابن عوف روایت کرده است
که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود که جبرئیل بنزد من امد و مرا
بشارت داد بان که حق تعالی می
فرماید که هر بنده بر تو صلوات
بفرستد هفتاد هزار ملک بر او صلوات
می فرستند و هر کس هفتاد هزار ملک
بر او صلوات بفرستند از اهل بهشت
خواهد بود و در کتاب در منثور
از حضرت امام حسن ع روایت کرده
است که از رسول خدا صلی الله
علیه و آله سئوال نمودند از ایه مبار
که ان الله و ملائکته یصلون الخ

آنحضرت فرمودند که این از علم مکنون
است واگر از من سؤال نمیکردید خبر
نمیدادم شما را بهشتی که حق تعالی
دو ملک موکّل کردانیده که چون
من در نزد بنده مذکور شوم وآن
بنده بر من صلوات بفرستد آن
دو ملک کویند خدا ترا بیامرزد
حق تعالی جلّ شانه وسایر
ملئکه بر دعای آن دو ملک
آمین می کویند وهمین حدیث
در کتاب غوالی اللئالی مذ
کور است باین زیادتی که هر
کس من در نزد او کور شود وا
و بر من صلوات نفرستد آن
تا دو ملک می کویند خدا ترا نیا
مرزد

مرند وحق تعالی وسایر ملائکه می
گویند آمین ودر بعضی از کتب عامه
از عامر ابن ربیعه روایت کرده است
که از رسول خدا صلی الله علیه وآله
شنیدم که هر کس بر من صلوات
بفرستد ملئکه بر او صلوات می
فرستند مادامی که مشغول بصلوات
فرستادن باشند بر من پس هر کس
خواهد صلوات بسیار بر من بفرستد
وهر کس خواهد کم صلوات بفرستد
یعنی هر کس بسیاری صلوات
ملائکه را خواهد بر من بسیار
صلوات بفرستد وهر کس بخواهد
کم فرستدم ودر زهرة الریاض
که از کتب عامه است مذکور

است که رسول خدا صلی الله
علیه وآله فرمود که حق تعالی
ملکی را افریده است که دو بال
دارد یکی در مشرق ویکی در مغرب
وسراو در زیر عرش وپای او در
هفتم زمین وبرای انملك پرهاست
بعدد همه خلایق ازجن وانس وحیوانات
صحرائی ودریائی وبعدد انفاس همه
ایشان وبشمارهٔ قطرات باران وبرك
درختان وستاره های اسمان وریك
بیابان وچون یکی از امت من بر من
صلوات فرستد حق تعالی بانملك
می فرماید که در بحر نور که دریائی
است در زیر عرش می باشد غوطه
می خورد وبیرون اید وخود را
بیفشاند

بیفشاند و از هر پر وی قطره فرو ریزد
حق تعالی از هر قطره ملکی بیافریند و
جمیع انهار را امر فرماید که تا روز قیامت
برای آن بنده استغفار کنند و در بعضی
از کتب مذکور است که آن ملک از
گفتن صلوات خلق می شود و می
گوید خداوندا صلوات فرست
بر این بنده ما دایمی که بر حبیب تو
صلوات می فرستد و در کتاب
عیون المجالس که آن نیز از کتب عامه
است روایت کرده است که چون
یکی از بندگان بر رسول خدا صلی الله
علیه و اله صلوات فرستد منادی ندا کند
که حق تعالی بر این بنده ده مرتبه صلوات
فرستاد چون این ندا با اهل [illegible] اول رسد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

هزار مرتبه صلوات بفرستند و چون بآسمان
آسمان دوم رسد هزار مرتبه صلوات
بران افزایند و همچنین تا نزدیک سدرة
المنتهی برسد هفت هزار مرتبه خواهد رسید
پس حق تعالی بملئکه خطاب فرماید که
شما از عهده صلوات بنده من بیرون
توانید امد انرا بمن گذارید تا انکه
جزای او رایدهم و جزای او اینست
که گناهان او را بیامرزم فائده ششم
انست که سبب حصول قرب بحق
تعالی می شود چنانچه ابن بابویه
در علل الشرایع بسند خود از امام
حسن عسکری روایت کرده که خدا
ابراهیم را خلیل خود کردانید برای
انکه بر محمد صلی الله علیه و اله
واهل

واهل بیت او صلوات بسیار می
فرستاد و در مجمع اللطائف و ر
وضة العلماء مذکور است که حق
تعالی بموسی ع وحی نمود که می خواهی
که من بتو نزدیک تر باشم از کلام تو بزبان
تو وازدل تو بچشم تو وازشنیدن
تو بگوش تو وازروح تو بیدن تو وازاند
یشه تو بدل تو عرض کرد که می خواهم
چنین قربرا و کیست که چنین قربی
را خواهان نباشد خطاب رسید که
چون جویای این سعادت و طلب
کار این کرامتی برحبیب من محمد صلی الله
علیه و آله صلوات بسیار بفرست
زیرا که صلوات برا و رحمت و نور هد
یتست و در کتاب شفاء الاسقام که

از کتب عامّه است مذکور است که حق
تعالی بموسی ع وحی نمود که من در وقت
سخن گفتن با تو ده هزار گوش در تو آفریده
ام تا کلام مرا توانستی شنیدن و ده هزار ز
بان بتو ارزانی داشتم که جواب مرا توا
نستی داد با این همه وقتی بمن دوستر
تو و بمن نزدیک تری که صلوات فرستی
بر حبیب من فائده هفتم آنکه موجب
حصول رضای حق تعالی است
چنانچه سیّد ابن طاووس در جمال
الاسبوع بسند متّصل از امام جعفر
صادق ع روایت کرده است که رسول
خدا صلّی الله علیه و آله فرمود که
صلوات فرستادن شما بر من
باعث روا شدن حاجتهای شما است
وخدا

وخدا را راضي كرد انيده ايد و اعمال
شما را پاكيزه مي كرد اند وهمين حديث
در جامع الاخبار بحذف اسناد
از حضرت رسول صلى الله عليه واله
مرويست ويكي از علماء فرموده كه معلوم
است كه مدح وثنا گفتن بكسي موجب
رضا وخوشنودي دوست او مي گردد
پس بايد يهم بر رسول خدا صلى الله
صلوات فرستادن موجب رضا وخو
شنودي خدا خواهد بود فائده هشتم
انكه موجب حصول قرب بحضرت رسالت
است چنانچه در جامع الاخبا ومكارم
الاخلاق از سرور اخيار روايت
كرده است كه سزاوارترين مردم بمن
در روز قيامت انكس است كه در

دار دنیا بمن بیشتر صلوات بفرستد
واین حدیث را ترمذی در صحیح از ابن
مسعود از رسول خدا صلی الله واله
روایت کرده است ودر جامع الاخبار
از انحضرت منقول است که نزدیک
ترین مردم بمن در روز قیامت ودر
هر موطن ان کسی است که بیشتر
بر من صلوات بفرستد در دار دنیا
ودر بعضی از کتب عامه مذکور است
که رسول خدا صلی الله علیه واله
فرمود که در روز قیامت اول کسی
که حله بهشت پوشد پدر من ابراهیم
است وکرسی بر طرف راست عرش
نهند واورا بران قرار دهند وبعد
ازان مرا حله پوشانند وکرسی بر طرف
چپ

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

چپ عرش نهند و مرا بر آن نشانند و امیر
المومنین ع در پیش روی من بایستد
و تمام امت در عقب سر من بایستند
باتفاق درجات و هر بنده که در عقب
هر نماز ده مرتبه صلوات و هر بر من
و آل من فرستاده باشد او را در نو
بمن جای دهند و من او را به
بینم و او مرا به بیند و روی او چون
ماه شب چهارده باشد فائده نهم
آنکه موجب حصول شفاعت است
چنانچه در جامع الاخبار نقل کرده است
که رسول خدا صلی الله علیه و آله
با امیر المومنین ع وصیت می فرمود
و در ضمن آن فرمود که یا علی هر
کس در هر روز یا هر شب بر من صلوات

بفرستد شفاعت من او را واجب
می شود هر چند از اهل گناهان
کبیره باشد و در اخبار عامه آمده است
که رسول خدا صلی الله علیه و آله در
حجة الوداع فرمود که ای امت
حق تعالی گناهان شما را ببرکت
استغفار میامرزد و هر کس از شما
کلمه لا اله الا الله بگوید کفه حسنا
تش سنگین می شود و هر کس بر من
صلوات بفرستد من شفیع او خوا
هم بود در روز قیامت و یکی از علما
گفته است که اگر از برای صلوات
هیچ ثواب نباشد بغیر از امید
شفاعت همان کافی است پس چه
خواهد بود که ثوابهای دیگر بران
مترتب

متفرع است فائده دهم موجب قابل کشتن
از جانب انس ور است بتحفه خاص
چنانچه مرویست که کسی از ان
حضرت پرسید که صلوات فرستادن
امت ارسال تحفه ایست بنزد
شما ایا از جانب شما تحفه برای
ایشان چه خواهد بود انس
ور فرمود امروز صلوات امت
بمن تحفه ایست از ایشان برای
من وفردا تحفه من برای
ایشان در بهشت خواهد بود
ویکی از علما گفته است ازانکه
انحضرت تصریح نفرموده که تحفه
من برای او چه خواهد بود
مفهوم میکردد که انچیز تحفه بست

که بگفتن درست نمی اید وبتعریف
درست نمی توان شناخت اما
وفردا که مشاهده می شود معلوم
می گردد که چیست فایده یازدهم
ودوازدهم انکه موجب انست
که صلوات فرستنده نزد انحضرت
مذکور شود وبصلوات وبسلام
ان حضرت روی نداده معزز و
سرافراز گردد چنانچه در کتاب
ارشاد القلوب از حضرت امام
موسی منقول است در ضمن حدیث
طولانی که یهودی از حضرت
امیر المؤمنین سوال نمود از شرفیت
خاتم النبیین صلی الله علیه واله
از سایر ایشان انحضرت بان

یهودی

یهودی فرمود که هرکس در حال
حیوة و بعد از وفات انحضرت بر انحضرت
صلوات بفرستد حق تعالی بهر صلواتی
ده صلوات بر انکس می فرستد و ده
حسنه با و عطا می فرماید و هرکس
بعد از وفات انحضرت صلوات بفرستد
انحضرت بران مطّلع می گردد و صلوات
و سلام اورا جواب میدهد و در
جمال الاسبوع از حضرت امام جعفر
الصّادق ع روایت کرده است که حق
تعالی ملکی را بقبر رسول خدا صلّی ا
لله علیه و آله موکّل کردانیده که چون
یکی از شما صلوات یا سلام بفرستد
انملك بعرض رساند که فلانکس
صلوات و سلام می فرستد و ان

سلام را بقبر انحضرت میرسانند وایضاً
در جمال الاسبوع از عمار یاسر روایت
کرده است که رسول خدا صلی الله علیه
واله فرمود که حق تعالی عطا فرمود
بملکی از ملائکه دانستن اسمهای همه
خلایق را باسم پدر ایشان و ان ملک
بر قبر من ایستاده است تا روز قیامت
پس هر کس بر من صلوات بفرستد
ان ملک می کوید یا محمد صلی الله علیه
واله فلان بن فلان نقد صلوات بر تو
فرستاد وحق تعالی ضامن شده
است که بر هر صلواتی ده صلوات
بر ان بنده بفرستد وهمین حدیث
را نیز عامه از عمار یاسر روایت کرده
اند ودر جامع الاخبار مذکور است
که رسا

که رسول خدا صلی الله علیه واله فرمود که حق
تعالی ملکی را فرموده که بر قبر من داخل می شود مثل
انکه یکی از شما هدیه از برای کسی میبرد میکوید که
فلانکس بر من صلوات فرستاد و اسم انکس را باسم
قبیله اش مذکور میسازند و انرا در صحیفه
سفیدی در نزد من ثبت میکرداند و در عدة الداعی
از جابر روایت کرده که امام جعفر صادق ع فرمود که
ملکی از ملائکه از حق تعالی سؤال کرد که باو عطا
فرماید شنیدن او از جمیع شنیدنیها پس حق تعالی باو
عطا فرماید و ان ملک تا قیامت بر پا خواهد بود
و هر یک از مؤمنان که بکوید صلی الله علیه و اله
و علی محمد واله ان ملک میکوید وعلیک السلام
پس میکوید که یا رسول الله صلی الله علیه و اله
فلانکس از مؤمنین بر تو سلام فرستاده است
انسرور میفرماید علیک السلام و در جامع

الاخبار و بعضی از کتب عامه مذکور است
که هیچکس صلوات بر من نمی فرستد مگر آنکه
عرض کرده می شود بر من و در سنن ابی داود
که از کتب عامه است مذکور است که رسول خدا
صلی الله علیه و آله فرمود که بر من صلوات بفرستید
که صلوات شما بر من می رسد در هر جائی که
باشید و خاصه و عامه در بسیاری از کتب
خود روایت کرده اند که آنحضرت فرموده که
هر کس در پیش قبر من بر من صلوات بفرستد
من می شنوم و هر کس دور باشد و صلوات
بر من بفرستد بمن می رسد و در کتاب روضة
العلماء که از کتب عامه است مذکور است که هر
بنده که یکبار بر رسول خدا صلی الله علیه و آله
صلوات بفرستد حق تعالی فرشته فرستد زود
تر از چشم بهم زدن که صلوات او را بروضه

مطهره

مطهر آنسرور رسانید در ایوان روضه بایستد
و بگوید یا رسول الله صلی الله علیه و آله فلان
ابن فلان یا فلانه بنت فلانه صلوات فرستاده
است آنسرور فرماید که درود از من باو برسانید
و باو بگوئید که اگر بجای این ده درود من
یکی می بود ترا بهشت می رسانید و با من می
بودی مانند سبابه و وسطی شفاعت من بتو
می رسید اکنون که ده درود می باشد ببین
که مرتبه تو چه خواهد بود پس املاک بسوی
آسمان بالا می روند در نزدیک عرش می ایستند
و میگویند خداوندا فلان یا فلانه یکبار بر حبیب
تو صلوات فرستاد خطاب رسد که ده درود
از من باو بگوئید اگر یکی از این ده درود بودی
آتش جهنم هرگز بتو نمیرسید اکنون که ده است
ببین که کرامت تو چه خواهد بود پس حق تعا

با نملك فرمايد كه ذخيره كن اين صلوات را
براي بنده من در عليين و در انوار
فرموده و روايت نموده ابو سعيد در
كتاب وفاء لشرف المصطفي صلي الله
عليه و آله از علي ع اينكه فرمودند رسول
خدا صلي الله عليه و آله بسيار صلوات
بشما ميرسد بعد از آنكه از ما مفارقت
نمائي فرمودند بلي يا علي بدرستي كه
خداوند عالم موكل كردنيده بقبر من
ملكي را كه او را اصلصائيل مي كويند
و او در صورت خروس است يال او در زير
عرش رحمن و چنگالهاي او در زمين
هفتم از براي او سه بال است هر كاه
انها را بكشايد يكي در مشرق و يكي
در مغرب و يكي را بر قبر من
مي نمايد

بمن نفرستد كسي عرض ميكنم تا صلوات

مینماید پس هرگاه بنده بگوید اللهم صل
علی محمد وآل محمد کما صلیت وبارکت
وترحمت علی ابراهیم وآل ابراهیم انک
حمید مجید بر می چیند ان خروس
انصلوات را هم چنانکه مرغ بر می
چیند دانه را بعد یا الهای خود را
بر سر قبر من حرکت میدهد ومیگوید
یا محمد صلی الله علیه وآله فلان ابن
فلان بر تو صلوات فرستاده است
وتو را سلام میرساند پس انصلوات
نوشته می شود با مشک از فر در
بکاغذی از نور ونوشته می شود برای
مصلی بیست هزار حسنه ومحو می
شود از او بیست هزار گناه ونشانده
می شود از برای او بیست هزار

رخت فائده سیزدهم آنکه باعث نوشته
شدن این صلوات است در صحیفه
نورانیه چنانکه در حدیث
جامع الاخبار در فائده دهم گذشت
و در کتاب خصال از امام جعفر
صادق ع روایت کرده است که در آ
خر روز پنجشنبه و شب جمعه جمعی
از ملئکه از آسمان فرود می آیند
که با ایشان قلمهای از طلا و لوحهای
از نقره هست و از آخر روز پنجشنبه
و شب جمعه و روز جمعه تا وقت
غروب شفق چیزی بجز صلوات
بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و آل
اطهار آنسرور را نمی نویسند و در
بعضی از کتب عامه مذکور است
که حق تعالی

کند که فرشته از فرماشتکان است
انسرور صلی الله علیه واله بزبانیه
فرماید که این بنده را بمن واکذارید که
دیکر بفرمایم عمل او را وزن نمایند
از جانب رب العزة خطاب رسد
بزبانیه که این بنده را بحبیب من
بسپارید بار دیکر اعمال او را وزن
نماید پس انسرور صلی الله علیه
واله روحنا فداه دست ان بیچاره
را کرفته بنزد میزان اورد بفرماید
اعمال او را بار دیکر وزن نمایند
چون وزن نمایند کفه حسنا
تش کم اید انسرور صلی الله علیه
واله دست مبارک در جیب
کرده صحیفه بیرون اورد که در ان

بنویرحیزی نوشته باشد واز ادر
لکفه حسناتش اوبریزند فی الحال چون
کفه سیئات اوبیفزاید وراجح اید
خطاب رسد که بنده مارا ببهشت برید
وچون ان حضرت باان بنده در
بهشت ملاقات افتد بنده عرض نماید
که شما چه کس بودید مرا دوباره بمیزان
اوردید وان چه رقعه بود در تو از روی
خیر من کذا اشنید انجناب فرماید
که منم پیغمبر تو محمد صلی الله علیه واله
رسول خدا که بمن استغاثه نمودی
وان رقعه صلواتی بود که در دار
دنیا بمن فرستاده بودی فائده چهارم
انکه موجب خوشنودی رسول خدا
صلی الله علیه واله است واکرچه

در خصوص

در خصوص حصول این فایده حدیثی
نبظر نرسیده مگر اینکه در در ضمن
یکی از احادیث عامه اشاره بان شده
است اما بحسب عقل باید که چنین
باشد ومعلوم است که موجب خو
شنودی رسول خدا صلی الله علیه
واله موجب خوشنودی خدا است
که هر سعادتی همانست ویکی از علماء
این فایده را ببعضی آثار ثابت کرده
مثل اینکه گفته است که شخصی بود
بسیار زاهد وعابد وهرگز با کسی
امیزش نمیکرد و بمجالس حاضر نمی
شد وقتی ترک عزلت کرده ملازمت
مجلس واعظی را اختیار کرده بود با
زان تعجب نمودند باو گفتند که موجب

ترك عزلت ومداومت بر این صحبت
چیست گفت که رسول خدا را صلی الله
علیه و آله در خواب دیدم بمن فرمود
برو بمجلس وعظ فلان واعظ که بر من
صلوات بسیار میفرستد و من از او
خوشنودم ایضاً حکایت کرده اند که
مردی از اهل مرو گفت که در صلوات
فرستادن بر سید کائنات صلی الله
علیه و آله و خلاصه موجودات
تکاهل می ورزیدم و در آن باب
تغافل می نمودم تا آنکه شبی آنحضرت
را در خواب دیدم بمن هیچ التفاتی
نمیفرمود بلکه از هر جا می رفتم اعراض
می نمود چنانچه گویا از من ناخوشنود
بود من عرض کردم یا رسول الله

صلی الله

صلی الله علیه و آله چرا بنظر التفات
در من نمی نکری و روی مبارک از
من میکردانی آنسرور صلی الله علیه
و آله فرمود که من ترا نمی شناسم
بتوجه التفات کنم عرض کردم من یکی
از امت شمایم و از علماء شنیدم که پیغمبران
امت خود را بهتر می شناسند از پدر
فرزند خود را فرمود که معرفت
من با امت بقدر صلوات فرستادن است
و چون تو بر من ۲ و بچه وجه از تو
خوشنود باشم از خواب بیدار شدم
و بر خود لازم گردانیدم که هر
روز صد مرتبه بر آنسرور صلوات
بفرستم و حق تعالی مرا توفیق
قیام با آن عطا فرموده است

۲ صلوات نمی فرستی چگونه من ترا بشناسم

وبعد از مدتی باز آنسرور صلی الله
علیه وآله را در خواب دیدم بمن
التفات بسیار فرمود وفرمود که
الحال ترا می شناسم واز تو
خوشنودم وروز قیامت شفیع
تو خواهم بود وایضا یکی از اخیار
حکایت کرده اند که گفت من بر خود
لازم گردانیده بودم که هر شب
پیش از آنکه بخواب روم بعدد
معینی بر آنحضرت صلوات بفرستم
شبی با جمعی از اهالی خود در غرفه
بودم بعد از ادای فریضه
صلوات بخواب رفتم در خواب
دیدم که آنحضرت صلی الله علیه
وآله داخل غرفه شد واز نور
جمال

جمالش تمام در و دیوار الغرفه
روشن گردید و بمن التفات
فرمود که کجا است اند هان که
بر من صلوات می فرستد تا آنرا
ببوسم من شرم کردم که دهان
خود را پیش برم آنسرور صلی الله
علیه و آله رخساره مرا بوسید من از
شدت فرح و شادی از خواب بیدار
شدم و هر که با من در الغرفه بود با
من بیدار شد و غرفه از رایحه روح
پرور آن سرور صلی الله علیه و
آله بمثابه معطر شده بود که گویا از
مشک از غفوا مملو شده بود و آن رایحه
تا هشت روز از رخساره من میامد
چنانچه همه کس او را میشنیدند و همه

عالم از این حکایات فائده دیگر استنباط
نموده که دیدن جمال انحضرت است
در خواب وبشارت این اثر فائده پانزدهم
میتوان شمرد فائده شانزدهم انکه موجب
اجر مثل اجر ذکر است چنانکه ابن
بابویه در کتاب امالی وعیون
از حضرت امام رضا ع روایت کرده
است که صلوات فرستادن بر محمد
وال محمد صلی الله علیه وآله
معادل است در نزد خدا با تسبیح
وتکبیر وتهلیل ودر جمال الاسبوع
روایت کرده است که مردی با امام
جعفر صادق ع عرض کرد فدای
تو شوم مرا خبر ده از قول خداوند
عالم که می فرماید در وصف

ملئکه یسبحون باللیل والنهار لا یفترون
یعنی ملئکه در شب وروز تسبیح
می کنند وهرگز سست نمی شوند
ودر جای دیگر می فرماید ان الله
وملئکه یصلون علی النبی الخ که چگونه
در تسبیح کردن سست نمی شوند و
حال آنکه بر پیغمبر صلی الله علیه واله
صلوات می فرستند آنحضرت فرمود
که چون خدا پیغمبر را آفرید ملئکه
را امر نمود که از ذکر من دوری جوئید
بمقدار آنکه بر حبیب من صلوات می
فرستید پس اگر در نماز برآنحضرت
صلوات بفرستد مثل این است که
بگوید سبحان الله والحمد لله ولا
اله الا الله والله اکبر ودر علل

الشرایع از حضرت امام جعفر صادق ع
روایت کرده است که هر که خدا را
یاد نماید ده حسنه برای او نوشته
می شود و هر که رسول خدا صلی
الله علیه و آله را یاد نماید ده حسنه
برای او نوشته می شود زیرا که حق
تعالی آنحضرترا قرین خود گردانیده
است فائده هفدهم عبادت خداست
چنانچه در کتاب اختصاص از آن
سرور صلی الله علیه و آله روایت
کرده است که فرمود یاد من عبادت
است فائده هیجدهم آنکه کفاره گناها
است چنانچه ابن بابویه در اکثر
کتب خود از حضرت امام رضا ع روایت
کرده است که هر که قادر نباشد که

کفاره

کفارهٔ گناهان خود را بعمل بیاورد باید
که بر محمد و آل محمد صلی الله علیه
و آله صلوات بفرستند زیرا که
صلوات بر ایشان گناهان را ازهم
میریزد و در کتاب جامع الاخبار بید
روایت از رسول خدا صلی الله
علیه و آله منقول است که فرمود
که هر که یکبار بر من صلوات بفرستد
از گناهان او ذره باقی نمی ماند
وایضا در همان کتاب از همان جناب
مرویست که هر که یک مرتبه بر من
صلوات بفرستد و اثر ابد و ملکی
که موکل او بید نشنوانند اند و ملک تا سه
روز بر آن بنده هیچ گناهی نمینویسند
مؤلف گوید و در بعضی از کتب

معتبره از حضرت صادق منقول است
که هر کس این صلوات را بعد از نماز
صبح جمعه با طهارت بخواند تا یکسال
گناهی بر او نوشته نشود اللهم اجعل
صلواتك و صلوات انبیائك و رسلك
علی محمد و آله و توجیه این دو حدیث
یا حدیثی که بعد ذکر می شود مانند
حدیثی که در فضیلت و شرافت عید غدیر وارد است که
ملئکه نویسنده گان اعمال تا سه
روز قلم بر میدارند از محبان و
شیعیان اهل بیت و مانند حدیثی
که در فضیلت نهم ربیع الاول است
که ملائکه نویسنده گان اعمال از این
روز تا سه روز قلم از مردم بر
میدارند

میدارند ونمی نویسند گناهان
ایشانرا است که گناه کاررا در
سایر اوقات واحوال تا هفت
ساعت مهلة است اگر توبه کرد
فیها والا بعد از هفت ساعت
گناه نوشته می شود ودر وعید
قوم ودر حالت صلوات فرستادن
بجهه کثرت شرافت تا سه روز یا یک
سال مهلة است واگر باین قسم
این احادیث توجیه نشود اغراء
بقبیح لازم میاید مؤلف گوید لزوم
اغراء بقبیح دلیل بر صحة این توجیه
نیست زیرا که در اکثر عبادات
مستحبه از این قبیل احادیث
که بحسب ظاهر اغراء بقبیح است

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

بسیار وارد شده است مانند حدیثی
که در جامع الاخبار است که هر
گاه کسی در وقت دخول در رخت
خواب سه مرتبه بگوید استغفر
الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
واتوب الیه جمیع گناهانش گانئنا
ماکان امرزیده می شود و مانند
حدیثی که وارد است هر گاه کسی
فلان کار را بکند گناه کذشته
و اینده اش امرزیده می شود
و مانند احادیثی که در فضیلت
زیارت ائمه طاهرین علیهم صلوات
الله اجمعین وارد است و مانند
الی غیر ذلک من الاحادیث التی
ان استقصیناها امل القلم واعقب

الرعاية

واله یاد نکنند اند عذاب الای سرا و
پر میزنند چون انحضرت را یاد نماید
بالا میرود و شیخ طوسی در امالی
ذکر کرده که حضرت رسول صلی الله
علیه واله فرمود که صلوات فرستادن
شما بر من موجب استجابت دعای
شما است و اعمال شما را پاکنده می
کرداند و در دعوات راوندی
از امام جعفر صادق ع روایت شده
است که هر که یک مرتبه از روی
اخلاص و نیت قلبی بر رسول خدا
صلی الله علیه واله صلوات
بفرستد حق تعالی صد حاجت
او را روا سازد سی در دنیا و هفتاد
در اخرت و در کتاب نوادر راوندی

ازانحضرت منقول است که رسول
خدا صلی الله علیه واله فرمود
که هرکه صد مرتبه بر من صلوات
بفرستد حق تعالی صد حاجت
او را بر اورد و امثال این اخبار در
کتب فریقین بسیار است
فائده بیست سیم آنکه موجب وفا
کردن بعهدیست که در روز
الست از خلق گرفته شده چنانچه
از حضرت امام جعفر صادق ع
منقول است که هر که بر پیغمبر صلی الله
علیه واله و آل ان بزرگوار صلوات
بفرستد معنی او اینست که من بر ان
میثاق باقیم در وقتی که حق
تعالی فرمود الست بربکم و خلایق
قو

قبول کردند وبان وفا نمودم
فائدهٔ بیست وچهارم آنکه موجب
رفع نفاق است چنانکه ابن بابویه
از امام جعفر صادق ع روایت کرده
است که رسول خدا صلی الله علیه
واله فرمود که بلند کردانید آوازهای
خودرا در صلوات فرستادن ز
یرا که آن نفاق را بر میدارد همین
حدیث نیز در کافی مذکور است
وایضا در کافی از آنحضرت روایت
کرده است که رسول خدا صلی ا
لله علیه واله فرموده که صلوات
فرستادن بر من واهل بیت من
نفاق را برطرف میکند فائدهٔ بیست
وپنجم آنکه موجب صلوات فرستادن

جمیع خلایق است بر صلوات
فرستنده بر آنحضرت چنانکه در
حدیثیکه در فایده سیم از کافی
وجمال الاسبوع وثواب الاعمال
ومکارم الاخلاق نقل شده
مفهوم میشود فایده بیست وششم
بهترین اعمال است در آخرت
چنانکه در دعوات راوندی
از ابن عبّاس روایت کرده است
که رسول خدا صلّی الله علیه
واله فرمود که وقتی حمزه وجعفر
را دیدم چنانکه کسی خواب
بیند ودر پیش روی ایشان
طبقی از نار گذاشته برد وساعتی
از آن خوردند پس انار انگور شد

وساعتی

وساعتي ازان خوردند پس انکوره
طب شد وساعتي ازان خوردند
پس من بنزد ايشان رفتم وکفتم
پدر ومادرم فداي شما باد کدام
يك از اعمال را بهتر يافتيد کفتند
پدران ومادران ما فداي تو باد
بهترين اعمال صلوات فرستادن
بر شما يافتيم وتشنه را آب دادن
ودوستي علي ابن ابي طالب فايده
بيست وهفتم آنکه موجب پاکيزه
شدن اعمالست چنانچه در کتب
فريقين بطريق بسيار از رسول
خدا صلی الله عليه وآله مرويست
که صلوات فرستادن بر من
موجب پاکيزه شدن اعمال

شما است فائده بیست وهشتم انکه
موجب حصول عافیت است چنانکه
در جامع الاخبار از رسول خدا
صلی الله علیه واله روایت کرده است
که هر که یک مرتبه بر من صلوات
بفرستد حق تعالی دری از عافیت
بروی او بگشاید ودر ریاض المذکرین
که از کتب عامه است مذکور است
که رسول خدا صلی الله علیه واله
فرمود که هر که روزی صد مرتبه
بر من صلوات بفرستد حق تعالی
در انروز در عافیت بر روی او بگشاید
واز فرع اکبرش ایمن کرداند ودر
مجمع اللطائف که ان نیز از کتب عامه
است مذکور است که نبی محترمت
رسول

رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و
عرض کرد پسری دارم چشم و گوش
و پا ندارد و الحال بدار الشفاء عنایت
شما رجوع کرده ام آنسرور صلی الله
علیه و آله فرمود برو و بر من صلوات
بفرست که بزودی بمراد خواهی رسید
آنزن در همان جا شروع بصلوات
فرستادن نمود و بهر قدمی که بر میداشت
صلوات می فرستاد چون
بخانه در آمد فرزند خود را دید که
بصحت و سلامت نشسته است و جمیع
اعضا و جوارح او سالم گردیده از فرح
و شادی با فرزند خود سخن نگفته
بمجلس آنسرور صلی الله علیه و آله
مشرف شد و صورت واقعه را عرض

رسانید انسرور صلی الله علیه واله با
حاضران شادمان شدند پس جبرئیل
نازل شد و کفت یا رسول الله صلی الله
علیه واله حق تعالی ترا سلام
میرساند و می فرماید چنانچه امروز
ببرکت صلوات بر تو اعضای این
شکسته را با صلاح اوردم فردای
قیامت بشفاعت تو شکستهای
امت ترا درست خواهم کرد و در
کتاب مفاتیح الاقبال که ان نیز از
کتب عامه است مذکور است
که زنی حامله بود و تنها از محله مها
جرت نموده و باین سبب او را مها
جره می کفتند ناکاه پسری از او بوجود ا
مد مانند قطعه کوشت که دست
و پاند

و پا نداشت مهاجره غمناک شد بقابله
گفت که من بحکم خدا راضیم اما بجهة
شماتت دشمنان یعنی کفار که بگویند
فلانکس از شهر مکه بیرون رفت و دین
اسلام قبول کرد بشان ما دست و پای
او را گرفتند دغدغه بخاطر میرسد
قابله باو گفت باید در این قضیه رجوع
بحکمه علیه جناب نبوی صلی الله
علیه و آله نمود مهاجره بخدمت آنسر
ور صلی الله علیه و آله رسانید
آنجناب فرمود که بگو اللهم صل علی
محمد و آل محمد کما صلیت و بارکت و ترحمت
علی ابراهیم و آل ابراهیم مهاجره این
کلمات را بر زبان رانده بخانه خود
برگشت فرزند خود را با دست

صورت حال را بعرض آنسرور صلی الله علیه ۱۲ منه

و پادید در حال بسجده افتاد خبر بسبّیل
ابرار روحی له القدار رسانیدند آنحضرت
فرمودکه آن از برکت صلوات فرستادن
بر من بود فایده بلیست نهم آنکه موجب
ادراك رحمت است چنانکه ابن بابویه
در کتاب امالی گفته استکه حضرت
امیر المؤمنین ع بعد از وفات حضرت
رسول صلی الله علیه واله خطبه
خواندند و در اثنای خطبه فرمود باقرار
بشهادتین داخل بهشت خواهید
شد و بصلوات فرستادن برجناب
رسالت پناه صلی الله علیه واله رحمت
خواهید یافت پس بسیار صلوات
بفرستید بر پیغمبر خود صلی الله علیه
واله بدرستیکه خداوند عالم جلت
عظم

عظمته وملئکه بر آنحضرت صلوات می
فرستند وفرموده است یا ایها الذین
امنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما فائده
سی ام آنکه موجب قبول طاعت است
چنانکه در کتب فریقین مذکور است
بطرق متعدده که اگر بنده در روز
قیامت بیاید با حسنات جمیع اهل
دنیا و با آنها صلوات نباشد آن حسنا
ترا بر می گردانند بر او فائده سی ویکم
آنکه سبب طیب مجالس است چنانکه
در کتب ادخار الاحادیث که از کتب
عامه است مذکور است که رسول
خدا صلی الله علیه واله فرمود که هر
مجلسی جمعی بنشینند ومتفرق شوند
وبر من صلوات نفرستند بوی ازان

مجلس برخیزد که از هر بویی نا خو
شتر باشد و در کافی و مکارم الا
خلاق و غیر انها از امام جعفر صادق
روایت کرده اند که هر قوم که در مجلسی
یاد مکنند و بر من صلوات نفرستند
ان مجلس بر ایشان حسرت و وبال
است و از یکی از مشایخ حکایت
کرده اند که گفت شبی در اصفهان
در زاویه یکی از فقراء ماندم چون
نصف شب شد از خواب بیدار شدم
بوی خوشی بمشام من رسید که هر
گز از ان خوشتر بویی نشنیده بودم برخواستم
و در تجسس ان بر امدم که از کجا است
و بهر طرف دویدم اخر دیدم که ان بوی
داخل زاویه است چون نگاه کردم

فقیری

رنجه نشوی ز رحمت خدا

فقیر را دیدم که در کنج زاویه زمزمه می
کرد چون گوش دادم شنیدم که صلوات
می فرستاد و آن را بچه جان افزاید
هان و می وزید فایده سی و دوم آن
که سبب خلاصی از غیبت است
چنان که در آثار آمده است که روزی
یکی از اولیاء گوید با الیاس و خضر
علی نبینا و علیهما السلام شکایت
کردم که مردم بسیار غیبت می کنند
و آن از گناهان کبیره است و چند آن
که ایشان را نصیحت میکنم و از آن منع
می نمایم سخن مرا نمی شنوند و آن عمل
قبیح را ترک نمی نمایند حضرت فرمود
که چاره آن کار آسانست چون کسی
بمجلس در آید با و بکو که بکوید

بسم الله الرحمن الرحیم صلی الله علی محمد
وال محمد حق تعالی ملکین ابر اهل ان
مجلس موکل کرداند که هرگاه کسی
شروع در غیبت نماید ان ملک انرا
از زبان الشان دور می کرداند و از حق
تعالی سؤال نمایند تا ان قوم از غیبت
کردن نگاه دارد پیر خضر علی نبینا
وعلیه السلام فرمود که چون کسی
در وقت بیرون رفتن از مجلس
بگوید بسم الله الرحمن الرحیم وصلی الله
علی محمد وال محمد حق تعالی ملکیرا
بفرستد تا اینکه اهل ان مجلس را نگذا
رد که غیبت او نمایند فائده سی سیم
انکه سبب غنا و توانگریست چنانچه
از رسول خدا صلی الله علیه و اله مرویست
که فرمود

که فرمود که لبسیار یاد خدا کردن
و بر من صلوات فرستادن موجب
برطرف شدن فقر می شود یعنی
صلوات فرستنده را توانگر می سازد
و از احتیاج بخلایق خلاصی می
بخشد و عامه از سهل ابن سعد
روایت کرده اند که مردی بنزد رسول
خدا صلی الله علیه و آله آمد و از فقر
شکایت کرد آنحضرت فرمود که
چون داخل خانه شوی سلام
کن خواه کسی باشد و خواه نباشد
و بر من سلام بفرست بعد از ان
و سوره اخلاص را بخوان آنمرد
چنان نمود در اندک زمانی توانگر
شد هم چنانکه بر هم شایکان

وخویطان خود افاضه می نمود
ودر حکایات الصالحین اورده
اند که فقیری محتاج وصاحب
عیال بود بطلب کفاف از خانه
بیرون امد ونمیدانست که بکجا
میرود ناگاه گذارش بکنار مجلس
واعظی افتاد که حاضران را بصلوات
فرستادن ترغیب می نمود ان
فقیر در ان جا ایستاد دید که
واعظ می گوید که در فرستادن
صلوات تقصیر مکنید که اگر توانگر
برانسرور صلی الله علیه واله
صلوات بفرستد در مالش برکت
بهم میرسد اگر فقیر صلوات بفرستد
توانگر می گردد وحق تعالی
از اسمان

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

از اسمان روزي با و ميرساندان
فقير از ان مجلس بيرون رفت
بفرستادن صلوات مشغول كرديد
و بعد از سه روز بو انه كذشت
پايش بسنكي امده انسنك كنده
شد و سبوئي پرا زدر زير ان سنك
ظاهر شد انمرد كفت وعده روزي از ا
سما انست روزي زمني را نمي خواهم
وهمان سنك را بجاي خودش كذاشت
و بخانه بركشت وصورت حال را بزن
خود كفت و انمرد هم سايه داشت
يهودي قضارا در انوقت ان يهودي
بربام خانه حاضر بود حكايت انزن و شو
هررا شنيد في الحال از بام خانه فرود ا
مد روانه ويرانه شد ان سبو را برداشت

بخانه آورد و چون سر او را کشود دید
سبو پر از مار و عقرب است باکسان
خود گفت این هم سایه مسلمان دشمن
ما است و وقتی که من بر بام خانه بودم
فهمید و آن سخن را بزن گفت که من
در طمع افتم و آن سبو را بخانه آورم
و از آن ضرری بمن رسد پس بهتر است
آن سبو را ببام خانه او برده و از روزنه
خانه او بریزم تا آنکه آن ضرری را که از برای
من می خواست بخودش برگردد پس
ببام خانه او بر آمد در وقتی که زن آن
فقیر بشوهر خود جنگ می کرد که
روا باشد سبوئی پر از زر بیابی و در
انجا لذ اری و ما در فقر و تنگ دستی
باشیم آن مرد گفت که من امیدوارم

که از

که آن روزی از آسمان برای ما فرود آید تا
گاه یهودی در سبو را باز کرده سر از پرسا
خت آن مرد یهودی آوازی شنید چون
نظر کرد دید که از روزنه خانه زر فرو می
ریزد آن مرد فقیر فریاد کرد که اینک زر است
که از آسمان فرو میریزد و آن زرها را بر
می چید و صلوات میفرستاد چون
یهودی دید که از سبو زر فرو میریز
د او را باز گرفت در آن نظر کرد دید همان
مار و عقرب است باقی را در خانه
درویش فرو ریخت همه آن زر سرخ
شد آن یهودی دانست که این رمزیست
از اسرار غیبی که بظهور میرسد و بخا
طرش گذشت که این نظیر آب نیل است
که در زمان حضرت موسی ع در نظر

قبطی خون بود و در نظر سبطی آب بود
فی الحال فرود آمده آن درویش را طلبید
و بر دست او مسلمان شده از برکت
صلوات بر آنحضرت آنمرد مسلمان را د
ولت و غنا و یهودی را سعادت اسلام
روزی شد مؤلف گوید و قریب باین
مضمون است آنچه در جلد ثانی حیوة
القلوب فرموده در تفسیر امام ع مذ
کور است که مردی از مؤمنان روزی
بخدمت حضرت رسول صلی الله
علیه و آله آمد حضرت از او پرسید که
چگونه می یابی دل خود را با برادران
مؤمن تو که مرافقند با تو در محبت محمد
صلی الله علیه و آله و علی و عداوت د
شمنان ایشان کفت ایشان را مانند
جان

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

جان خود میدانم وهرچه ایشان را شاد
می کردانه مرا شاد میکردانند وهرچه
ایشان را غمین میکنند مرا غمین می
کنند حضرت فرمود پس توئی دوست
خدا پس واکنون از بلاها و نیکیهای
دنیا که حق تعالی بسبب انچه کفتی
البته نعمت بتو خواهد داد که احدی
از خلق چنین سودی نکرده اند مکر کسی
که بر مثل حال تو باشد پس راضی و شاد
باش باین حال که از همه توانکران
غنی تری پس زنده دار همه اوقات
خود را بصلوات فرستادن بر محمد
صلی الله علیه و اله وعلی و ال طیب
ایشان پس انمرد از این بشارت شاد شد
و پیوسته بصلوات فرستاد بر انحضرت

وآل او مدد اومیت محمد نمود روزی ابوبکر
وعمر باو رسیدند ابوبکر گفت ای فلان
محمد صلی الله علیه وآله نیکو توشه برای
گرسنگی و تشنگی نبوداد عمر گفت
از آرزوی باطل و وعدههای دروغ
که همیشه مردم را باو بازی میدهد
خوب توشه همراه تو کرده روز دیگر
او را در بازار دیدند با یکدیگر گفتند
این سفیه را می باید استهزاء کرد پس
بنزد او آمدند عمر گفت مردم امروز
تجارتها در این بازار کردند و سودمند
شدند تو چه تجارت کردی گفت مالی
نداشتم که تجارت کنم ولکن صلوات
بر محمد وآل محمد صلی الله علیه وآله
می فرستادم عمر گفت سود نا امیدی

وعمر دیو

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

و محروم بوده و چون بخانه رفتی خان
گرسنگی و تشنگی برای تو گسترده
اند که الوان طعامها و شرابهای جنت
و حرمان در ان چیده اند و فرشکانی
که برای محمد صلی الله علیه و آله گر
سنگی و تشنگی و مذلت می و رند بود
و بر خوان تو حاضر خواهند شد امرد
گفت بخدا سوگند یاد میکنم که چنین
نیست بلکه محمد صلی الله علیه و آله
رسول خداست و هر که ایمان باو دا
رد از محققان و سعادتمندانست
و بزودی خدا جزای خواهد داد انها
که باو ایمان اورده اند بانچه خواهند
از گشادگی روزی و بانچه مصلحت
داند از تنگی که بعد از ان راحتهای

بسیار هست در این سخن بودند که ناگاه
مردی پیدا شد و ماهی در دست داشت
که بد بو شده بود بر سبیل استهزاء ان دو منافق
گفتند که این ماهی را باین مرد که از صحابه
رسول است بفروش انمرد گفت می
خواهی این ماهی را بخر که کسی از من نمی
خرد انمرد گفت من زری ندارم ان
منافقان گفتند بخر زرش را رسول خدا
صلی الله علیه و اله می دهد لیس انماهی
را انمرد گرفت و صاحب ماهی بخدمت
حضرت رفت اسامه را فرمود که یک درهم
باو بدهد انمرد شاد برگشت و گفت این
درهم بچند برابر قیمت ماهی من است
لیس ان مومن در حضور ایشان شکم
ماهی را شکافت ناگاه دو جوهر نفیس

از میان

ازمیان شکم ماهي بیرون امد که بدو بیست
هزار درهم میارزید اند ومنافق
بسیار محزون شدند ازپي صاحب
ماهي رفتند وگفتند درمیان شکم ماهي
تو دو گوهر گران بها بیرون امد ماهي
رافروخته انها را نفروخته بر کرد و
گوهرها را بگیر صاحب ماهي امد و گوهر
ها را گرفت و دست او دو عقرب
شدند و دستهاي او را گزیدند
ماهي فروش فرهاد زد و انها را از
دست انداخت ابوبکر و عمر گفتند اینها
ازجادویي ها محمد صلی الله علیه
واله عجیب نیست پس انمرد در شکم
ماهي دو جوهر گران بهاي دیگر
دید بر داشت بار انمنافقان بصاحب

ماهی گفتند که اینها پیش از تو است چون
اراده کرد که بگیرد انها دو مار شدند
و بر او حمله کردند او را گزیدند صاحب
ماهی فریاد زد که بگیر اینها را که من نمی
خواهم پس ان مؤمن مارها و عقربها را
گرفت با و عجبان حضرت رسول صلی الله
علیه و اله چهار جوهر گران بها شدند
و ابوبکر و عمر بیکدیگر گفتند کسی را در
سحر ماهر تر از محمد صلی الله علیه
و اله ندیدیم ان مؤمن گفت ای دشمنان
خدا اگر اینها سحر است پس بهشت
و دوزخ نیز سحر است ای دشمنان
خدا ایمان بیاورید بخداوند بلکه
نعمتهای خود را بر شما تمام کرده است
و عجایب قدرتهای خود را بشما نموده
است پس

است پس آن چهار گوهر را بخدمت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
اورد و جمعی از تجار غریب بمدینه
امده بودند برای تجارت حاضر شدند
وانها را بچهار صد هزار درهم خرید
ند حضرت فرمود که خدا این نعمت
را بتو داد که تعظیم کردی محمد رسول
خدا را صلی الله علیه و آله و علی وصی
و برادر او را ایا می خواهی تو را تجارتی
سودمندی که این مالها را در معرض آن
تجارت درآوری دلالت کنم تو را
گفت بلی یا رسول الله صلی الله علیه
و آله فرمود که اینها را تخم اند رختان
بهشت کردان و قسمت کن ببرادران
مؤمن که بعضی مانند تواند در صدق

عقیده واخلاص وبعضی از توپست ترند
وبعضی از تو بلند تو اند بدرستی که هر
چه با ایشان انفاق کو کنی خدا اثر ابرای
تو تربیت میکند و ثوابش مضاعف
میکرداند تا انکه هزار برابر کوه احد و کوه
شبیر می شود وخدا بان برای تو قصرها
در بهشت بنا میکند که کنکره ان
قصرها از یاقوت باشد وقصرهای
طلا بنا می کند کنکره انها از زبرجد
باشد پس مرد دیکر برخواست و گفت
من اینها اندارم که صرف کنم برای
چه خواهد بود از ثواب فرمود که
برای تواست ثواب ومحبت خالص
وشفاعت نافع ما که ترا میرساند
باعلا درجه بهشت لسبب دوستی

ما اهل بیت

ما اهل بیت و دشمنی دشمنان ما فایده
سی و چهارم آنکه سبب یاد آمدن
فراموش شده است چنانکه ابن بابویه
در علل الشرایع و کتاب عیون روایت
کرده است که از جمله سؤالاتی
که خضر ع از حضرت امام حسن ع نمود
یکی این بود که سبب چیست که شخصی
چیزی را که در خاطرش بوده گاهی
آنرا فراموش میکند و گاهی باز بخا
طرش می آید فرمود که دل مرد در
حقه ایست و بر روی آن حقه طبقی
است و چون مرد آنوقت بر محمد
و آل محمد صلی الله علیه و آله صلوات
می فرستد بسبب صلوات آن
طبق از روی آن حقه برداشته

مي شود و قلب او روشن مي شود
و آن چيز بخاطرش مي آيد و اگر
صلوات نفرستند يا آنكه ناقص
بفرستد آن طبق بر آن حقه محكم
ميشود و دل و تاريك ميشود تا نمرد
او را فراموش مي كند و در يكي از
كتب عامّه از رسول خدا صلى الله
عليه و آله روايت شده است كه
فرمود چون فراموش كنيد چيزي را
بر من صلوات بفرستيد كه موجب
ياد آمدن آنچيز خواهد شد
انشاء الله فائده سي و پنجم هر كه بگويد
اللهمّ صلّ على محمّد و آل محمّد براي
او خواهد بود ثواب هفتاد و دو شهيد
و جميع گناهانش آمرزيده ميشود

و هم

و هیچ گناهی بر او نمی ماند مانند روزی
که از مادر متولد شده باشد و این حدیث
را صاحب کتاب جامع الاخبار از رسول
مختار صلی الله علیه و اله روایت نموده
فائده سی و ششم آنکه سبب حصول
نور بسیار است در روز قیامت از برای
آنکه صلوات فرستاده چنانکه در جامع
الاخبار از رسول مختار صلی الله علیه
و اله روایت کرده است که آنحضرت
فرمود که هر که یک مرتبه بر من صلوات
بفرستد حق تعالی خلق میکند در
روز قیامت نوری در سر او و نوری در
در طرف راست او و نوری در طرف
چپ او و نوری در بالای سر او و نوری
در زیر پای او و نوری در جمیع اعضای

او ویکی از علماء گفته اند که محققان برآنند
که صلوات در تنویر ظاهر و باطن تأثیر
زیاد دارد و بتجربه معلوم کرده اند و در
بعض کتب مذکور است که صلوات بر سید
کاینات صلی الله علیه و آله صیقل آینه
دلها است و هر که دلش بزنگار انکار مبتلا
باشد توفیق فرستادن صلوات بر سید
کاینات صلی الله علیه و آله نمی یابد زیرا
که حق جل علا آنسرور را صلی الله علیه
و آله نور خوانده و ذکر آنحضرت سمت
نور علی نور دارد پس تیره دل از
آنحضرت بی نصیب خواهد بود زیرا
که نور و ظلمت باید یکو جمع نمی شوند
ویکی از مشایخ گفته است شبی من
و پدرم مقابله کتاب حدیثی
کردیم

کرديم در هرجا که باسم شريف انحضرت
صلى الله عليه واله ميرسيديم صلوات
مي فرستاديم جمع کثيري از همسايگان
از دور ونزديک ديده بودند که از موضع
مقابله ما عمودي از نور مرتفع گرديده
باسمان پيوسته وباطراف وبجوانب
محله تابيده وروشن شده فائده سي
وهفتم انکه موجب ثقل وسنگيني ميزان
حسنات است چنانکه در قرب الاسناد
از حضرت امام جعفر صادق ع روايت کرده
است که سنگين ترين چيزي که در
روز قيامت در ميزان گذارند صلوات
بر پيغمبر صلى الله عليه واله واهل بيت
کرام انسرور است صلى الله عليه واله
وهمين حديث در کافي نيز ندکور است

باین زیادتی وان اینست که مردی
هست که در روز قیامت اعمالش را در
میزان میکذارند وطرف کناهان زیادتی
میکند پس رسول خدا صلی الله علیه واله
بیرون تشریف میاورد وصلواتی که این
مرد بر انسرور صلی الله علیه واله فرستاده
است بر کفه حسنات او میکذارند
وان کفه بر کفه کناهان او زیادتی
میکند واین حدیث یا این زیادتی نیز
در عدة الداعی مذکور است ودر ثواب
الاعمال وامالی از شیخ صدوق مرویست
که رسول خدا صلی الله علیه واله در
خطبه که برای ماه رمضان خواند فرمود
که هرکه بر من در این ماه مبارک
بسیار صلوات بفرستد حق تعالی

سنکین

سنگین میگرداند ترازوی اعمال ورا در
وزن پله ترازوهای اعمال سبک باشد
ودر ثواب الاعمال از امام همام امام جعفر
صادق ع روایت کرده است که رسول
خدا صلی الله علیه وآله فرمود که روز
قیامت نزد میزان خواهم بود هر که کفّهٔ
سیّئاتش سنگین باشد از کفّهٔ حسناتش
صلواتی که بر من فرستاده است میآورم
وبر کفّهٔ حسناتش میگذارم تا اینکه
حسنات او باین سنگین تر گردد
سود واین حدیث در جامع الاخبار
ومکارم الاخلاق بنیز مذکور است
ودر یکی از کتب عامّه مذکور است
که بر هر مؤمنی پنج ملک موکّلند یکی
در پیش روی او که شیطان را دور

میکنند و دیگری در در عقب سر او که
آفات آسمانی از او باز میدارد سیم در
طرف راست که حسنات را می نویسد
چهارم در طرف چپ که سیئات را می
نویسد پنجم در ناصیه او که امر حافظ
میگویند و هر صلواتی که در شب از
او صادر می شود او را نگاه میدارد تا
بوقت طلوع آفتاب و در آنوقت میرود در
بان بجهة حفظ میاید و رفتن ام ملک
برای انست که میروند در مرقد مطهر
منور سید کاینات صلی الله علیه و آله
در برابر قبر میایستند و میگویند السلام
علیک یا رسول الله صلی الله علیه و آله
فلان ابن فلان در این شب یا در
این روز بر تو چندین صلوات فرستاده

است انس

است آنسرور صلی الله علیه وآله می فرماید
که صلوات وسلام من بر او باد پس
آنملک در زیر عرش میرود ومیگوید خدا
وندا فلان ابن فلان بنده تو چندین
صلوات بر حبیب تو فرستاده است
وبروضه مقدسه آنسرور صلی الله
علیه وآله رفتم وبعرض رسانیدم آنحضرت
بر او صلوات وسلام فرستاد حق
تعالی میفرماید بر آن بنده باد صلوات
وسلام ومیفرماید صلوات او را در
دفتر سفید نورانی کذاشته ودر رکنی
از ارکان عرش بسپارید وآن صلوات
در جناب عزت محفوظ می ماند روز
قیامت پس وقتی عمل بنده سنجیده
شود میفرماید که آن صلوات را بیارند

ودر کفه حسنات آن بنده میکذا
رند تا سنکین شود پس بحکم فاما من
ثقلت موازینه فهو فی عیشة راضیه
اورا بروضه رضوان برند ودر در
جه رفیعه ومنزل منیع فرود آورند
فائده سی وهشتم آنکه سبب نور است
بر صراط چنانکه در جامع الاخبار از
رسول مختار صلی الله علیه وآله
روایت شده است که صلوات بر
من نور است وهر که بر صراط برای
او نوری باشد از اهل نار نخواهد
بود فائده سی ونهم آنکه قدم صلوات
فرستنده را بر صراط ثابت میدارد واو را
ز لغزیدن مانع می شود چنانکه از
رسول خدا صلی الله علیه وآله

مرویست

از وزایمن باشی فائده چهل
وچهارم آنکه موجب آشامیدن
شراب سلسبیل است چنانکه در
اخبار آمده است که رسول خدا صلی الله
علیه وآله فرمودند که هرکه بر من
صد مرتبه صلوات بفرستد حق
تعالی هزار مرتبه بر او صلوات
بفرستد وهرکه هزار مرتبه صلوات
بفرستد حق تعالی ثواب ده هزار
رکعت نماز باو عطا فرماید وبیاشاماند
اورا در حظیرهٔ قدس از شراب
سلسبیل فائده چهل وپنجم آنکه سبب
نجات از اهوال قیامت است آنکس
که بر آنسرور صلی الله علیه وآله
صلوات بفرستد چنانچه در

اخبار امده آکه رسول خدا صلی الله
علیه واله فرمودند که رستگارترین
مردم از هول قیامت آنکس است
که بیشتر بر من صلوات بفرستد
فائده چهل وششم انکه در بعضی
اخبار وارد است که رسول خدا
صلی الله علیه واله فرمودند که هر که
هر روز هزار مرتبه بر من صلوات
بفرستد نمیرد تا انکه جای خود را
در بهشت مشاهده کند مؤلف
گوید که همین حدیث را در کتاب
جزاهر الاخبار باین روش دیدم
ام از انس حولیست که گفت رسول
خدا صلی الله علیه واله فرمود که
هر که در روز جمعه هزار مرتبه
بر من

بر من صلوات بفرستد نمیرد تا آنکه
جای خود را در بهشت مشاهده
نماید و ایضا در بعضی از اخبار
وارد شده است که آنحضرت فرمود
بشارت دهید صلوات فرستنده بر من
ببهشت پیش از آن که مرگ در
یابد او را فائده چهل و هفتم سبب
ایمنی است از تلخی مرگ چنانکه در
اخبار آمده است که رسول خدا صلی الله
علیه و آله فرمودند که هر که بر من صلوات
بسیار بفرستد از تلخی مرگ نجات یابد
و در بعضی از کتب مذکور است که
یکی از صالحین بر سر بیماری آمد و او را در
سکرات موت دید پرسید که تلخی جان
کندن را چگونه می یابی جواب داد که

مي يابم و هيچ تلخي در آن احساس نميكنم
انصاح در شيرين تلخي تعجب شد كه
موجب اين چيست كه شبهتي در مذاق
خاص و عام تلخ است در مذاق اين بيمار
شيرين است آن بيمار گفت كه از اين
در شگفت مباش زيرا كه بمن رسيده
بود كه رسول خدا صلى الله عليه و آله
فرموده است كه هر كه بر من بسيار
صلوات بفرستد از تلخي جان كندن
ايمن باشد و من مدتيست كه شربت
صلوات مي نوشم لهذا تاثير تلخي در خود
نمي بينم و از اين جهان شيرين كام و
نيكو سرانجام ميروم مؤلف گويد و قريب
بمضمون اين خبر است آنچه در بعضي
از كتب معتبره فرموده روايت است

از حضرت

از حضرت صادق ع که مومنی که در ورود
فرستد بر رسول خدا صلی الله علیه
و آله در وقت موت و در حال احتضار
و در وقتی که دستش بهیچ جا نرسد
و یاور و معینی ندارد نور پاك حضرت
رسول صلی الله علیه و آله در بالین او
حاضر شود و لب مبارك بر لب او نهد و لب
او را ببوسد و چنان عالمی بجهه او خواهد شد
مثل کسی که در بیابان بسیار گرم در
تشنگی یك جام پر از آب بار دهند که
از عسل شیرین تر و از یخ سردتر باشد و
بعد از آن او را بقبر کنارند و نکیرین
داخل قبر او شوند چنان عطری از قبر
می شوند و بیکدیگر می گویند که بوی
عنبری که می شنویم بوی پیغمبر آخر الزمان

صلی الله علیه واله است بر کریم فائده
چهل وهشتم آنکه موجب الم ومذلت وخواری
ابلیس علیه اللعنه میکردد مؤلف کوید
دلیل براین حدیثی است که در خلاصة
الاخبار فرموده ومنقول است که ذکر ما
ذکر خدا وذکر اعدای ما ذکر شیطانست
که دشمن خدا است وچون دو مؤمن
با هم ملاقات کنند وذکر ما وذکر خدا کنند
هر کوشت که در روی ابلیس است بکدازد
تا آنکه از وحشت از شدت الم بفریاد اید
وملئکه اسمان وخزان جنان مطلع کشته
همه ملئکه مقربین او را لعنت کنند مؤلف
کوید وجه دلالت بر مدعی حدیث است
که صلوات ذکر پیغمبر صلی الله علیه واله
واله است وصلی الله علیه واله است
ردلیل

و دلیل دیگر بر اثبات این فائده روایتی
است که در سراج القلوب فرموده انصیا
منقول است که شیطان لعین بر گوشه
خانه کعبه معظمه ایستاده بوده و حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله در طواف
بودند پس چون از طواف فارغ شدند د
یدند که ابلیس را که بسیار ضعیف شده
فرمود که ای ملعون تو را چه رسیده
است که چنین ضعیف و نحیف شده
گفت یا حبیب الله از دست امتان تو
بجان آمده ام و همه وقت از الم ایشان
گداخته می شوم و طاقت آن ندارم حضرت
فرمود ای لعین امتان من با تو چه می
کنند گفت یا رسول الله صلی الله علیه
و آله شش خصلت نیکو با ایشانست

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

که هرچند جهد کردم که از ایشان این
خصلتها را سلب کنم نتوانستم حضرت
پرسید آنها کدام است گفت اوّل آن که
بیکدیکر می رسند سلام میکنند و علیک
می شنوند و سلام نامیست از نامهای
خدای تعالی و هرکس که سلام کند
حق تعالی او را سلامت دارد از هر
بلایی و رنجی و هرکس سلام و علیک
کوید حق تعالی بروی رحمت کند
و او را بیامرزد دوّم آنکه مصافحه
میکنند و مصافحه را چندان ثواب است
که هنوز دست از یکدیکر بر نداشته
باشند که حق تعالی هر دو را
رحمت کرده باشد سیم بنام یکدیکر را
خوشتر خوانند و لبّیک کویند و لبّیک

مرحمت

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

رحمت و مغفرتست پس اگر لبیك نگویند
مرا از ان جواب بهره و نصیبی است چهارم
انکه در وقت طعام خوردن و ابتداء
بکارها بسم الله الرحمن الرحیم گویند و مرا
از خود دور می کنند پنجم انکه هر زمانی
که سخن گویند ان شاء الله تعالی گویند
و بقضا و حکم پروردگاری راضی
شوند و رنج مرا ضایع کنند ششم
انکه از صبح تا شام سعی بسیار در
حق ایشان میکنم و بصد هزار مشقت
ایشانرا براه معصیت می اندازم بارچون
شام می شود توبه می کنند و رنج
من ضایع می شود و از استغفار
ایشان خدای تعالی گناهان ایشانرا
بجشد و ان و از همه سخت تر و بدتر

بر من انست که چون نام تورا می شنوند
باواز بلند صلوات بر تو وال تو میفرستند
چون من نام صلوات لشنوم تعجیل
بکر بزیم واز خجالت بیرون نیایم پس
حضرت روی باصحاب خود کرده فرمود
با هر کس از امتان من یکی از این
حصلتها نباشد یقین از اهل دوزخ
خواهد بود فائده چهل ونهم در بعضی
از کتب مذکور است که در شب معراج
چون رسول خدا صلی الله علیه واله
باسمان چهارم رسید فرشته رادید
که لوحی در پیش روی خود گذاشته
نظر میکند ومانند رود اب از دیده
میریزد وبرای انحضرت تعظیم نکرد
جبرئیل بال خود را بر او زد امملک
امد و رکا

آمد و رکاب آنحضرت را بوسید و عرض
کردم را معذور دارید که چندان
نور از این لوح بالا میرفت که من ترا
ندیدم آنحضرت فرمودند که در این
لوح چه نوشته است گفت نوشته
است لا اله الا الله محمد رسول
الله علي ولي الله پس آن ملک گفت که
من دو رکعت نماز کردم و در بیست
هزار سال بجا آورده ام با مر حق
جل و علا پنج هزار سال در قیام
پنج هزار سال در رکوع پنج هزار
سال در سجود پنج هزار سال
در تشهد و ثواب آن را بتو میدهم
که تقصیر مرا عفو فرمائي فرمود
که من بتو و طاعت تو احتیاج ندارم

عرض کرد یا امت تو بخشیدم انحضرت
فرمود که کمان تو اینست که امت
من محتاجند بان بعزت خداوند
عالم که هریك از گناهکاران ایشان
که یك مرتبه بر من صلوات بفرستند
ثواب آن انچیست هزار سال طاعت
تو بیشتر است مؤلف کوید واما
فوائدی که علاوه بر این چهل و نه
فائده بنظر قاصر رسیده لیس آن
پانزده فائده است فائده اولی باکنکره
شدن قصرهای بهشتی است
چنانچه در نور العیون فرموده
ودر همان تفسیر از همان بلدر
منیر مؤلف کوید یعنی در تفسیر
امام حسن عسکری ع مرویست
که دستخط

که رسول خدا صلی الله علیه واله فرمود
که جبرئیل در شب معراج بفرموده رب
جلیل قصرهای بهشتی را بمن عرض
نمود پس دیدم که انهار از طلا و نقره ساخته
وملاطش از مشک وعنبر بود وبعضی از
انها کنگره دارد وبعضی را کنگره نیست
گفت یا محمد صلی الله علیه وانیها قصرهای
نمازگذارنده گان امت تواست که از فرایض
خود فارغ کردند واز صلوات بر تو وال
تو کسالت میورزند پس اگر صلوات فرستند
ملائکه نیز از برای ایشان کنگرهای سازند
والا فلا مؤلف گوید وهمین حدیث را
با این زیادتی که دالان پیش روی بوستان
پیش رو ولیشت قصرهای یا کنگره باشد
در جواهر الاخبار از جلد ثالث بحار ام

رسول مختار علیه صلوات الله الملک الغفار

مادامت اللیل متعاقبة بالنهار روایت

نموده است فائده ثانیه رسیدن بغربت قدیمه

است چنانکه در نور العیون فرموده ودر

تحفة الصلوة ملا حسین کاشفی از زهرة

الریاض از سلیمان ابن داود سقسپتی

روایت نموده که روزی جبرئیل از جانب

رب العالمین بسوی خیر المرسلین صلی الله

علیه وآله امده گفت یا رسول الله صلی الله

علیه وآله امروز امر غریب مشاهده نموده ام

در وقت نزول باسمان گذارم بکوه قاف

افتاد وان ناله دلخراشی بگوشم رسید

دانستم که محنت زده ایست که بدان زاری

مینالد ودرمانده ایست که بدان نیازمندی

مینجر وشد بر اثر ان ناله رفتم فرشته دیدم

که پیشو

که پیش ازان اورا بر ایوان اسمان با عظمتی
تمام و احتشام مالاکلام دیده بودم که بر
تختی از نور نشسته و هفتاد هزار فرشته
در برابر وی صف بسته و چون نفس
کشیدی ملکی که از نفسش مخلوق شدی
القصه اورا دیدم که دل خسته و بال
شکسته بر زمین افتاده بتر دیدم رفتم و
حالش پرسیدم فرمود که در شب معراج
بر تخت خود نشسته بودم که حضرت رسول
صلی الله علیه واله بر من گذشت تعظیم
ان نبی کریم بجا نیاوردم اختم و شرایط تکریم انحضرت
را فرو گذاشتم لاجرم باین عقوبت مبتلا
کشتم و از اوج افلاک بحضیض خاک افتادم
تو شفیع من شو و از حضرت کبریا در
خواست کن تا از گناه من درگذرد و با

بمرتبه قرب وعزتم سازند من ببارگاه الهی
تضرع بسیار نمودم ومغفرت انفرشته را
مسئلت نمودم خطاب حضرت رب الارباب
رسید که او را بگوی که اگر مغفرت زلت
وعفو خطیئت خود می خواهد باید که بر
حبیب من محمد مصطفی صلی الله علیه واله
صلوات بفرستد تا بمقام اکرام خو باز بس
رسد وقرب جوار پروردگار را باید رسد صورت
حال بان شکسته بال گفتم وابر حضرت
شما صلوات فرستاد فی الحال اجنحه
اقبال او تمام وکمال او پدید امد وازمرکز
خاک بمعاوج افلاک طیران نموده بر مسند
عزت واحترام خود نشسته ونظیر این حدیث
در مصابیح القلوب فرموده خواجه گفت
در شب معراج فرشته با هیبت وعظمت

هر چه

هرچه تمام تر دیدم تکیه زده و فرشتگان
بسیار در پیش روی او صف زده بر وی
سلام کردم جواب داد اما بر نخواست
خطاب عزت در رسید که ای فرشته ندا
نستی که بود بر تو سلام کرد بدانکه تو را و
هرچه آفریدام برای وی آفریدام برخیز و
بروی سلام میده تا روز قیامت و آن فرشته
تا روز قیامت برپای خواهد بود فائده
ثالثه ثبت شدن ثواب تسبیحهای ملکها
مخصوصه است در نامه عمل مصلّی چنانچه
در نور العیون فرموده و ایضاً کاشفی گفته
که در آثار آمده که در آسمان دریائیست
که آنرا دریای برکات گویند و دم کنار آندر
یا درختی هست که آنرا درخت محبت گویند
و بر آن درخت آشیانه مرغی است که

از امرغ صلوات گویند واو را اجنحه بسیار
است چون بنده مؤمن در ماه شعبان بر سید ا
خر الزمان علیه صلوات الملك المنان
صلوات بفرستد فرمان الهی با نمرغ
رسد تا بر ان دریا فرو رفته وغوطه
ور کشته بیرون اید وبال خود را بیفشا
ند پس حق تعالی از هر قطره از ان فرشته
بیافریند وان همه فرشتگان را بتسبیح
وتحمید وتمجید خود امر فرماید وجمیع ثواب
ایشان را در دیوان عمل ان بنده ثبت فرماید
فائده چهارم کثرت ثواب است بمحلیکه
~~در نور محاسبین از حساب ان عاجز می~~
شوند ~~چنانچه در~~ از حساب ان عاجز
می شوند چنانچه در نور محاسبین
العیون فرموده ایضا از مصابیح القلوب
روایت

روایت نموده که رسول خدا صلی الله علیه
واله شب معراج فرشته دید که او را چندین
هزار دست و بر هر دستی چندین هزار ا
نگشت دارد و حسابی نگاه میدارد و از
جبرئیل پرسیدم که این فرشته کیست
جواب داد که یا رسول الله صلی الله علیه
واله این ملکیست موکل بقطرات باران
آنجناب از او پرسید که یا ملک الامطار ا
یا قطرات باران امیدانی گفت بلی یا رسول
الله صلی الله علیه واله از روزیکه حضرت
عزت ابر را آفرید و از ابر باران بارید
من جمیع حساب قطرات باران را دارم
که چندین قطرات بکوهها بارید و
چندین و چندین قطره در صحراها بارید
و چندین در دریاها بارید و چندین

قطره دردریاها باریده واز هرچند قطره
گیاه حاصل شده است وچندین قطره در
شوره زارها باریده وضایع شده وکدام قطره
نبود تو از سحاب جدا شده وکدام ادو قطره
در هوا باهم ملاقات نموده است پرسید
یا ملك الامطار آیا هیچ حسابی هست
که از عهده آن برنیائی گفت بلی یا رسول الله
صلی الله علیه واله چون بنده مومن باخلاص
تمام بر جناب تو صلوات بفرستد ثوابی
که از یك عدد تا ده تجاوز نماید وبیازده
رسد من وجمیع محاسبان زمین واسمان
از عهده شماره آن برنیائیم بغیر از جناب
سریع الحساب دیگری بثواب او نتواند
رسید فاندم بنجم بیحساب داخل بهشت
شد نست چنانچه در نور العیون فرموده
وایضا

و ایضاً از رسول خدا صلی الله علیه و آله
مرویست که خدای عزوجل عمودی
آفرید پیش عرش بد و بیست هزار سال
پس چون عرش مجید را آفرید سر آن عمود را
در زیر عرش و پایه آن را در زمین
هفتم قرار داد او مر آن عمود را است
هفت صد هزار شاخ و بر هر شاخی
است هفتصد هزار ملک و از برای
هر ملکیست هفتصد هزار سر و از
برای هر سریست هفتصد هزار صورت
و از برای هر صورتیست هفتصد هزار
دهان است و از برای هر دهانیست
هفتصد هزار زبان و با هر زبانی
هفتصد هزار استغفار او هفتصد
هزار تسبیح و هفتصد هزار تحمید

وهفتصد هزار تمجید وهفتصد هزار تکبیر
وهفتصد هزار تهلیل میکویند
پس چون بندهٔ مومن بکوید اللهم
صل علی محمد وال محمد صلوات فرستند
براو هریک از این ملئکه هفتصد
هزار مرتبه پس کویند ای پرورد
کارما فلان ولد فلان از فلان شهر
وار فلان قریه بر پیغمبر تو صلی الله
علیه واله صلوات فرستاده حق تعالی
فرماید که ای ملئکه من شما نیز
صلوات بفرستید وتحمید وتهلیل
وتکبیر نمایید واستغفار کنید از
برای او وید رومادر او تا اخر ابد
وتا روز تغابن وتا وقتی که بیحساب
وبیعذاب داخل بهشت کردد

فایده

فائده ششم سفید شدن روی میت گناهکار
راست چنانچه در نور العیون فرموده
وایضاً سفیان ثوری روایت نموده
است که روزی بحج میرفتم بمدینه
رسیدم جوان صالحی را دیدم که
طواف ان روضه منوره می نمود
وبغیر از صلوات چیزی از او نشنیدم
وبعد از ان که بعرفات فاین کردیدم
باز همان جوان را بذکر صلوات
مشغول دیدم ودیگر چیزی از او
نشنیدم بنزدا ورفته احوال پرسیدم
که در مدینه مشرفه ومکه معظمه
از تو بغیر از صلوات چیزی نشنیدم
وامروز که عرض نیاز وتضرع وزاری
بدرکاه چاره تعالی است یک هزار

حاجیان را حاجتی و هر یک از آن
حیوان مرا دا حاجتی است تو بیست
ان عرض حاجات وتضرع ومناجات
بر داشته و با ربهین قبلوات التفا
نموده سبب چیست جواب کو رکه
بدانکه من و پدرم در سال کذشته
عزیمت حج نمودیم و در فلان منزل
مرضی عارض پدرم شد از قافله باز ماندیم
و در انجا منزلی کرایه نموده پدر را در انجا برده
چراغی روشن نمودم و سرش را در کنا
ر کرفتم می کریستم که ناکاه موکل اجل
در امده وقبض روح پدرم نمود دیدم
که روی سفیدش بسیاهی مایل کردید
و باندك فرصتی بنهایت شدت بتیرکی
رسید من ازاین حال ترسیدم و سرش
را از دامن

زان دامن خود بر داشته بباليش
رسانيدم واز وقوع اين حادثه بسيار
گريستم که فردا اهل منزل بيجهينا وطلز
کردنه واز علة اين علامت که لنشانه
بيگانگانست سؤال نمايند چه جواب
گويم از غايت ملال سر بزانوي غم نهادم
وبخواب رفتم در خواب ديدم مردي با
روي خوشبوي با جامهاي پاکيزه وعمامه
سفيد وارد منزل من گرديد همه جا گرديد
تا بباليني پدرم رسيد وانزار از روي او دور
گردانيد دست مبارك بر صورتش کشيد
اثار يد وبيضا پديد آمده تيرگي بروشني
مبدل گرديد من از ان حال متحير گرديدم
واخر الامر جرات نموده از انجناب
پرسيد که تر کيستي که حق تعالي

ببرکت تو هموم و غموم مرا مندفع گردانید و
پرده خجلت از چهره پدرم برچید فرمود که
منم محمّد ابن عبد الله صلی الله علیه و آله
پیغمبر آخر الزّمان بدانکه پدرت بر نفس
خود مسرف بود و در ارتکاب گناه از
حدّ اعتدال تجاوز می نمود امّا پیوسته
درود و صلات صلوات بروضه من می
فرستاد در این وقت که در ظلمت معصیت
فرومانده و از جناب من استغاثه نموده
بفریادش رسیدم و باین خواری و زار
لشر نپسندیدم و این سخن را فرمود و از
نظرم غایب شد من از خواب بیدار گردیدم
روی پدر را چون ماه تابان و مهر در
خشان دیدم و از آن روز فواید صلوات
را دانستم و تسبیح و دعا را بعبادت زهاد
گذاشتم

کن اشتم وصلوات بر سید کاینات را صلی الله
علیه واله ور زبان خود ساختم مؤلف
گوید واین روایت شریفه را در جواهر
الاخبار نیز نقل فرموده ولکن بعبارت
عربیه فائده هفتم رسیدن بخیر دنیا و ا
خرت است چنانچه در نور العیون فرمود
وایضا از شفاء الاسقام روایت نموده
است که تاجری بود در شهر بلخ از دنیا
رفت ودو پسر از او باقی ماند ترکه او را بما
المناصفه قسمت نمودند واز جمله از ترکه او را
که سه دانه موی فرق عنبرین بوی حضرت
رسول صلی الله علیه واله بود که بهر برادری
یکی رسید ویکی در میانه باقی ماند برادر
بزرگ گفت که این یک موی را ببرد ونیم
کنیم برادر کوچک گفت که من بقطع

موي الجناب راضي نيستم وجسارت وبي
ادبي نميكنم برادر بزركتر كفت كه چون
بقطع او راضي نيستي بايد كه قدري از مال
خود بمن كذاري وتمام ان يكمو برا مالك
كردي برادر كوچكتر كفت من هر سه
تار موي الجناب را بر ميدارم وجميع اموال
ميراثي خود را بتو ميكذارم پس هر دو باين
معامله راضي كشتند برادر بزركتر اموال
را تصرف نمود وكوچكتر موهاي مبارك را در
حقه پاكيزه ومعطر نموده وكريبان جان
بسته هر لحظه بيرون مياورد ومي بوسيد
ومي بوئيد وتحفه صلوات بر روان
سيد كاينات صلى الله عليه واله روانه
مي كرد ايند زماني نكذشت كه غبار نكبت
وادبار بر صفحه حال وروزكار برادر بزرك
نشسته

نشسته تمامی مو الش بمعرض تلف بر آمد

و بر آن درکو چکی اکل مراد و دولت از شاخ اقبال

و رفعت شکفته سر آمد امثال او قرآن

و بعد از آنکه از دنیا رحلت نموده حضرت

رسول صلی الله علیه و آله بخواب یکی از اولیاء

آن زمان آمده فرمود که مهمان انکو که هرگاه

بخداوند عالم حاجتی داشته باشند بر سر

قبر فلان رفته دعا کنند که حق تعالی

اند غار ابغر اجابت مرساند آن بزرگ

عرض کرد که یا رسول الله صلی الله علیه

و آله سبب این کرامت چیست سید عالم

صلی الله علیه و آله فرمود که در ایام حیات

در تعظیم موی من و کثرت صلوات بر من

مبالغه می نمود لاجرم در ایام حیات

او قالش بخوشی گذشت و بعد از وفات

قبر او کعبه حاجات خلق گشت الغرض بیدار
شد خواب خود را برای خاص و عام باز
گفته اکابر و اصاغر شهر وی بر مرقد آ
وردند و حوائج خود را عرض کردند و
بمطالب و مآرب خود رسیدند فائده
هشتم نجات یافتن از عذاب است
چنانچه در نور العیون فرموده و ایضا
از ریاض الاذهان آورده که زنی
دختر خود را در واقعه دید که بعقاب
الالیم و بعذاب العظیم گرفتار است
بیدار گردید و ناله و زاری از حد
گذرانید پس بعد از یکشبانه روز
ورا در خواب دید که خوشدل و شادان
در روضه رضوان می خرامید پرسید
که ای دختر چه حال بود که پدرم واین
چه صو

چه صورتست که مشاهده می نمایم
جواب داد که ای مادر بجهة جرایم ومآثم
خود در عذاب بودم اما در این روزها عزیزی
برای مقبرهٔ ما گذار افتاد و چند نوبت صلوات
فرستاده ثواب آنرا باهل قبرستان بخشید
حق تعالی ببرکت آن صلوات عذاب اهل
قبور را بحور و قصور مبدل گردانید مؤلف
گوید چه خوب فرموده ناظم علیه الرحمة
نظم صلوات المصطفی تمحو الخطایاه وتنجی من
عقوبات القبوره الا یا معشر الاسلام صلوه
علی بدر الدجی صدر الصدوره فائده نهم
مبدل شدن گلهای تلخ است بعسل
شیرین در شکم زنبور عسل چنانچه در نور
العیون فرموده و ایضا از امالی دلوالنجی
روایت کرده که روزی سید عالم صلی الله

علیه و آله در سایه نخلی نشسته و حضرت امیر المؤمنین ع

در خدمت او بود و از انواع ادب درآمده تا ناگاه زنبوری

بیامد و پروانه وار گرد آگرد آنشمع جمع رسالت

آغاز طواف نهاد و بازبانی که سلطان ملک

فتوت و سلیمان تخت نبوت محرم آن بود بنیاد

تکلم نهاد و یعسوب مسلمین آستین می افشاند

تا آنمکس را دور کرداند که آن ختم مرسلین

صلی الله علیه و آله تبسمی فرمود و گفت

یا علی هیچ میدانی که این زنبور چه میگوید

یا نه مرادش اینست که ما را میهمانی کند و میگوید

در فلان موضع قدری شهد نهاده امیر المؤمنین ع

را بفرمائید تا بیاورد و عذرخواهی بسیار

می نماید که سلیمان پیغمبر را موری ضعیف

بپای ملخی میهمانی کرد اکنون نبی نوائی خواجه

دوسرا را بقدری عسل میهمانی کند عیب

نخواهد

نخواهد بود القصه حضرت امیر المؤمنین ع انشهدرا
برهنمائی انمکس مجلس شریف خاتم المرسلین
صلی الله علیه و آله حاضر کردانید بجناب
مقدس از همان مکس احوال پرسید که خوراک
شما شکوفه تلخی پیش نیست چگونه می شود
که در درون شما شیرین صافی میکردد جواب
داد که یا رسول الله صلی الله علیه و آله هر
گاه قدری شکوفه بدرون ما داخل میکردد
فی الحال الهام الهی رسد تا سه نوبت بر جناب
شما صلوات بفرستیم و بسبب آن شکوفه
تلخ را در شکم خود شهد شیرین سازیم
مؤلف کوید از این خبر چنان معلوم میشود
که شیرینی عسل بسبب صلوات بر رسول
خدا صلی الله علیه و آله است و از حدیث
دیکر مفهوم می شود که بواسطه اراده خوایش

نمودن آتش نمرود بود که حضرت ابراهیم ع
را در او انداخت هم چنانکه در نور العیون
بعد از نقل حدیث مروی از بحر الفوائد
فرموده و ایضاً گفته که زنبور عسل نیز در آن روز
منظور نظر عنایت گردید بسبب آنکه بعد از ملاحظه
حظه اشتعال آتش نمرودی دهان پر از آب
نموده کرد آن آتش می گشت تا بآن آب دور
از آن آتش برآرد بآن مقدار سعی مشکور آن
آب را در دهان او عسل شیرین مصفی
فیه شفاء للناس گردانید تا مردم بدانند که از
محبت ابرار و اخیار و عمل خالص برای پروردگار
کار هیچ آفریده زیان کاری ننموده است
انتهی مؤلف گوید و منافاتی ندارد این حدیث
با حدیث سابق زیرا که ظاهر از حدیث
صلوات سبعه آنست از برای شیرینی
ما فی البطن

ما فى البطن زنبوران يعني شكوفهاي تلخ
واين حديث در سببيه اراده اخماد نار از
براي شيريني اب دهان يعني در همان
زمان كه آب در دهان انها شيرين شد
بواسطه اراده خاموش نمودن اتش
نمودي در همان زمان نيز شكوفهاي
تلخ در شكم انها مبدل بعسل شيرين
شد بواسطه صلوات بر سيد كاينات
صلى الله عليه واله مادامت الارض
والسموات وسببيه صلوات قبل از ظهور
سيد كاينات صلى الله عليه واله براي بعضي
ازان امورات استبعادي ندارد زيرا كه انسر
ور صلى الله عليه واله اكرچه بحسب
ظاهر ولكن در باطن باعث ايجاد عالم بود
وهر مخلوقي بعد از توسل بان سيد رسل

وصلوات بر آن هادی سبل بمراد و مقصو
د رسید هم چنانکه آدم بمهر سه صلوات
بحوا رسیده و حوا بر او حلال شده و قوم
موسی ع بواسطه صلوات از تکالیف شاقه
فرعون نجات یافتند و صاحب بقره بنی
اسرائیل بواسطه صلوات بخیر دنیا و آخرت
فائز گردید الی غیر ذلک من الفائزین
ببرکة الصلوات و بر فرض منافات میشود
حدیث سابق را حمل نمائیم بر سببیه صلوات
از فرای شیرینی عسل زنبورانی که در زمان
حضرت رسالت صلی الله علیه و آله برده
اند و زنبورانی که تا قیام قیامت یافت میشوند
و این حدیث را یعنی حدیث بحر الفوائد
را بر زنبورانی که در زمان خلیل ع برده
و زنبورانی که تا زمان خاتم صلی الله علیه

و آله

واله یافت شده والله العالم فائده دهم مرده
شدن بعضی از حیواناتست چنانچه از بعضی
کتب منقول است که روزی ابوجهل لعین
در مسجد رسول خدا صلی الله علیه واله
نشسته بود تا حضرت بیرون امد گفت
یا محمد صلی الله علیه واله من یک معجزه
از تو می طلبم اگر راست میکوئی من با
حدم بالتمام ایمان میاورم ودست خود را
در استین پنهان کرده بود سؤال کرد
در دست من چیست سید عالم صلی الله
علیه واله فرمود که در دست تو حقه
ایست ~~ودر ان نهاده قطن پیچیده ودر ان~~
حقه سه دانه در است وان حقه
بکرباس پاره پیچیده ودر ان حقه سه دانه
در است ودر ان نهاده قطن محلوج

است ویکدانه در سفته است ویکی ناسفته
است ویکی نیم سفته است ودیگر دران
حقه یک لعل پاره ایست ودر میان
لعل پاره یک کرم سرخی ست وبرك
سبزی در دهان دارد ابو جهل لعین
کفت اینها راست ست اما کرم وبرك
سبز بچه معلوم میشود حضرت فرمود
چون اینها راست است انهم راست
است کفت من باور ندارم حضرت فرمود
لعل پاره را بشکن کفت این قیمت
خطیری دارد شخص مالداری از صحابه
حاضر بود کفت لعل خودرا قیمت کن
وبشکن اگر سخن پیغمبر صلی الله علیه واله
راست بود فیها والا اکر خلاف باشد
من قیمت لعل ترا میدهم چون ان
لعل را

لعل را شکستند کرمی ضعیف بر اث
سبزی در دهان داشت بیرون
امد حضرت ان کرم را کف بر دست
مبارك نکاه داشت و از ان کرم پرسید
ای کرم چند کاه است که تو در میان
این سنکی بفرمان حق تعالی و معجزه
سیّد انبیا صلی الله علیه و اله ان کرم
در سخن امد و کفت من عدد ان نمیدانم
امّا عمری باشد که مقام من بوده حضرت
ربّ العالمین هر روز برک سبزی بمن
رسانیده است و مرا بی برك نکاه داشته
خواجه عالم صلی الله علیه و اله فرمود
تسبیح تو چیست که ببرکت او بتو ر
وزی میرسد کفت تسبیح من انست
که باالهام الهی هر نوبت بر تو صلوات

میفرستم اصحاب که حاضر بودند همه بیکبار
تکبیر گفتند ابوجهل لعین از روی غضب
بجانب پیغمبر صلی الله علیه و آله نظر کرد و گفت
سخت جادو کری بوده ولپشت بمجلس حضرت
کرده و برفت و ایمان نیاورد و در کتاب
نفس الرحمن فرموده و در مدینة المعجزات
در باب شصت و هشتم آن مرویست
از سلمان که گفت یکروزی نشسته بودم در
خدمت امیر المومنین ع در بیابان بی آب
و علفی پس حضرت دراجی را دیدند با
او تکلم کردند و فرمودند چند مدتست که در این
بیابانی و آب و دانه تو از کجا است دراج
عرض کرد یا امیر المومنین ع مدت چهارصد
سال است که در این بیابان می باشم
و آب و دانه من اینست که هر گاه گرسنه
نشوم

شوم صلوات بر شما میفرستم و سیر میشوم
و هرگاه تشنه شوم نفرین میکنم بر ظلم کننده
گان بر شما پس سیراب میشوم سلمان
میگوید گفتم یا امیر المؤمنین ع این امر عجیبی
است داده نشده است دانستن زبان
مگر بسلیمان ابن داود ع آیا حضرت فرمود
ای سلمان آیا ندانسته که دانستن زبان
مرغان را من بسلیمان داده ام ای
سلمان می خواهی بتو بنمایم چیزی عجیب
تر از این گفتم بلی یا امیر المؤمنین و یا خلیفه
رسول رب العالمین پس حضرت سر بلند
کرد بسوی هوا و فرمود ای طاووس
فرود بیا پس طاووس فرود آمد پس فرمود
ای شاهین بیا پس شاهین فرود آ
مد پس فرمود ای باز فرود بیا پس

کلاغ فرود آمد پس حضرت فرمود ای
سلمان این مرغان را سر ببر و پرهاشانرا
بکن و آنمرغانرا قطعه قطعه نما و گوشتشانرا
مخلوط بیکدیگر نما سلمان میگوید که بجهه
حضرت امر فرمود کردم و متحیر بودم در
امر او پس حضرت ملتفت بمن شد و فرمود
چه میگوئی عرض کردم ای مولای من
مرغانی بودند که در هوا پرواز میکردند
گناهی بر آنها ندانستم امر فرمودی بسر
بریدن آنها حضرت فرمود ای سلمان
میخواهی در این ساعت آنهارا زنده
نمایم عرض کردم بلی یا امیرالمؤمنین ع پس
حضرت از روی غضب نگاه کرد بانمر
غان و فرمود پرواز کنید بقدرة خدا
پس همه مرغان پرواز نمودند باذن
خدای

خدای تعالی سلمان میگوید پس تعجب
کردم از این وگفتم ای مولای من این امر
نیز کیست فرمود ای سلمان تعجب مکن
از امر خدا پس او قدرت دارد بر هر چه
بخواهد وکننده است هرچه را که اراده دا
رد ای سلمان مبادا چیزی بخاطر تو خطور
نماید منم بنده خدا وخلیفه او امر من امر
خدا است ونهی من نهی خدا است وقدرت
من قدرت خدا است وقوة من قوة خدا است
فائده یازدهم کسترانیدن ملک است
بال خود را بر صراط برای عبور مصلی
چنانچه در محکی ریاض الذاکرین ونزهة
الریاض وتاج الذاکرین فرموده ودر حدیث
دیگر مرویست که حق تعالی را فرشته
ایست که او را عزرائیل نام کرده چون

روز قیامت شود بال خود را گشاید
و بر پل صراط بگسترانند و ندا نماید که هر
که بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و اله
صلوات فرستاده بیاید قدم بر بال
من بگذارد که از پل صراط او را بسلامت
بگذرانم فائده دوازدهم ثواب چهار
صد غزوه داشتن است چنانچه در
بعضی کتب مذکوره فرموده که از امیر المؤمنین
مرویست که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمودند که هر که بغزو کفار
رود خداوند با الغزوه اجر چهار صد
حج عطا کند فقیر اینکه در مانده و استطاعت
جهاد نداشتند شکسته دل و مجروح
خواطر گشتند حضرت رسول صلی الله
علیه و آله فرمودند حق تعالی بمن وحی
فرستا

فرستاد که ای محمد صلی الله علیه و آله
نیست از بنده که بر تو صلوات فرستد
مگر آنکه بنویسم در نامه عمل او ثواب چهار صد
غزوه که هر غزوه برابر چهار صد حج باشد فایده
بیست و هم استغفار نمودن پرهای ملک محیط بعرش
است تا روز دیگر چنانکه در بحیی کتب مذکور است
فرموده و در حدیث دیگر فرموده که حق تعالی را
ملکی است در زیر عرش که از آن کبوتها است و بر عرش
منبط گشته هیچ پری نیست بر فرق و جسد وی
مگر آنکه بر آنجا نوشته است لا اله الا الله محمد
رسول الله صلی الله علیه و آله چون بنده مؤمن یکبار
صلوات بفرستد در تمام جسد آن فرشته پری باقی
نماند مگر آنکه برای او استغفار کند تا روز دیگر
فایده چهاردهم سوار شدن بر باد مخصوص
است چنانچه در بحیی کتب مذکور است فرموده و در خبر

دیگر مرویست که از برای صلوات فرستنده حُلّی از نور
بیاورند بر شتری که خلق شده سر و گردن او از
کافور و جانب راست او از مروارید و جانب چپ
او از یاقوت و دنباله او از مشک و قوائم او از لؤلؤ
و دو بال او از زبرجد و مهار او از طلا استوار شده
بند
و مهار او در دست ملکی است که فریاد میکند که کجا
صلوات فرستندگان بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله
و مثل آن خبر است که در باب نماز گذارندگان
پس سوار میگردند و داخل بهشت میشوند فائده
یازدهم با صفا و وسیع شدن قبر چنانچه در
خلاصة الاخبار مسطور و منقول از بعضی از اکابر دین
مرویست که زنی به پسر خود تعشق بهم رسانید و
هر قدر خواست که با او مقاربت کند نتوانست تا آنکه
روزی قدری شراب داخل طعام وی کرده بوعده
پسر آن پسر مست و بیهوش شد آن زن آمد پسر خود

مقاربت

مقاربت کرد و از پیر خود حامله شد پس آن پیرزاده
شکر نمود در این بین آن زن وضع حمل نموده دختری
از وی متولد شد پس آن زن دختر را بجائی انداخت
شخصی او را برداشت تربیت داد تا بوقت آمدن پسر
مادرش وفات نمود پسر بعد از اطلاع از فوت مادر
بسیار متاسف کردید روزی با رفقای خود احوال
مادر را میگفت که من بجنازه و فوت مادر خود حاضر
نبودم این امر بسیار بر دلم گرانست رفیقش بوی
گفت ای فلانی تاسف ورزی از برای مادر خود چشم
از جیبت آنمرد گفت ای رفیق چرا بمادر من اینطور
افترا میگوئی آنشخص گفت که من در این خصوص از
برای تو برهانی می آورم پس آن شخص آنمرد را بجا طاورد
که مادر وی این عمل با وی کرده و زن خود همان
دختری بوده که از وی بهم رسیده پس آنمرد گفت که
من مرحوم و مادر خود را از قبر بیرون می آورم و او را

می سوزانم پس چون فراورا گشوده بوی
عطری بدماغ او رسید چون سنگی
از طرف سرش برداشت ونگاه کرد ناگاه
مادرش را دید بر سر تختی نشسته وجایش
بسیار با صفا و بسیار وسیع است از مرد ازا
نخال متحیر مانده از مادر پرسید که ای مادر
بمن بگوی که العملی نسبة بتو میدهند
که با من کرده ایا صحیح است یا نه مادرش
گفت صحیح است گفت ای مادر پس این
جلال وسلطنت از چیست گفت ای
پسر این مرتبه را زبرکت صلوات بر محمد
وال محمد صلی الله علیه واله ولعن
براعدا ایشان یافتم ومن همیشه
این صلوات ولعن را می کردم
گفتم در هر شب پنجشنبه و جمعه
بعد از نماز

بعد از نماز اللهم صل علی محمد وال محمد کما
فضلتها اصلیت وبارکت وترحمت علی ابرهیم
وال ابراهیم انك حمید مجید ولعنة الله
علی اعداء ال محمد من الاولین والاخرین
الف مره ونقل کرده است این را صاحب
غرائب الحکایات سید نعمت الله جزایری
ره مؤلف کوید اگر کسی بحث نماید که اکثر ا
خبار وارده در فضیلت صلوات یا از کتب
عامه ویا از ضعاف احادیث واخبار خاصه
است پس چگونه می توان اعتماد بر انها
نمود جواب انکه اگرچه چنین است
ولکن نظر بعدم داعیه وضع وکذب
ونظر بقاعده مشهوره تسامح در ادله
سنن که ببراهین عقلیه مبرهن وبادله
نقلیه متقن است کما هو المقرر فی

الاصول مقبول و محل اعتماد علماء فحول است
تتمیم نفعه عمیم بدانکه صلوات همچنانکه
بعد از ایجاد سرور کاینات صلی الله علیه
واله مفید فواید و مثمر ثمرات است هم
چنین قبل از ظهور ان حضرت صلوات
موجودات نیز منشأ اثار و برکات بوده
است و در این باب اگرچه روایات
بسیار است ولکن روماً للاختصار ا
کتفا می نمائیم بذکر سه روایت اول
در نور العیون فرموده و ایضاً از امالی
امیر ظهیر الدین دلوانجی روایت نموده
است که چون ادم صفی الله را از حضیض
زمین باوج خلد برین رسانید
ند اگرچه در ریاض بهشت حوریان
پاکیزه سرشت بودند و در نظر ابو ا
لبشر جلوه

لبشر جلوه می نمودند اما حضرت ادم را
باعتبار مغایرت جنسیّت با ایشان
انس والفتی نبود خداوند عالم از برای
بقای نسل بنی ادم حوّا را از پهلوی
چپ وی افرید چون ادم او را از جنس
خود دید با او انس گرفته از او احوال پرسید
که تو کیستی و از برای چیستی اثر حیا
در چهره حوّا پدید امد و جبرئیل از
جانب خدا اورد که این حوّا است و این
جفتی است که لایق تو است و پیوسته
الیف و محرم و حریف و همدم تو خواهد
بود حضرت ادم چون دانست که این
نعمت خاصه او است بمقتضی جنسیّت
خواست که دست تصرّف دراز کند
جبرئیل گفت ای ادم از وصل نکو ر

ویان بدون عقد و نکاح و بی کابین
گران بهره نمی توان برد حضرت آدم ع
فرمود که ای برادر تو دانائی که من
مسافر دیار عدمم که نخستین بعرصه
وجود آمده ام با کیسه خالی و افلاس
غالب چکنم و تبقدیمی که چیزی ندارم
او را چگونه عقد توانم کرد روح الامین
فرمود که سه نوبت بر جیب خدا محمّد
مصطفی صلی الله علیه و آله که نام خجسته
فرجام او را بر ساق عرش دیدی و او
صاف کمال او را از ملئکه شنیدی صلوات
بفرست تا حوا بر تو حلال گردد در روایت
دوم نیز در نور العیون فرموده امام حسن
عسکری ع در تفسیر خود فرموده که
در بنی اسرائیل زن صاحب جمالی
بود که

بود که در حسب و نسب و عفت و کمال
گوی سبقت از زنان زمان خود میر
بود و مردمان بسیار بار زوی وصال
آن یگانه روزگار در میدان عشق
بازان او چابک سواریها نمودند
و از ناوک مژگان آن یکه تاز عرصه
غمزه و ناز مغلوب و مجروح ناز وی
میگردیدند تا آنکه انزهم سینهای خراب
از کثرت ازدحام خطاب دلتنگ کرده
بود و از جمله سه نفر بنی عم که او را بوده
یکی را السبب و فور علم و حلم و سداد و
صلاح از میان انشا برگزید و از برای
اخراج اغیار رغبت بزواج او فرموده
و بعد از تحقق ازدواج آنحمیده خصال
و اخراج آن دو پسر عم بی کمال آن مرد

لجاج ورزیدند و پسر عم خود را بقیافت
طلبیده و بقتلش رسانیدند و نعش
او را در همان شب برداشته در سر راه
بهتر قبیله از قبایل بنی اسرائیل که جمعیتشان
نیز پیشتر بوده انداختند پس چون
داخل صباح گردیدند و مردم قبیله
مقتولی در میان راه خود دیدند و پسر
عمانش آمده فریاد برکشیدند و
خاک بر سر نموده جامها بر تن در
یدند و خون خواهی کشته خود را
از مردم قبیله نمودند و ایشان متحیر
منکر گردیدند و بمحکمه موسویه
آوردند و صورت حال را بعرض
مقدسش رسانیدند و آن پیغمبر
عظیم الشان در میان ایشان حکم
بقسامه

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

بقسامه فرمود و پنجاه قسم خوردند
باسم خداوند عالمیان بر آن بیچاره
کار دشوار نمود از جناب موسی
سؤال کشف اینمطلب نمودند و
پیوسته با جناب اقدس باری
در تضرّع و زاری بود تا خداوند
منّان دعوت آن بیگناها نوا
حبابت نمود و بکشتن کار ایشانرا
امر فرمود و بحضرت موسی خطاب
رسید که یا موسی بسبب اینکه غایبی
از نیکان امّت تو نفع بسیاری خواهم
بخشید زیرا که صلوات بر محمّد صلی الله
علیه و آله و آل طیّبین او فرستاده است
و محمّد صلی الله علیه و آله و علی را بر سایر ا
با ترجیح داده پس من می خواهم که

بعضي از ثواب بهاي او را در دار دنيا باو زاني
دارم و بسبب تعظيمش ان براي محمد صلى الله
عليه و اله و علي او را غني كرده دانم و الشخص
جواني ان بني از بني اسرائيل بود كه پيوسته
با پدرش مهرباني مينمود روزي متاعي
خريده مشتري براي او بهم رسيده و پدرش
در خواب بود و كليد ان متاع در زير سر پدرش
بود ادب او را رعايت نموده پدر را از خواب
بيدار ننمود و چون پدرش بيدار گرديد و
از او پرسيد كه اي جان فرزند متاع خود
را چكردي گفت بحال خود باقيست
پرسيد كه چرا نفروختي گفت بجهة انكه
كليد ان در زير سر شما بود و در خواب
بودي پس پدر را و در عوض ادب ان
پسر گاوي باو بخشيد و خدا و ند شكور
پس عو

پس عمل او را پسندید پس ببینید نیکی با پدر
و مادر بکجا میرساند چنانکه تفصیل کشتن
گاو را در سوره بقره بیان فرموده مجملا
بعد از آنکه حجتهای بنی اسرائیل نشانیهای
گاو را بجائی رسانید که بغیر از گاو آن جوان
دیگر مثل آن بهم نرسید در شبی آن جوان
محمد صلی الله علیه وآله و علی را در خواب
دید که فرمودند چون تو از دل و جان محب
ما بودی و تفضیل ما بر سایر خلق می نمودی
خواستیم که در دار دنیا بعضی از جزای
ترا بتو رسانیم و ترا بوسیله قیمت
گاو غنی گردانیم پس چون بنی اسرائیل
بنزد تو آیند و گویند که گاو خود را بما
بفروش تو قول ایشان را قبول نما اما بدون
رخصت مادرت مفروش و چون روز

دیکر شد و ایشان بطلب گاو امدند و بد
واشرفی قیمت گاو را رسانیدند پس کفت
میفروشم امّا بشرطیکه با مادرم مصلحت
نمایم پس چونکه این خبررا بمادر رسانید
مادر مهربان بچهار اشرفی رخصتش
کردانید و چون بنی اسرائیلیان در دو تا
مبالغه نمودند مادر ان پسر بصد اشرفی
رسانید و بجاج ورزید تا ایشان به پنجاه
اشرفی رسانیدند و فائده نبخشید و هم
چنین هرچند ایشان در مضایقه
کوشیدند ان در مبالغه از حدّ افزون
کردانید و بهر قیمتی که ایشان راضی
میکشتند او مضاعف میکردانید تا انکه
قیمت انکاو باینجا رسید که کاویکه از همه
کاوها بزرکتر باشد بهم رسانند و بعد
از کشتن

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

از کشتن پوست او را جدا سازند و پر از اشر
فی نمایند و با زن داده گاو لیپرش را خریده
و اهمال ننماید و رزید لیپس از ابهمان قیمت
خریدند رسانیدند و پنج هزار اشرفی بقیمت
انگاو دادند و بعد و تقبلش از ان
بتعلیم حضرت موسی ع عضوی از اعضای
او را بدست گرفتند و گفتند خداوندا
بجاه محمد صلی الله علیه و اله و ال طیبین
او که بهتر از ایشان در میان خلق
تو نیست که تو این مرده را زنده گردان
بگوید که قاتل من کیست پس بقدرت
الهی زنده گردید و گفت پسرهای عم
بتقریب دختر عم حسد بردند بمن و مرا
کشتند و در محله این قوم انداختند تا
خون بهای مرا بگیرند پس حضرت

موسی ع آن دو نفر را بقتل رسانید و آن
جوان مقتول بمطلب خود رسید
و بنی اسرائیل چون از این مقدمه فارغ
شدند از حضرت موسی ع پرسیدند که
یا موسی ع نمیدانیم که از کدام یک تعجب نمائیم
از زنده کشتن این مرده یا از توانگر
شدن اینجوان بقیمت گاو پس خداوند
علیم بکلیم خود وحی فرمود که بنی
اسرائیل را بگو که هر کس که خواهد در
دنیا عیش او را نیکو گردانم و در آخرت
محل رفیعش رسانم و در بهشت بهم
نشینی محمد و آل محمد صلی الله علیه
و آله مشرفش سازم پس باید که مثل
اینجوان باشد و محمد و آل محمد را صلی الله
علیه و آله دوست دارد چنانکه اینجوان

وصف

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

وصف ایشان از حضرت موسیٰ ع شنیده
بود پیوسته بر ایشان صلوات میفرستاد
و اظهار دوستی مینمود این مال خطیر را
باو بخشیدم و باین و باین پایه بلندش
رسانیدم چون آن صاحب گاو گفت
یا نبی الله من این مال را چگونه محافظت
نمایم و حال آنکه از عداوت و حسد میترسم
حضرت موسیٰ فرمود که قبل از آنکه
این مال را تصرف نمائی بایدکه صلوات
بر محمد و آل محمد و آل صلی الله علیه و آله
بفرستی تا از شر دشمنان ایمن گردی
پس چونکه این کلام موسیٰ ع بگوش آن جوان
رسید محمد مصطفی صلی الله علیه و آله
و آل ورا شفیع خود کردانید و از خدا
وند ودود عمر درازی با وصال دختر عم

مسئلت نمود واز خداوند چید وحی بموسی

رسید که چون توسل اینجوان بمحمد وال

محمد صلی الله علیه واله دیدم لاجرم مدت

هفتاد سال دیگر عمر دنیا باو بخشیدم

که با دختر عمش بعیش وعشرت وجوانی

وقوت لذت رانند ودیگر فقر وفاقه وناکامی

وپیری وناتوانی بنبینند وهر دو باهم رحلت

نمایند ودر نعیم جاودانی بهشت

با زن وشوهری از سر گیرند یا موسی

اگر ان قاتل شقی با نیت خالص محمد وال

اورا صلی الله علیه واله شفیع خود میگر

دانید واز حسد پناه بمن برده پادشاهی

ملک قناعت را می طلبید هر انچه عاعا

قبلش باین خواهی نمیرسید واگر از ان

بعد عمل شنیع نیز اینها را شفیع میگر

دانید

دانند هر اینه کارش باین رسوائی نمیرسید
و هرگاه بعد از آن رسوائی نیز ز عملش
تائب می شد و محمد و آل او را صلی الله
علیه و آله شفیع میکردانید اولیاء
مقتول را بعفو او امر می فرمودیم و عمل
قبیح او را بالمره از خاطر مردمان محو می
نمودیم پس جماعت بنی اسرائیل بعرض
مقدس جناب موسوی رسانیدند
که جمیع اموال خود را صرف قیمت گاو کردیم
و بسبب لجاج خود محتاج بسوال کف
کشیدیم از خداوند عالم وسعت رزقی
برای ما ضعفا مسئلت نما که کار از دست
رفته و شدت بنهایت رسیده است
آنجناب فرمود که مگر شما دعای صاحب
گاو را نشنیدید و مسئول بجوان

متقول را بعد از زنده کشتنش ندید یدکه
هر دو بمحمد مصطفی صلی الله علیه واله وال
طیبین او متوسل کردیدند و ببرکت
صلوات بر ایشان هر یک بمقصد و مدعا
رسیدند شما نیز محمد صلی الله علیه
واله و علی و فاطمة و حسن و حسین
و اولاد طیبین ایشان را وسیله وسله
و شفیع خود سازید تا از فقر و فاقه
خلاصی یافته بنودی غنی کردید ایشان
رسید که یا موسی بکو بزرکان ایشان
بخرابه بنی فلان روند و فلان موضع
از زمین را بشکافند و در انجا ده هزار
هزار اشرفیست و دو برابر انچه قیمت
کاو داده اند بر او رند فیما خود
بین با المضاعف انچه داده اند
قیمت

قیمت نمایند تا از بیچاره کي وتنگد
ستي خلاصي یابند وقلت و منزلت
توکل وتوسل بمحمد مصطفی صلی الله
علیه واله وائمه هدی صلوات
الله علیهم راداشنده واین سیم
نیز در نور العیون فرموده وایضا
در تفسیر امام حسن عسکری ع
مرویست که ازجمله تکالیف شاقه
فرعون بر بني اسرائیل این بود که
از جهة خوف از فرار شان پاهاي
ایشانرا بزنجیرها مي بست وایشانرا
میگفت که گل از براي قصر من بکشید
پس بسیار بود که از نردبان میافتادند
ونفي الفور جان میدادند یا اینکه اعضا
ایشان شکسته زمین گیر میکردیدند

پس حق تعالی وحی بحضرت موسی ع فرمود
که ایشانرا بگو که ابتدا بهیچ عملی ننمایند مگرا
نکه در اوّل صلوات بر محمّد صلّی الله علیه و آله
و آل طیّبین او فرستند تا این امر بر ایشان
آسان گردد پس چونکه ایشان مداومت
نمودند سالم ماندند و بعضی که فراموش
نموده میافتادند و مزمن میگشتند و خود یا
دیگری بر ایشان صلوات میخواندند در
ساعت صحّت مییافتند و دیگر آنکه دختر ایشانرا
باسیری میبردند تا آنکه بحضرت موسی ع
استغاثه نمودند که آل فرعون دختر و خوا
هران ما را بکنیزی میگیرند و بکار ایشانرا
میبرند پس خداوند عالمیان وحی فرمود
باندختران بگو که چون چنین اراده نسبت
بایشان نمایند صلوات بر محمّد صلّی الله
علیه و آله

علیه و آله و آل طیبین او فرستند چون چنین
کردند ضرر فرعونیان از ایشان دفع کردید
و هرگاه یکی از ایشان مشغول کار دیگر میگشتند
یا به بیماری یا عارضه مبتلا میشدند و صلوات
بر صلوات می نمودند نجات می یافتند خاتمه
در بیان ثواب صلوات مخصوصه است
و در آن چند روایت است روایت اولی
در صافی فرموده و در معانی از حضرت
صادق ع مرویست اینکه سؤال شد از آیه
ان الله و ملئکته یصلون علی النبی الخ
پس آنحضرت فرمود صلوات از خدا رحمت
و از ملئکه و مردم دعا است و اما قول حق
تعالی که فرموده و سلموا تسلیما مراد اطاعت
و تسلیم احکامیست که از حضرت رسول
صلی الله علیه و آله وارد شده است

پس عرض کردند چگونه صلوات بفرستیم
بر محمد صلی الله علیه واله وال وحضرت فرمودند
بگوئید صلوات الله وصلوات ملئکته وانبیائه
ورسله وجمیع خلقه علی محمد وال محمد
والسلام علیه وعلیهم ورحمة الله وبرکاته
عرض کردند پس چه خواهد بود ثواب
کسی که باین صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه
واله صلوات بفرستد حضرت فرمودند
ثوابش بیرون امدن از گناهانست
بجد انقسم مانند روزیکه از مادر متولد شده
است روایت دوم در کتاب جواهر الا
خبار فرموده وکسی خوشحال نماید آل محمد
صلی الله علیه واله را در صلوات فرستادن
بر پیغمبر صلی الله علیه واله وال او باین
صلوات اللهم صل علی محمد وال محمد
فی الاولین

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

فی الاوّلین وصلّ علی محمّد وال محمّد فی الاخرین
وصلّ علی محمّد وال محمّد فی الملاء الاعلی وصلّ
علی محمد وال محمّد فی المرسلین اللّهمّ اعط
محمّد الوسیلة والشّرف والفضیلة والدرجة
الکبیرة اللّهمّ انّی امنت بمحمّد واله ولم اره فلا
تحرمنی یوم القیمة رؤیته وارزقنی صحبته
وتوفّنی علی ملّته واسقنی من حوضه
مشربا رویّا سائغا هنیئا لا اظما بعده ابدا
انّك علی كل شیء قدیر اللّهمّ امنت بك كما
امنت بمحمّد واله ولم اره فعرّفنی فی الجنان
وجهه اللّهمّ بلغ روح محمّد عنّی تحیّة
کثیرة وسلاما خراب میشود گناهان
او وامرزیده میشود خطاهای او و
مستدام خواهد شد خوشحالی او ومستجاب
میشود دعاهای او وداده می شود با

و آنچه از روزی او است و وسعت داده
می شود در روزی او و یاری کرده می
شود بر دشمنش و آماده می شود برای
او سبب انواع خوبیها و قرار داده می
شود از رفقاء پیغمبر صلی الله علیه و آله
در بهشت و این صلوات در صورتی
این مثمر ثمر است که سه مرتبه در صبح
و سه مرتبه در شام گفته شود و در
روایت دیگر که نیز در جواهر الاخبار
است بعد از فی المرسلین این زیادتی را
دارد و صل علی محمد حتی ترث الارض
و من علیها و انت خیر الوارثین پس
اگر این زیادتی را بعد از فی المرسلین بگوید
بهتر خواهد بود روایت سیم در جواهر ا
لاخبار نیز فرموده در جنة الواقیه از مصباح

از حضرت

از حضرت صادق ع مرویست که هر کس

بعد از نماز صبح و نماز عصر صد مرتبه بگوید

اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد وآل محمد وعجّل

فرجهم نمیرد تا اینکه ادراک نماید حضرت

قائم عجّل الله فرجه را مؤلّف گوید که اگر

کسی بحث نماید که اکثر انام سیّما علماء

اعلام این روایت را دیده و بمضمونش عمل

نموده اند ومع ذلک آن سرور را ادراک

ننموده اند جواب داده میشود بانکه شاید

مراد ادراک وقت احتضار باشد ویا ادراک

مطلق باشد از عم آنکه آنسرور را بشناسد

یا نه ویا آنکه یقین نمودن بوجود

آنسرور باشد مانند کسی که او را

ادراک کرده باشد ولکن در جواب

هر نیز فرموده و عن ابی عبد الله

قال من قرء سوره بني اسرائيل في كلّ
ليلة جمعه لم يمت حتى يدرك القائم ع
ويكون من اصحابه واين روايت
اشكالش از روايت سابقه بيشتر
است وبهيچيك از وجوه سابقه
جواب ازان نمي توان داد زيرا كه
منافات با فقره اخيره ويكون من
اصحابه دارد بلي مي توان گفت
اشكال در صورتيست كه يكون
من اصحابه عطف بر حتى يدرك
باشد واما اگر عطف بر يمت باشد
ومعني حديث اين باشد كه هركس
در هر شب جمعه سوره بني اسرائيل
را بخواند دو ثواب واجر دارد يكي
آنكه نميرد تا وقتيكه ادراك نمايد حضرت
قائم ع

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

قائم عجل الله فرجه را بیکی از وجوه مر
قوم در جواب اشکال روایت سابقه
و یکی دیگر آنکه از اصحاب آنحضرت
خواهد بود در وقت ظهور اگر شرور
لیس اشکالی در او نخواهد بود و الله
العالم روایت چهارم در جواهر
الاخبار نیز فرموده در وسائل از
عبد الله ابن سنان از ناحیه یعنی
حضرت صاحب الامر روحی فداه
مرویست که فرمود ابو جعفر ع
که هر گاه نماز عصر روز جمعه را بعمل
بیاوری پس بگو اللهم صل علی محمد
و آل محمد الاوصیاء المرضیین
بافضل صلواتك و بارك علیهم بافضل
برکاتك علیه و علیهم السلام و علی

ارواحهم واجسادهم ورحمة الله
وبركاته وفرمود که هرکس این کلماترا
بعد از نماز عصر روز جمعه بگوید حق
تعالی صد هزار حسنه در نامه عمل
او ثبت می فرماید ومحو می فرماید صد
هزار گناه از او وصد هزار حاجت
اورا برمی آورد وصد هزار درجه
از برای او بلند می فرماید ولکن در
روایت دیگر که آن نیز در جواهر الا
خبار است فرموده که هرکس این کلمات
مذکوره را هفت مرتبه بعد از نماز
عصر روز جمعه بگوید از برای او
خواهد بود مثل عمل جنّ وانس
وشهید اوّل قدس سره در
کتاب ذکری فرموده که هفت
مرتبه خواندن

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

مرتبه خوانده صلوات مرقومه تعقیب
هر نماز عصر است مگر عصر یوم جمعه
که صلوات مرقومه ده مرتبه مستحبست
است که خوانده شود و در کیفیة صلوات
لفظ سلام را بر علیه و علیهم مقدم ذکر
فرموده باینطور والسلام علیه و علیهم
الخ روایت پنجم در انوار فرموده در تفسیر
مولای ما امام حسن عسکری ع فرموده
که فرموده رسول خدا صلی الله علیه
واله آگاه باشید ای امة محمد صلی الله
علیه واله پس محمد صلی الله علیه واله
وال او را یاد بیاورید در نوایب وشداید
خود تا اینکه خداوند یاری نماید
ملئکه موکلین بر شما را بر شیاطین
انچنانی که قصد می نمایند گمراهی شما را

بدرستي هر يك از شما يك ملك از دست
راست او است كه حسنات او را مي
نويسد و يك ملك از دست چپ او است
كه سيئات او را مي نويسد و با او دو
شيطانست از جانب ابليس كه او را اكراه
مي نمايند پس هر كس از شما كه وسواسي
در قلب خود بيابد بگويد لا حول و لا قوة
الا بالله العلي العظيم و صلى الله على
محمد و آله الطيبين الطاهرين پنهان
مي شوند ان دو شيطان پس ميروند
بنزد ابليس و شكايت مي نمايند و ميگويند
بتحقيق كه عاجز نموده است ما را امر اين
بنده پس ما را ياري نما اشياطين مرده
پس ابليس اند و شيطان امداد مي نمايد
بهزار شيطان ما رد پس ان هزار شيطان

مي ا

می آیند برای گمراه نمودن آن بنده پس
هر وقت اراده نمایند که او را گمراه کنند
و او خدا را یاد نماید و صلوات بر محمد و آل
محمد صلی الله علیه و آله بفرستد دست
بر او نمی یابند با ابلیس میگویند چاره
نیست مگر خودت با لشکری که داری
مباشر این بنده بشوی تا بر او غالب بشوی
و او را گمراه نمائی پس ابلیس با لشکر خود
آن بنده را قصد می نماید پس حق
تعالی میفرماید بملئکه این ابلیس است
قصد نموده بنده من فلان مرد را یا
کنیز من فلان زن را با لشکر خود بروید
ای ملئکه در برابر ابلیس پس در برابر
هر شیطان رجیمی از شیاطین صد
هزار ملک می آیند در حالتی که سلاح

هستند بر اسبهای از آتش در دست
آنها هست شمشیرها از آتش و نیزها
از آتش و تیر کمانها و کاردها و اسلحه
آنها همه از آتش است پس پیوسته
شیاطین را مجروح نموده و بقتل میرسانند
با سلحه خود و اسپر می نمایند ابلیس
علیه اللعنه را پس اسلحه خود را براو میکذا
رند عرض میکند پروردکارا و فاکن بوعده
خودم را تا روز وقت معلوم مهلت
داده پس حق تعالی بملئکه میفرماید
وعده کرده ام که ابلیس را نمیرانم و وعده
نکرده ام که سلاح و عذاب و درد را
براو مسلط ننمایم شما او را با سلحه
خود بزنید من نمی میرانم او را پس
ملئکه زخم بسیاری با بلیس میزنند
وبعد

وبعد او را وامیکذارند پس پیوسته
چشم ابلیس کریان خواهد برد بر جرا
حتهای خود و بر قتل او لاد ش و خوب
نمی شود هیچ یك از جراحات او مکر
در وقت شنیدن صداهای مشرکین
بکفر بلند شود و اکر بنده باقی بماند بر
طاعت و ذکر خدا و صلوات بر محمد صلی الله
علیه و اله و ال او باقی میماند ابلیس
بر ان زخمها و اکر بنده زایل شود از حالت
ذکر و صلوات و فرو رود در مخالفت
خدای عز و جل و نافرمانی او جراحتهای
ابلیس خوب میشود و بر ان بنده دست
می یابد روایت ششم در نور العیون
فرموده و سید ابن طاوس ره در
کتاب مجتبی روایت نموده که رسول

خدا صلی الله علیه واله بمردی که این
صلوات را خوانده بود فرمود که وارد بر من
میکردی در سهل طرار. وحال آنکه
روی تو روشن تر از ماه شب چهارده
خواهد بود. وصلوات اینست اللهم
صل علی محمد وال محمد حتی لا یبقی من
صلواتک شئ وارحم محمد وال محمد حتی
لا یبقی من الرحمة شئ روایت دهقتم
از کتاب جمال الاسبوع که از تصانیف
سید ابن طاوس است منقول است
که رسول خدا صلی الله علیه واله فرمود
که هر که در شب جمعه دو رکعت نماز
بجا آورد ودر هر رکعتی بعد از حمد
پنجاه مرتبه سوره اخلاص بخواند وبعد
از نماز بگوید اللهم صل علی النبی العربی
واله

والله حق تعالى جميع گناهان گذشته
واينده او را بيامرزد وچنان باشد كه
گويا دوازده هزار مرتبه قران را ختم
كرده است وحق تعالى او را از گرسنگي
وتشنگي روز قيامت نگاهدارد وتمام
اندوه وحزن او را برطرف سازد واورا
از ابليس ولشكريانش نگاه داري
كند وهيچ گناهي براو ننويسند وسكرات
مرگ را براو اسان كرداند واگردرا
نروز يا درانشب بميرد شهيد مرده
باشد وخدا عزاب از او بردارد و
هرچه از خدا سؤال كند باو عطا فرما
يد ونماز وروزه او را قبول فرمايد
ودعاي او را مستجاب سازد
وملك الموت روح او را قبض

نکنند تا آنکه رضوان ریحان بهشت
بنزد او برد و در روایت هشتم در بعضی
از کتب معتبره فرموده که هرگاه
کسی بگوید اللهمّ صلّ علی سیّدنا
محمّد و آله ما اختلف الملوان قوله ما
اختلف الملوان مؤلّف گوید محتمل
است که بعد از لام ملوان ماو والف
باشد بمعنی شب و روز و مراد از
اختلاف پی در پی در آمدن آنها
است و مراد از تجدید آن نیز شب
و روز است و مراد از تکرار آنها و
جود آنها است بعد از عدمشان پس
بنا بر این فقره ما اختلف الملوان
تکرار شده است و محتمل است که بعد
از لام ملوان همزه و الف باشد بمعنی

محمّد

جماعة مراد اند و ملاء شاید ملاء
اعلا که ملئکه است و ملاء اسفل
که جنّ و انس است باشد و بنا بر این
مراد ان اختلاف تردد است ظاهراً
واحتمال القول ظاهراً اقوی باشد منه
وتعاقب العصران وکرّ الجدیدان واستقلّ
الفرقدان و بلّغ روحه وارواح اهل
بیته منّا التحیّه والسّلام ثواب ده هزار
مرتبه صلوات فرستادن دارد واین
صلوات درمیان خاصّه وعامّه شهرت
تمام دارد روایت نموده سیّد ابن
طاوس وابن بابویه رضی الله
عنهما بسند صحیح از حضرت صادق ع
روایت کرده اند که هر که بعد از
نماز شام پیش از انکه پا بکراند

یا با احدی سخن بگوید این صلوات را *
یک مرتبه بخواند حق تعالی صد حاجت
او را بر آورد هفتاد حاجت از حاجات
آخرت و سی از حاجات دنیا ان الله و
ملئکته یصلون علی النبی یا ایها الذین
امنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما اللهم
صل علی محمد النبی و علی ذریته و علی
اهل بیته و بروایت ابن بابویه اللهم
صل علی محمد و ال محمد و ذریته
مؤلف گوید قطع نظر از روایات
وارده در فضیلت صلوات دلیل
عقلی هم دلالت بر ان دارد هم
چنانکه در نور العیون فرموده
مؤلف گوید که در فضایل صلوات
بر سید کائنات صلی الله علیه و اله

روایا

روایات بسیار است ودلیل عقلی
اجمالی نیز بر این مطلب کلّی انست
که از جمله مقدّمات بدیهیّه مذکوره
در براهین علوم عقلیّه انست که
تا مناسبتی فیما بین قوابل وفواعل
نباشد هیچ قابلی از فاعلی استفاده
نماید وجناب اقدس باری واحد
حقیقی است وبوجهی از وجوه ترکیبی
وشریکی وشبیهی از برای او نیست
وچونکه نفوس انسانیّه بعلاوه ترکیاب
عنصریّه در اغلب اوقات متوجه تدابیر
بدنیّه ومکدّره بکدورات طبعیّه ناشیه
از قوه شهویّه وغضبیّه میباشند و
مطلقا شباهتی ومناسبتی باجناب
اقدس الهی ندارند وباعدم مناسبت

وراه پیوسته کمال احتیاج باشد گاه
دانند پس ناچار محتاجند بواسطه که
از جنس بشر باشد و اعتدال مزاجش
از همه بیشتر باشد و بوحدت حقیقیه
مایل تر باشد تا نفسی که بر آن مزاج
معتدل شریف فایض گردد بمبدءش
شبیه تر باشد تا آنکه آن واسطه بسبب
روحانیه مجرده قبول فیض از مبدء فیاض
نماید و بمناسبت جسمانیه بقدر قابلیت
مواد جسمانیات تعلقیه رساند و بر
هر نفسی واجبست که در واسطه
چنین شخصی که ذو جهتین تجرد و تعلق
باشد استعانت نماید تا بمقصود دنیوی
و اخروی خود برسد و آن وسائط
جماعت انبیا و مرسلینند که بر روی

استفاضه کمالات از حضرت مفیض البرکات

زمین

روی زمین حجتهای رب العالمین اند
واکمل وافضل ایشان بریاست دینی
ودنیوی وصاحب اختیار امور تجردی
وتعلقی محمد مصطفی صلی الله علیه واله
وبعد از انجناب اوصیای طیبین وبند
پس باید که طالبین قرب خدا بصلوات
بر محمد صلی الله علیه واله واوصیاء انجناب
قرب بمجد اجوبند وغفران خطیئات ورفع
درجات وقضاء حاجات خودرا بوساطت
ایشان از حضرت قاضی الحاجات مسئلت
نمایند انتهی کلامه زید احترامه مؤلف
گوید بعد از انکه شخص این وسائط را
شناخت وانهارا واسطه قضاء حاجات
خود نمود البته حاجت اورا خواهد
شد هم چنانکه در انوار وغرر ان از کتب

معتبره دیگر فرموده واز حضرت صادق ع
مرویست که فرمودند زنی از جن بود
او را عفراء میگفتند همیشه خدمت
حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله میرسید
واز کلام آنحضرت می شنید پس میرفت
بنزد صلحاء جن وانها بدست او مسلمان
می شدند چند روزی پیغمبر صلی الله
علیه واله او را ندید از جبرئیل احوال
ورا پرسید جبرئیل عرض کرد رفته است
بزیارت خواهر خود که او را در راه خدا
دوست دارد حضرت پیغمبر صلی الله علیه
واله فرمودند خوشا بحال کسانیکه
با یکدیگر دوستی می نمایند در راه خدا بد
رستیکه خداوند تبارک وتعالی خلق
فرموده است در بهشت عمودی از
یاقوت

یاقوت سرخ که بر آن عمود هفتاد هزار قصر است
ودر هر قصری هفتاد هزار غرفه است
وهمه این قصرها وغرفه هارا خلق فرموده
است خداوند عالم برای کسانی که دو
ستی میکنند بایکدیگر در راه خدا بعد
از آن عفرا آمد خدمت النبی صلی
الله علیه وآله آنحضرت فرمودند ای
عفرا کجا بودی در این مدت عرض کرد رفته
بودم بزیارت خواهر دینی خود حضرت
فرمود خوشا بحال کسانیکه بایکد
یگر دوستی مینمایند در راه خدا وزیا
رت می نمایند یکدیگررا ای عفرا چه
دیدی عرض کرد عجایب بسیار دیدم
فرمود از همه عجیب ترچه دیدی عرض
کرد دیدم ابلیس ملعون را در دریای

خفر بالای سنگ سفیدی ایستاده
در حالتی که دستهای خود را بسوی
آسمان بلند نموده عرض میکرد الهی مرا از
رحمت خود دور و داخل در آتش
جهنم فرموده خدا ندا از بو سوال
میکنم پس بحق محمد و علی و فاطمه و حسن
و حسین علیهم السلام که مرا از آتش
جهنم خلاص کردانی و مرا با آنها
محشور کردانی پس باو کفتم ای حارث
این چه اسمهائیست که خدا را بآنها
میخوانی کفت ای عمرا این نامها را
دیدم در ساق عرش پیش از آنکه خدا
وند عزه وجل خلق نماید آدم علیه
السلام را بهفت هزار سال پس دانستم
که ایشان کریم ترین خلق هستند

در نزد

در نزد خداوند عالم پس از این جهة است
که خدا را سؤال می نمایم بحق ایشان
پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود بخدا قسم که اگر اهل زمین
خدا را قسم بدهند باین نامها البته
انها را اجابت خواهد فرمود
انتهی و صاحب انوار علیه الرحمه
بعد از نقل این روایت فرموده
و اگر بحث نمائی که فائده دعاء شیطان
چه خواهد بود و حال آنکه او از جمله
خالدین در آتش و عذابست خواهم
میگویم جایز است خداوند او را نقل
نماید از طبقات آتش از طبقه که حرا
رتش بیشتر است بطبقه که حرارتش
کمتر است پس خداوند او را خلاص

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

کرده است از آن آتشی که در او بوده
زیرا که برای آتش هفت طبقه
است و از برای طبقه انواع و اهوال
از عذاب بست و جایز است که خدا
ی تعالی او را لحظه از آتش خلاص
کرداند و بعد از آن او را در
آتش مخلد کرداند و جایز است
اینکه بوده باشد مراد از اهل زمین ۲
خدا را قسم بدهند باین نامها
هر آنچه از آنها را اجابت خواهد
فرمود آنهائیکه قابلیت استجابت
دعا داشته اند از اشخاصیکه
متصف بایمان و اسلام میباشند
و بهتر آنست که گفته شود که
کلام محمول است بر ظاهر شرعی یعنی
هر کسی

۲ در حول پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرموده اهل زمین

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

هر کس از اهل زمین خدا را بخواند باین نامها
خدا او را اجابت خواهد فرمود خواه اینکه
داعی مؤمن باشد یا کافر باشد یا شیطان
لکن اجابت دعا عبارتست از جزائی که با
زاء دعا است خواه انجز امد عویه یا غیر
مدعویه و شیطان و غیر او هر کاه خدا را بخوا
نند باین نامها خداوند جزا میدهد انها
را بر اندعا یا در دنیا بتوسعه دنیا بر انها
و یا در اخرت بتخفیف عذاب پس بنا بر این
صدق می نماید که خدا دعاء شیطان
و امثال او را مستجاب می فرماید مؤلف
کوید در توجیه این حدیث نیز میتوان
کفت که تاثیر دعا مانند سایر اعمال حسنه
در صورتیست که متعقبه مضمحل و مستهلک
نشود بنا و بر این میکوئیم اکرچه بمعاصی

شیطان در زمان حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه واله دعاء مستجابی
نموده ولکن بعد از آن نقدر معاصی
از او صادر شده است که دعاء او در جنب
آنها بی تاثیر ومستهلك شده است
ومعلوم هم نیست که شیطان من بعد
موفق شود که دعای مستجابی نماید واگر هم
خدای نخواسته من بعد دعای مستجابی
نماید واگر هم معاصی واعمال شنیعه
او سلب تاثیر آن اند غاخواهد نمود والله
العالم ودر مصابیح القلوب فرموده ر
وایت کرده اند از حضرت امام جعفر صادق
که گفت ادم ع در بهشت کوشکی دید
بنای او خشتی از سیم وخشتی از زر
وکنگره وی از زمرد ودر آن قصر تختی
از یاقوت

از یاقوت نهاده و پر سر ان تخت قبه از نور
و در ان قبه صورتی در غایت خوبی
و بر سرش تاجی از نور و در گردنش گردن
بندی از نور و دو گوشواره از لؤلؤ در
گوشهای وی آدم در تعجب فرماوند
گفت یا رب ما هذه الصوره فقال یا آدم هذا
فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله قال
یا رب ما هذا التاج علی راسها قال ابوها
و فخرها خداوندا این صورت چیست
گفت فاطمه دختر محمد است صلی الله علیه
و آله گفت پادشاها این تاج چیست
بر سر وی گفت پدر وی و فخر وی است
گفت این گردن بند چیست گفت
زوجها و قرینها علی ابن ابیطالب
است گفت خداوندا این گوشوارها

گفت فرزندان او حسن و حسین
است که سیدان جنت اند و ایشان
اهل بهشتند ادم بر بالای قبه پنج
نور دید بر بالای یکی نوشته انا المحمود
و هذا محمد صلی الله علیه و اله و بر بالای
دیگری نوشته است انا العلی الاعلی و
هذا علی و بر بالای دیگری نوشته
انا الفاطر و هذه فاطمه و بر بالای دیگری
نوشته انا المحسن و هذا حسن و بر بالای
دیگری نوشته انا قدیم الاحسان و هذا
حسین جبرئیل گفت ای ادم این
نامها را یاد گیر باشد که ترا بکار اید
ادم نامها را یاد گرفت چون او را بزمین
فرستادند بسبب ترک اولائی که کرد
سیصد سال میگریست جبرئیل بنزدیک
امد که ای ادم

که ای آدم نام ما را فراموش کردی

سر بر آور دو بنگر بیست تا پنج نام بیابی و ش

آمد آن لحظه گفت الهی بحق محمد صلی ا

لله علیه و آله و علی و فاطمه و حسن

و حسین که توبه مرا قبول کن حق

تعالی ببرکت این نامها توبه وی قبول

کرد و این کلماتست که در قرآن

فرموده فتلقی آدم من ربه کلمات

فتاب علیه انه هو التواب الرحیم

و در نور العیون فرموده و در

خصال بروایت ابو سعید خدری

از رسول خدا صلی الله علیه و آله

مرویست که هر کس که خدا محبت

اهل بیت مرا روزی او کرد اندیس

بدرستیکه خیر دنیا و آخرت را دارد

هیچ کس شك نکند در اینکه او از اهل
بهشت است پس بدرستی که در
محبت اهل بیت من بیست خصلت
است ده در دنیا آنها زهد از دنیا
وحرص در طاعت خدا وورع در
دین ورغبت در عبادت وتوبه
پیش از مرگ ونشاط در نماز شب
وناامیدی از آنچه در دست مرد
مانست ومحافظت امر ونهی خدا
وبغض دنیا وسخا ولست نشود و
میزانی برای او نصب نشود ونامه
اعمال او را بدست راست او دهند وبرات
بیزاری از آتش جهنم برای او نویسند
روی او را اسفید کردانند وحله
بهشتی باو بخشند واورا شفیع یکصد
نفر از

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

نفران اهل بیتش گردانند و تاج بهشتی
بر سرهشان گذارند و خدای تعالی
نظر رحمت ابسوی او فرماید و بیحساب
داخل بهشت گرداند پس خوشا
حال محبان اهل بیت من و نیز در
نور العیون فرموده و ایضاً از کتاب
صفوة الاخبار روایت نموده که رسول
خدا صلی الله علیه و آله بعلی مرتضی
فرمود که هرکسی که خواهد خدای
عز و جل را ملاقات نماید و حال آنکه
از او راضی باشد پس باید که دوست
دارد حسن را و هرکه خواهد از خوف
قیامت ایمن باشد پس باید با حسین
دوستی نماید و هرکه خواهد گناهان
او را محو نماید پس باید با علی ابن الحسین

دوستدار بود و هر که خواهد از رحمت
خدا خوشنود گردد با محمد ابن علی باقر
دوستی کند و هر که خواهد که خدا نامه
اعمال ورا بدست راست او دهد خدا
پس جعفر ابن محمد صادق ع را دوستدار
دو هر که خواهد خدا را طاهر و مطهر
ملاقات کند پس با موسی ابن جعفر
کاظم محبت ورزد و هر که خواهد شاد
و خندان محشور گردد پس علی ابن موسی
الرضا را موالات وجهد و هر که خواهد که
درجات او بلند شود و سیئاتش مبدل
گردد پس باید محمد ابن علی جواد را دوستدار
دو هر که خواهد حسابش آسان
شود و خدای عز و جل ورا در بهشت
عدن که عرضش مشابه آسمان و زمین

است

است داخل کرده اند پس با علي ابن محمد هادي
دوستي نمايد و هر که خواهد با ايمان
کامل خداي عز و جل را ملاقات نمايد
پس بايد حجة ابن الحسن منتظر صلوات
الله عليهم اجمعين را تولي نمايد ايشانند
پيشوايان هدايت و اعلام تقوي و فتوت
هر کسي که با ايشان دوستي نمايد من ضامنم
که خدا او را به بهشت رساند و در جواهر ا
لاخبار فرموده و در جلد سيم بحار و در
عوالم از محمد ابن عطار از اشعري از حسن
ابن علي کوفي و از عباس ابن عامر و از احمد
ابن رزق و از يحي ابن ابي العلا و از جابر ا
ز ابي جعفر باقر عليهما السلام مرويست
که فرموده بدرستي که بنده هست که هفتاد
خريف در آتش جهنم ميماند و هر خريفي

هفتاد سال است فرمود پس این بنده سؤال
می نماید از خدای تبارک و تعالی بحق محمد
و اهل بیت او اینکه بر او رحم نماید فرمود پس
خداوند عالم بجبرئیل وحی می فرماید برو
بسوی بنده من پس او را بیرون بیاور
از آتش پس جبرئیل عرض میکند چگونه
می توانم که فرو روم در آتش حق تعالی
می فرماید من امر کرده ام آتش را که
بر تو برد و سلام باشد جبرئیل عرض
میکند نمیدانم که این بنده در کجا است
حق تعالی میفرماید بدرستیکه او در
چاهیست از سجین حضرت فرمود پس
جبرئیل فرو میرود در آتش پس می یابد
او را در حالتی که برو افتاده پس جبرئیل
او را بیرون میاورد پس خدای عز
وجل

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

وجل میفرماید ای بنده من چه قدر است که درا
لش هستی و مرا قسم میدهی عرض میکند
حساب او را نمیدانم ای پروردگار من حق
تعالی میفرماید ای بنده من قسم بعزت
خود که اگر باین قسم نمیدادی هر اینه طول
میدادم خاری ترا در آتش ولکن بر خود
واجب کرده ام که او هیچ بنده مرا قسم ندهد
بحق محمد صلی الله علیه واله واهل بیت
مگر گناهان او را بیامرزم و من امروز گناهان
ترا آمرزیدم مؤلف گوید احادیث و اخبار
در این مضمار اگرچه زیاده از حد شمار
است ولکن نظر بمطلوبیه اختصار بهمین
قدر اقتصار نموده در همین جا رساله را ختم
نمودیم و چون بعد از اتمام این رساله
برخوردم بتقریرات بعضی از فضلاء

عصر در فضیلة صلوات بر حجی از مستمعین
انهار ابد ورن کم و زیاد تحریر نموده پاره
از انها که در این رساله مذکور نبود بجهة
تکمیل بر این رساله افزوده شد و اگر
چه اعتبار این احادیث معلوم نیست
ولکن نقل انها نظر بقاعدهٔ مسلمه تسامح
در ادلهٔ سنن عیب ندارد و ان احادیث
این است ابو بصیر روایت میکند از
حضرت صادق ع که ان بزرگوار فرمود
که خداوند تبارک و تعالی خلق فرموده
است در دار السلام قصوری چند
که سقف انها از لؤلؤ سفید است و دیوار
انها از یاقوت احمر و زمین انها از زبرجد
اخضر است و داخل در انها و ساکن در ا
نقصرها نمیشود مگر سه فرقه اول کسی
که

که بسیار بر ما اهل بیت صلوات بفرستد

دوم کسیکه پر کند مجالس و محافل را از

فضایل و خبار ما اهل بیت سیم کسی

که اعانت کند ذریه ما اهل بیت را و از

برای هر یک ازان قصرها در است چهار

و از هر دری داخل می شود هزار قبیل

از ملئکه و هر ملکی تحفه و هدیه دارد

از جانب رب العزة و کسی که ساکن

شد در ان قصرها باو میگویند ای فلان

خداوند تو را اسلام میرساند و فرستاده

است از برای تو این هدیه ها را ابو

سعید خدری روایت میکند از حضرت

رسول صلی الله علیه و آله فرمودند

که هر کس صلوات بر من و اهل بیت

من بفرستد خواهم بود ناصر و معین

اودر هفت موضع اوّل در وقت
مردن دوم در قبر سوّم در نزد نشور
چهارم نزد پریدن نامهای اعمال پنجم
در نزد حساب ششم در نزد سنجیدن
اعمال هفتم در وقت عبور از صراط
بعد فرمودند آگاه باشید هر کس که
صلوات بر من و اهل بیت من بفرستد انقدر
بلند بگوید کسی که ده زرع از او دور باشد
او را بشنود خداوند تبارک و تعالی قبر
او را بقدر چشم انداز وسعت میدهد
و می فرستد بسوی او ملکی که سفیدی
صورت او و روشنائی صورت او هفتاد برابر آ
فتاب باشد پس از ملک مونس او باشد
و بشارت میدهد او را ببهشت و حور العین
و می خوراند با و از میوه های بهشت تا
روز قیامت

روز قیامت وبالجمله صلوات عجب مونسی

است همچنانکه شیخ بهائی نوشته است

با یکی از علماء در اصفهان در تخت فولاد نشسته

بودیم در باب تجسم اعمال صحبت میداشتیم

صحبت ما بطول انجامید تا اینکه تاریکی

شب ما را فرو گرفت و شخصی هم تازه در آن

حوالی فوت شده بود ناگاه دیدیم از سمت

قبله صورتی می آید مثل ماه بسیار خوش

صورت و وجیه آمد و آمد تا نزدیکی آن

قبر رسید پس قبر شکافته شد و او داخل

در قبر شد قبر هم بهم آمد چند دقیقه گذشت

باز دیدیم از سمت شمال قبرستان صورت

سگ سیاهی با هیبت و دندانهای دراز

میآمد آمد و آمد تا بجائی همان قبر

رسید آن سگ هم داخل در همان

قبر شد پس ما باهم گفتیم همین مجسم
اعمال است بنشینیم تا ببینیم چه خواهد
شد پس ما نشستیم و مشغول ذکر شدیم
تا دو ثلث از شب گذشت ناگاه دیدیم
ان سگ سیاه با بدن مجروح و صورت
خراشیده و دندانهای کشیده از قبر بیرون
امد قدری راه که رفت ما فریاد براوردیم
که ای شخص تورا بان خدائی که تورا باین
صورت کرده است بیا نزد ما پس امد ما
گفتیم تورا بخدا تو کیستی و ان صورت
اولی که بود انسک گفت بدانید که من
عمل بد این مرده هستم و ان صورت
اول صلوات او بود صلوات داخل
در قبر او شد منهزم شدم پس ما باهم
خاتمه نمودیم اخراو بر من غالب شد

مایابین

ما باین صورت کرد پس او در نزد صاحبش
ماند من بپرون امدم اینست که حضرت
باقر مجابر می فرماید که صلوات بر ما اهل
بیت مونس تو میشود در قبر و ایضا ترمدی
گفته است که صلوات فرستادن تلقین
است در قبر بوقت سؤال نکیر و منکر
و دلیل بر ان احکایتی از شبلی نقل
نموده است گفت من همسایه داشتم
وفات نمود بعد از ان او را در خواب
دیدم و از او پرسیدم که حق تعالی با تو
چه کرد گفت که الشیخ هولهای بزرگ
دیدم و رنجهای عظیم کشیدم از انجمله
بوقت سؤال نکیر و منکر زبان من از کار
باز ماند و با خود گفتم وا ویلاه این عقوبت
از کجا بمن رسید اخر من مسلمان بودم

و بر دین اسلام مردم و آن دو نفر فرشته
بعنف و غلظت از من جواب می طلبید
ند ناگاه شخص نیکو روی خوش بوی آمد
و میان و ایشان حایل شد و مرا تلقین
کرد تا جواب ایشان ابن وجه صواب باز
دادم از آن شخص پرسیدم که تو کیستی
خدا تو را رحمت کند که مرا از این غصه
خلاصی دادی گفت که من شخصیم که
مخلوق شده ام از صلواتی که بر پیغمبر فرستادی
و من مامورم بآنکه در هر وقت و هر جا که
در مانی بفریادت رسم ابو بصیر از حضرت
صادق ع روایت میکند که آن بزرگوار
فرمودند هر کس بخواهد که از صراط
مثل برق جهنده عبور کند پس باید مدا
ومت کند بذکر صلوات بر ما اهل بیت

صلی الله علیه و آله

و بعد

وبعد فرمود یا ابا بصیر خداوند خلق
فرموده است در میدان محشر اسبهای
عجیب نوری وانبرای ان اسبها
بالها است که اگر بخواهد تمام روی
زمین را طی نماید هر اینه در نیم ساعت
طی میکنند بدون آنکه صاحب خود را مشقت
بدهند وکسانیکه مواظبت نمایند بذکر
صلوات سوار ان اسبها می شوند واز
صراط عبور می نمایند واسم ان اسبها
سلام است ووجه سلام بودن انها
این است که در میان محشر میگردند
هر کس که در دنیا مداومت بذکر صلوات
بر ما کرده پیدا می نمایند ومیگویند سلام
علیکم بیا بر پشت ما سوار شو تا تو را از
صراط بگذرانیم وداخل در بهشت

نمائیم ابو القاسم جوهری بدو واسطه
روایت میکند از حضرت صادق ع که آن
بزرگوار فرمودند هرگاه کسی مواظبت
داشته باشد در دنیا باین سه چیز
ودر محشر وارد گردد وحال آنکه براو باشد
وزر ثقلین خداوند میامرزد او را آن
سه چیز اول صلوات است دوم ذکر لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم سیم تسبیحات
اربع وبعد فرمودند خداوند خلق
فرموده ناقهای نور که هرگاه دمید
اسرافیل در صور برای بیرون آمدن
اموات از قبور آن شترها زمامشان
از مروارید تر است وجهازشان از طلای
احمر وروی جهازشان از استبرق
بهشت است که بافته شده است از در

وجوا هر

وجواهر پس آن ناقهارا میاورند در محل
قبور کسانیکه در دنیا مداومت بذکر
صلوات کرده اند و انقدر صدا را بلند
کرده اند که کسی که در پهلوی ایشان
نشسته است همه صلوات او را شنیده
پس سوار میشوند در محشر در حالیکه
سوار آن ناقها باشند و ملائکه اطراف
آنهارا گرفته باشند و بگویند ای اهل
محشر راه دهید این عبد صالح را روایت است
شخصی خدمت حضرت باقر ع عرض کرد
فدایت شوم صداعی بر من عارض شده
هر وقت مرا میگیرد طاقتم نمی ماند
حضرت فرمودند چرا دعا بر ما نمیکنی
عرض کرد فدایت شوم چگونه بر
شما دعا کنم فرمودند صلوات برا

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

اهل بیت بفرست آن شخص میگوید همچین
قسم کردم هفته بر من نگذشت که در
درد من خوب شد ابو بصیر روایت
میکند از حضرت صادق ع و حضرت
باقر ع که می فرماید بدرستی که از برای
خدا ونذ میدانهاست در زیر عرش
وفضاهاست در آن میدانها سعی
وملائکه که در آمید آنها خلق فرموده
است عدد وشماره آنها بیشتر از
رمل عالج است وشغلی ندارند مگر
اینکه صلوات میفرستند بر کسی که صلوات
بفرستد بر محمد وآله محمد صلی الله
علیه وآله از عبد الجبار موصلی روایت
شده که او روایت میکند از حضرت
جواد ع که فرمود هیچ کس نیست که صلوات

بفرستد

بفرستد مگر اینکه خداوند میگرداند
صلوات بصورت مرغ سفیدی که منقار
او سبز باشد و پاهای او سرخ و تاجی
بر سر او باشد پس آن مرغ پرواز نماید باسمانها
وجا بهانرا از هم نشگافد برود تا
زیر عرش و منقار خودش را بقند یلی
از قندیلهای عرش بند کند پس فریاد
نماید که جمیع ملائکها بفریاد آیند پس
خطاب از مصدر جلال الهی برسد
که ای مرغ ترا چه میشود عرض کند
خداوندا من صورت صلوات فلان
بنده توام پسر فلان که در فلان قریه
و فلان قطعه زمین نشسته و بر
حبیب تو صلوات میفرستد و تو مرا
باین صورت خلق فرمودی بعزت

وجلال تو قسم است تا صاحب مرا ویند ومادر
اورا نیامرزی این صیحه کشید نواکوتاه
نمیکنم پس خداوند بجمله عرش میفرماید بجمله
عرش من وایملئکه که اطراف عرش را احاطه
کرده اید شما همه شاهد باشید که صاحب
این را وپدر وما درا ورا آمرزیدم انس ابن
مالک از رسول خدا صلی الله علیه
واله روایت میکند که انحضرت فرمودند
هرکس میخواهد رضوان خازن بهشت
وسکنه بهشت روز قیامت اورا استقبال
کنند پس صلوات برمن واهل بیت من
بفرستد وفریاد میکند رضوان باسکنه
بهشت بشارت باد ترا این نعمت را که
خداوند عطا فرموده بتو که حساب تو
باسانی میکند ودباسانی از صراط میکذرد

وداخل

وداخل بهشت میشوی ابن عباس روایت
میکند در زمان رسول خدا صلی الله علیه
واله اغنیا بندها خریدند ودر راه خدا
آزاد کردند فقرا اند وهنالك شدند مدند
خدمت حضرت فرمودند شمارا چه
میشود عرض کردند فدایت شویم اغنیا مال
دارند انفاق می نمایند در راه خدا
وصدقه میدهند وبرهنهارا می پوشانند
وگرسنهار سیر می نمایند ماندایم لهذا
از این ثوابها محرومیم حضرت فرمودند
بشارت دهم شمارا هر یك از شماها
صلوات برمن بفرستید خداوند ثواب
هزار بنده آزاد کردن در راه خدا وهزار
درهم صدقه دادن وثواب هزار
گرسنه سیر کردن وهزار برهنه

پوشانیدن با وعطا فرماید اغنیا که این را
شنیدند گفتند که ما مال داریم صلوات
هم میفرستیم حضرت فرمودند اعمال
شما و فقرا تفاوت دارد از کجا که مال شما بی
شبهه باشد ولکن عمل فقرا مقبول است
علی ابن فاضل ابن یونس عاملی در کتاب
صراط المستقیم روایت میکند از انس ابن
مالک میگوید که رسول خدا صلی الله
علیه واله فرمودند خداوند عالم خلق
فرموده است در زیر قائمه از قوائم عرش
عظمت چشمه که اسم ان چشمه نون است
ومداد قلم است ودر کنارا و شجره را خدا
وند خلق فرموده که اگر اهل مشرق
ومغرب در سایه اند رخت قرار گیرند
هر اینه سایه اندرخت وسعت میدهد

البشارة

ایشان او اسم اند رخت سلام است پس
هر کس صلوات بر من بفرستد خداوند
همان کلمه صلوات را صورت مرغی قرار
میدهد که عدد پرهای او را خدا
میداند و راسخون در علم پس ان مرغ پرواز
نماید بسوی اسمان و میشکافد اسما
نها و دریاها و حجابها و کوههای نور را
تا خود را میرساند با چشمه نور و غوطه
میخورد پس بیرون میاید و بر اندر
خت قرار میگیرد و خود را تکان میدهد
بهر قطره ابی که از پر و بال او میچکد خدا
وند ملکی را خلق می نماید که تا روز قیامت
همه ان ملکها صلوات بر ان شخص میفرستند
و طلب امرزش از برای ان بنده میکنند
محمد ابن مسلم ثقفی از حضرت صادق

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

روایت میکنند واو از پدر بزرگوارش

حضرت باقر ع واو از حضرت سجاد واو از ابی

عبد الله واو از پدرش واو از حضرت

رسول صلی الله علیه واله واو از جبرئیل

واو از میکائیل واو از لوح واو از قلم واو از

علم خداوند تبارک وتعالی میفرماید ای

بندگان وای کنیزان هر کدام از شما می

خواهید که در روز قیامت تاج کرامت

بر سر او بگذارم واو را سوار ناقه نور بکنم

وزمام ان ناقه را بدست ملکی بدهم

وان ملک ندا کند در محشر و بگوید راه

دهید این بنده شاکر واین بنده مغفور

واین بنده صالح واین بنده شفاعت

کننده را پس صلوات بفرستید بر محمد

واولاد طاهرین او صلوات الله علیهم

اجمعین

١٣٣

اجمعين و لعنت كند بر دشمنان ايشان
بعد ميفرمايد يا عبادي يا عبادي يا
عبادي يا امائي يا امائي يا امائي بعزت
وجلال خودم كسي را دوستر از براي
خودم بهتر از محمد و ال محمد صلى الله عليه
واله خلق نفرموده ام ودشمني را بدتر
از دشمنان محمد و ال محمد صلى الله عليه
واله خلق نفرموده ام علي ابن فاضل ابن
يونس عاملي ميكويد شبي از شبها در عالم
رويا خدمت حضرت رسول صلى الله
عليه واله مشرف شدم سلام كردم
حضرت جواب سلام مرا ليس دادند
بعد فرمودند اي ليسر فاضل نزديك
بيا ليس من رفتم نزديك كرسي كه حضرت
روي او قرار كرفته بود حضرت بمن

فرمود ای پسر فاضل چه میشود تورا که
درهم و غمی عرض کردم فدابت شوم از دو
جهه است یکی اینکه اولاد ندادم و دوم
اینکه مدیون هستم و دین زیادی
دارم حضرت فرمودند یاد کن ما اهل
بیت را الشبانه روزی بدواز ده هزار
مرتبه صلوات میگوید همین که این
را فرمود من از خواب بیدار شدم
و میگویم ومشغول شدم بذکر صلوات
میگویید والله یک هفته نکذشت که
خداوند سبب ساخت جمیع دیونم را
دادم حتی اینکه زنی داشتم که مهر زیادی
داشت مهریه زنم را هم دادم و زنم را که
دوازده سال بود که اورا گرفته بودم
اولادش نمیشد در همان هفته حامله
شد بپسر

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

شد بسبب یونس اسم جدّم را باو کند اشتم
خداوند او را توفیق عطا فرماید که عالم
ربّانی بشود از بعضی فضلا مرویست
که هر کس صلوات را بلند بفرستد و سخنش
بگزید بقسمی که رگهای بدن او حرکت
نماید و بدن او متحرك شود و صورتش
سرخ شود خداوند در قیامت شفاعت
او را در حق هفتاد فئام از کند کار ان
قبول می فرماید که هر فئامی صد هزار
کس باشد محمد ابن مسلم ثقفی روایت
میکند از حضرت صادق ع که فرمودند
بدرستی که از برای خداوند عالم
شهریست در ما بین آسمان و زمین
که ستون و پایه ندارد و زیر پرو بالا
و بالایش در پیست و از قدرت

کامله حق سبحانه و تعالی قطره از آب
آن دریا بر زمین نمی آید و دیوار همچو
آن شهر مثل پوست تخم مرغ سفید
است و مملو است آن شهر از ملائکه
که عدد آنها هزار هزار برابر بنی نوع
آدم است که بر روی زمین هستند
ذکر ایشان صبح و شام از اول ایام
هفته تا روز جمعه تسبیح و تهلیل
و تحمید و تمجید و تقدیس است
و روز جمعه از اول طلوع تا غروب
ذکر ایشان این است که خدایا بیامرز
کسانی که صلوات بر محمد
و آل محمد صلی الله علیه و آله میفرستند
و اشخاصیکه غسل جمعه را بعمل
میآورند و عرض میکنند خدا
وند ا ... ال

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

ونند اما از اول هفته انچه تورا
عبادت کرده ایم ثواب همه را
عطا بفرما بانکسانیکه صلوات بر
محمد وال محمد صلی الله علیه واله میفرستند
وغسل جمعه میکنند از حضرت ابی جعفر
بروایت جابر جعفی وبروایت فضلای
از بعد روایتست که ان بزرگوار
فرمود خداوند تبارک وتعالی در جنة
العدن خلق فرموده قصرها وغرفها ودر
ان غرفها انچه نعمتکه در هشت طبقه
بهشت است خلق فرموده وعلاوه بر انها
در ان غرفها گسترده است سفره رضای
خودرا وداخل در ان قصرها وغرفها نمیشود
مگر کسیکه صلوات بر ما اهل بیت بفرستد
بعد فرمود همین که ساکن شدند در ان

نعرفها خدا وند عالم بدون واسطه ملکی
ندا میکند اید وستان من خوش امدید منزل
شما مبارک بعد میفرماید منکه از شما راضی
شده ام ایا شما هم از من راضی شده اید
یا نه حضرت فرمودند همین که ایشان
این کلمات را می شنوند از وجد بقدر
عمر دنیا مدهوش میشوند ایضا جابر جعفی
از حضرت باقر روایت می نماید که انحضرت
فرمودند برای هر چیزی کیلی ووزنی
هست مگر سه اول چیز گریه از خوف
خدا دوم صلوات بر ما ولعن بر دشمنان
اهل بیت سیم نماز جماعت است از ده
نفر که بگذرد از غیر خدا کسی ثواب
انرا نمیداند از حضرت جواد منقول است
که فرمودند بخاک بمالید دماغهای
شیاط

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

وخدا را بر معرفت ان بزرگواران
شکر نمودیم اللهم ارزقنا الشکر علی معرفتهم
واحشرنا فی زمرة احبتهم واختم اللهم اعمالنا
بالخیر وقنا من کل ضر وضیر والحمد لله علی
جسیم النعم وعمیم اللطف والکرم والصلوة
والسلام علی سید العرب والعجم صلی الله علیه
واله وسلم ما نطق ناطق او تکلم متکلم وقد فرغ
من تالیفه مؤلفه الفقیر الی رحمة ربه الغنی
عبد الله ابن محمد تقی ابن محمد مهدی عاملهم
الله بلطفه الابدی یوم الجمعة التاسع
عشر من شهر ذی القعدة الحرام من شهور سنه
تسعین بعد الالف والمائتین من الهجرة
النبویه علی مهاجرها واله الوف السلام
وصنوف التحیة والاکرام یوم جمعه
۱۲۹۶
هم شهر ربیع الثانی من شهور سنه

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

باتمام پیوست علی ید اقل الـ ا
والحجاج حاجی مبارک کرما
بجهة اخوی مکرم مشهدی رص
ابن مرحوم مغفور اغلام رضا
امید هست از خوانندە که هرگاه
ملتفت شود بنقصی از عیوب
خط یا سهوی یا نسیانی از حقیر
عفو فرموده لان الانسان
لا یخلو عن السهو والنسیان
وامید که کاتب را
هم بدعای خیری
یاد فرمایند
البته خالی از
اجر نخواهد
بود

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران